



# پروژه‌ی ترویج و پیاده‌سازی مشارکت عمومی و خصوصی در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های طرح‌های ملکی دارایی‌های سرمایه‌ای کشور

مصاحبه با دست‌اندرکاران مشارکت عمومی و خصوصی  
با همکاری کمیته سیاست و تنظیم‌گری انجمن علوم سیاسی ایران



عنوان گزارش: پروژه‌ی ترویج و پیاده‌سازی مشارکت عمومی و خصوصی در اجرای طرحها و پروژه‌های طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کشور

کمیسیون: صنایع

همکاران: مرتضی کریمی، زهره یزدانی، راضیه امامی، مهدی بهمنی

انتشار: امور کمیسیون های تخصصی اتاق ایران

شماره گزارش: ۱۱۰۱۵۵

تابستان ۱۴۰۱



# مشارکت در پروژه‌های دولتی: از لایحه مشارکت عمومی و خصوصی

## تا مشارکت دولتی و غیردولتی در لایحه بودجه ۱۴۰۱

مصاحبه شوندگان:

- سید مرتضی ناصریان، مشاور اقتصادی و تامین مالی
- سید مهدی جوادی، مشاور در قراردادهای مشارکت عمومی و خصوصی
- محسن رجایی، عضو هیات مدیره انجمن توسعه مشارکت عمومی - خصوصی
- اقبال شاکری، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو هیات علمی دانشگاه امیرکبیر



## خانم امامی:

بسم الله الرحمن الرحيم، عرض سلام و احترام همانطور که می‌دانید دو لایحه در این میان مطرح است: «لایحه مشارکت عمومی خصوصی» که هنوز به تصویب نرسیده و تبصره ۴ لایحه بودجه ۱۴۰۱، که فکر می‌کنم دیگر رأی‌گیری در مورد آن تمام شده باشد. حالا آقای رجایی مطمئناً می‌توانند بیشتر به ما توضیح بدهند که به کجا رسیده است. تا جایی که من دنبال کرده‌ام این تبصره تصویب شده است و اولین بسته مشارکتی عمومی خصوصی را فکر می‌کنم از سال ۱۴۰۱ شاهدش باشیم. این جلسه را با شرکت جناب آقای سید مرتضی ناصریان، جناب آقای محسن رجایی و جناب آقای مهدی جوادی برگزار می‌کنیم. جناب آقای اقبال شاکری هم در انتهای برنامه به جمع ما اضافه می‌شوند. ایشان در جلسه بودجه هستند، بودجه سه شیفته شده است و الان ظاهراً شیفت سوم بودجه هست. گفتند که برای قسمت پرسش و پاسخ در خدمت عزیزان خواهند بود. در واقع ما در دور سخنرانی خدمت ایشان نیستیم ولی برای پرسش و پاسخ ایشان زحمت می‌کشند و به ما ملحق می‌شوند. اگر دوستان سوال خاصی از آقای شاکری دارند در کامنت‌ها مطرح بکنند که من سوالاتشان را از ایشان بپرسم. اولین سخنران ما جناب آقای ناصریان هستند، کارشناس تامین مالی و مشاور اقتصادی. به طور خاص در زمینه حمل و نقل سال‌هاست که فعالیت دارند و افتخار دادند دعوت ما را پذیرفتند. من بیشتر از این وقت دوستان را نمی‌گیرم و میکروفون را به آقای ناصریان واگذار می‌کنم. آقای ناصریان در خدمت شما هستیم. فایل شما آپلود شده است.

## آقای سید مرتضی ناصریان

بسم الله الرحمن الرحيم. با تبریک اعیاد شعبانیه حضور کلیه مهمانان این وبینار سلام عرض می‌کنم، من کوچکتر این جمع هستم هر چند که میکروفون را اول به من سپرده‌اند. علی‌احمال ما یک موضوع ساماندهی پروژه‌های نیمه‌تمام عمرانی را در نظر گرفتیم که یک مقدار بحث کلان‌تری است که بعد به عنوان یکی از بحث‌های راه حلی وارد مقوله مشارکت عمومی و خصوصی می‌شود.

اسلاید بعد: ضمن مرور اهمیت نگاه اقتصادی در اسناد بالادستی به موضوع طرح‌های عمرانی و وضعیت ناهنجارشان می‌پردازیم از این نظر که پروژه‌های نیمه تمام نیاز به ساماندهی دارند و بعد به راه‌حل‌های محتمل برای این معضل پرداخته می‌شود. سپس وارد بحث قوانین مرتبط در حوزه مشارکت هم خواهیم شد.

اسلاید بعد: به صورت کلی کمبود زیر ساخت‌ها در کشور مساله مهمی است، در کشور نیاز به زیر ساخت‌های عمده‌ای داریم. الان کمبود داریم و اینها به کلیه فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی کشور موثر هستند. از آن طرف تامین مالی مناسبی به تناسب توسعه شتابان کشور نداریم و نیازمند یک برنامه‌های راهبردی هستیم تا بتوانیم استفاده بهتری از منابع موجود کشور داشته باشیم. تجهیز منابع جدید و تامین منابع مالی از منابع غیردولتی بتواند به توسعه زیربنای لازم در کشور کمک نماید. در همین ارتباط بحث افزایش سرمایه‌گذاری غیردولتی مطرح می‌شود که جزء اصول مورد تاکید در سیاست‌های اصل ۴۴ برای پیشرفت توسعه کشور و افزایش نقش بخش غیردولتی است.

اسلاید بعد: در سیاست‌های کلی اصل ۴۴، در مقدمه، به صورت مبسوط اهمیت فعال شدن بخش غیردولتی در فعالیت‌های اقتصادی را خیلی خوب مطرح کرده‌است. من از متن الان گذر می‌کنم ولی در ذیل بند ۲ حتی حوزه‌هایی که انتظار می‌رود که سرمایه‌گذاری غیردولتی رونق بیشتری داشته باشد مطرح شده‌است که من عناوین آن بخش‌هایی را که بیشتر با حوزه فعالیت‌های عمرانی مرتبط است در اسلاید فهرست کرده‌ام.

اسلاید بعد: نکته‌ای است البته در سیاست اصل ۴۴ که با اینکه سال‌ها ابلاغ شده است هنوز بعضی از مدیران ارشد گویی به این موضوع اعتقاد ندارند و بلکه گاهی بر خلاف آن حرکت می‌کنند. در سیاست‌های کلی برنامه ششم هم بحث‌های سرمایه‌گذاری و توسعه به صورت مبسوط مطرح شده‌است.

اسلاید بعد: از جمع‌بندی اسناد بالادستی می‌شود این را در نظر گرفت که این می‌تواند نقش دولت را در اعمال حاکمیت استنباط کنیم که باید چگونه بوده باشد.

اسلاید بعد: برنامه‌ریزی بلندمدت و راهبردی بخش‌های اقتصادی و خدماتی مورد انتظار است که دولت انجام دهد و پروژه‌های موجه و همسورا انتخاب کند و برای حداکثر مشارکت و سرمایه‌گذاری غیردولتی بسترسازی کند. این سرمایه‌گذارانی که می‌خواهند این پروژه‌ها را به عهده بگیرند به صورت شفاف و رقابتی انتخاب شوند، سازوکارهای رقابتی داشته باشیم و و سازوکارهای قراردادی برای تامین مالی و اجرای به موقع اینها. مشوق‌هایی به تناسب منافع ملی هر پروژه باید وجود داشته باشد.

اسلاید بعد: ما وضعیت ناهنجاری از نظر حجم پروژه‌های نیمه‌تمام در کشور داریم که اگر فرض بکنیم متناسب لایحه بودجه ۱۴۰۱ اعتبارات هر ساله داشته باشیم و طرح جدید هم اضافه نشود، حدوداً ۱۴ سال برای تکمیل این طرح‌ها لازم است. ولی در بخش ریلی که من کار می‌کنم این تناسب حدود ۳۰ سال است. یعنی به شدت طرح‌های مصوب بیش از اعتبارات سنواتی است که یک فاجعه در زمینه برنامه‌ریزی و مصرف منابع مالی است که این عدم تناسب گسترده را داریم.

اسلاید بعد: به خصوص در بخش حمل و نقل که تقریباً بیش از نصف معضل طرح‌های عمرانی نیمه تمام مربوط به طرح‌های عمرانی بخش حمل و نقل است که از وضعیت اینها از بقیه بغرنج‌تر است.

اسلاید بعد: این وضعیت تطویل زمانی پروژه‌های نیمه تمام تبعات نابهنجاری برای کشور ایجاد می‌کند که هم اقتصاد پروژه، هم اقتصاد اجتماعی و آن منطقه را و هم برنامه‌ریزی‌های اجتماعی آن منطقه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، خیلی اعتماد مردم به وعده‌های مسئولین نظام را کم می‌کند. بعضی از پروژه‌های مطلوب و مهم در حاشیه قرار می‌گیرند و اهداف اسناد بالادستی کشور محقق نمی‌شود با این وضعیت و سرمایه‌های بسیار زیادی هم در این وضعیت طرح‌های نیمه‌تمام در حالت رکود قرار گرفته‌اند که موجب کاهش بهره‌وری منابع موجود می‌شود.

اسلاید بعد: به صورت کلی سه دسته راه‌حل می‌توانیم در نظر بگیریم: یا بهره‌وری منابع مالی موجود را افزایش دهیم، بعد افزایش منابع مالی دولتی و افزایش منابع مالی غیردولتی که قابل پیگیری است.

اسلاید بعد: یکی از معضلات ما که لازم است به آن بپردازیم افزایش بهره‌وری منابع مالی موجود است. مثلاً از فهرست پروژه‌های توسعه راه آهن که ۳۲ طرح در پیوست قانون است به زعم بنده که کارشناس ۲۰ ساله این حوزه هستم، یک چهارم آنها طرح‌های کاملاً به درد نخور هستند و ما یک مکانیزمی برای غربالگری پروژه‌های مصوب نداریم. علاوه بر این سند‌های بخشی هم لازم است، سند‌های راهبردی در هر بخش، که مثلاً بخش حمل و نقل هیچ‌گونه طرح جامعی هیچ‌گونه سند راهبردی برای بخش حمل و نقل کشور نداریم. هماهنگی بین پروژه‌ها و طرح‌های ملی و استانی لازم است، بعضی اوقات برای یک معضل چند پروژه همزمان تصویب شده‌اند که بخش‌های مختلف یک معضل را حل کنند و این هماهنگی‌ها وجود ندارد. این وضعیت طرح‌های نیمه‌تمام را بغرنج کرده‌است. همین‌طور بعضی از مطالعات توجیهی اولیه که انجام می‌شود بعداً که طراحی صورت می‌گیرد متوجه می‌شویم که این مطالعات توجیهی با شرایط واقعی طرح خیلی فاصله داشته‌است. با این وضعیت بغرنجی که در طرح‌های نیمه‌تمام داریم باز هم نه تنها افزایش منابع محقق نمی‌شود ولی افزایش طرح‌های جدید مکرر اتفاق می‌افتد. یا استفاده از ابزار مهندسی ارزش برای بهینه‌سازی طرح‌ها جزو الزامات قانونی است ولی اجرا نمی‌شود. بعضی از فرصت‌هایی در قوانین مصوب داریم برای تامین منابع مالی و بهره‌وری منابع مالی و افزایش منابع مالی که اینها را باید استفاده کنیم. مثل دانش مدیریت پروژه که با وجود الزاماتی که از سوی سازمان برای آن است، التزامی به آن وجود ندارد. در انجام پروژه‌های عمرانی به دلیل کمبود مدیریت پروژه آسیب‌های زیادی را می‌بریم.

اسلاید بعدی: برای افزایش منابع مالی دولتی روش‌های عادی در حال استفاده است: کمابیش استفاده از ماده ۵۶، فاینانس داخلی یا بعضی از کاهش مالیات‌های تکلیفی را می‌توان پیشنهاد کرد ... یا اخذ برخی عوارض ... افزایش منابع دولتی ... ، اهرم بشود منابع دولتی ... بعضی از منافع جنبی پروژه‌ها مثل تغییر کاربری اراضی پروژه‌ها ...

خانم امامی: آقای ناصرین صدا خیلی قطع و وصل می‌شود. زحمت بکشید تصویر را غیرفعال بکنید که اینترنت قوی‌تر شود و از این سه تا اسلاید اخیر مجدد اگر بفرمایید ممنون می‌شوم. چون صدا قطع و وصل می‌شد.

آقای ناصرین: عرض کردم که به نظر بنده: بهره‌وری منابع مالی ما خیلی پایین هست با مکانیزم‌ها که داریم پروژه‌های عمرانی را انجام می‌دهیم. راه‌حل‌های مشخصی دارد که یکی از آنها غربالگری پروژه‌های موجود و مصوب است. به عنوان مثال به اعتقاد بنده یک چهارم پروژه‌های ریلی مصوب کاملاً به درد نخور و کم فایده‌اند که به دلایل مختلف مصوب شده‌اند. ما سندهای راهبردی در بخش حمل و نقل نداریم. اولویت‌بندی مشخصی نداریم. بنا به اقتضات دستگاه‌های مختلف، افراد مختلف، به صورت رفتار انفعالی طرح‌ها پایین و بالا می‌شوند اولویتشان. یا بعضی اوقات بین پروژه‌ها هماهنگی نیست. پروژه‌های ملی و استانی یا پروژه‌های مختلف برای یک مقصود چند پروژه تعریف شده‌اند و همزمان دارند اجرا می‌شوند. یا مطالعات توجیهی طرح‌ها طبق نظام فنی و اجرایی بعد از مطالعات طراحی پایه باید تجدید شود ولی این اتفاق نمی‌افتد. یا ابزار مهندسی ارزش که در بهینه کردن طرح‌های عمرانی بسیار موثر هست و الزام قانونی برای آن وجود دارد ولی به آن عمل نمی‌شود. همینطور دانش مدیریت پروژه برای ارتقای بهره‌وری منابع مالی اهمیت بالایی دارد، گاهی به صورت صوری و یا خیلی سطحی از مدیریت پروژه استفاده می‌شود و به صورت کامل از مدیریت پروژه استفاده نمی‌شود.

اسلاید بعد: تامین منابع مالی دولتی را اگر بخواهیم اضافه بکنیم بعضی از روش‌های متداولی هست مثل: ماده ۵۶، فاینانس داخلی یا اوراق مشارکت که الان استفاده می‌شود، انواع اوراق بهادار. بعضی از روش‌های جدید را هم می‌توان اضافه کرد مثل حذف یا کاهش مالیات‌های تکلیفی و همینطور تامین مالی از طریق عوارض برای این که تقاضاها مدیریت بشوند. مثل عوارضی که ما اخیراً در بخش برق دیدیم، برای پلکان‌های بالا عوارض قیمتی بالاتری اعمال شد، این می‌تواند برای تامین منابع مالی کمک‌کننده باشد.

اسلاید بعد: افزایش منابع مالی غیردولتی به صورتی که اگر ما منابع مالی دولتی را اهرم بکنیم، برای استفاده از منابع مالی غیردولتی می‌تواند موثر باشد که جلب مشارکت بکنیم و بتوانیم ذینفعان توسعه‌های زیربنایی را برای هر پروژه بین ذینفعانش هم‌افزایی ایجاد کنیم و برای انجام پروژه هدایتشان کنیم و روش‌های مشارکت عمومی خصوصی هم در این مقوله می‌گنجد که ما بتوانیم از سرمایه‌گذاری غیردولتی استفاده بکنیم. تشکیل صندوق پروژه و عرضه سهام پروژه و استفاده از منابع خرد مردمی قابل توجه است که باید استفاده شود. منابع صندوق توسعه ملی و صندوق‌های توسعه تخصصی که به بخش غیردولتی وام بدهند

باید استفاده مناسب‌تری شود و همینطور از برخی منافع جانبی پروژه‌ها باید استفاده شود که الان رایج نیست یا به صورت اندک استفاده می‌شود.

اسلاید بعد: اهداف مشارکت را ما صرفاً بحث تامین مالی نمی‌بینیم. یکی از اهدافش تامین مالی است. شاید بیش از آن مهم باشد که ما زودتر توسعه کشور را انجام دهیم و نقش بخش غیردولتی در اقتصاد کشور افزایش پیدا نکند. کارایی و بهره‌وری که گفتیم در طرح‌های عمرانی فعلی وجود ندارد، اگر کارها به نحو درستی به بخش غیردولتی واگذار شود، می‌شود کارایی و بهره‌وری بهتری ایجاد شود. استفاده از توان فنی، اجرایی، مدیریتی و مالی بخش غیردولتی الان به صورت خوبی انجام نمی‌شود و با افزایش مشارکت‌ها می‌تواند این استفاده بهتری شود.

اسلاید بعد: بعضی از چالش‌های مهمی که برای جذب مشارکت عمومی خصوصی وجود دارد را من فهرست کرده‌ام: کمبود دانش و تجارب برای تنظیم و مدیریت این نوع قراردادها در دستگاه‌های اجرایی وجود دارد و همینطور تسهیلگران حرفه‌ای برای مدیریت واگذاری این پروژه‌ها و قراردادها وجود ندارد. ضعف‌های بسیاری در قوانین و مقررات موجود وجود دارد که مانع جلب مشارکت می‌شود. ناپایداری در اجرای تعهدات دولتی و مداخله نهادهای دولتی در امور بخش خصوصی وجود دارد و بخش خصوصی را گاهی فرار می‌دهد. بخش‌های مالی کشور مثل بورس، بازار سرمایه و نهادهای مالی و صندوق‌ها خیلی نقش اندکی در تامین مالی و حمایت از بخش غیردولتی دارند. تحریم‌ها شرایطی را به کشور اعمال کرده‌است. ما از طرف دیگر می‌بینیم که کمابیش این بی‌ثباتی‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و این تغییراتی که در کشور اتفاق می‌افتد ریسک‌های محیطی را برای پروژه‌های مشارکتی ایجاد می‌کند که معمولاً قراردادها به این ریسک‌ها کم توجهی می‌شود و اینها باعث معضلاتی می‌شود. شاید آن چیزی که برای بخش غیردولتی مهمتر از مشوق‌هاست وجود یک رفتار شفاف، مطمئن و قابلیت اعتماد به رفتار دستگاه‌های دولتی است. وضعیت خوبی از این نظر نداریم. بعضی از دستگاه‌ها خودشان را مختار مطلق می‌دانند و از این نظر مشکلاتی را در کشور در ارتباط با پروژه‌هایی که طرفشان مشارکت عمومی خصوصی است ایجاد می‌کنند.

اسلاید بعد: من نمونه‌ای را آورده‌ام که نشان می‌دهد که در دنیا پروژه‌های بخش حمل و نقل در پروژه‌های PPP بسیار موثر هستند و سهم عمده‌ای را دارند. بیش از نصف پروژه‌های PPP دنیا مربوط به بخش حمل و نقل است اما در کشور ما این وضعیت را نداریم. اسلاید بعد: می‌شود برخی از احکام قانونی در حد بودجه‌ای را بحث کرد. بعضی از احکام در حد غیر بودجه‌ای و به صورت مستمر هستند که بعضی پیشنهادها را بحث می‌کنیم.

اسلاید بعد: در مورد احکام بودجه‌ای در سالهای قبل، تبصره‌ای به نام تبصره ۱۹ را داشتیم که در سال ۱۴۰۰ به صورت بحث برانگیزی تبصره ۱۹ حذف شد. حالا این بند «الف» از تبصره ۴ اضافه شده‌است که تا حدی در خلا «لایحه مشارکت عمومی

خصوصی» و تبصره ۱۹ سنوات قبل، خواسته است که این راه را برای مشارکت عمومی خصوصی باز کند. این حسنی دارد که متکی به ماده ۲۷ قانون الحاق ۲ نیست و می تواند بهتر از آن هم با شد چون که آیین نامه اجرایی اش جدیدتر تصویب می شود، از تجارب قبلی استفاده می شود و به تصویب هیئت وزیران می رسد و امکان نظارت و دقت بیشتری را فراهم می کند از این طریق و ضمنا در این بندهای تابعه اش امکان مشارکت انواع پروژه های راه و ترابری را فراهم کرده است. این محاسن را دارد.

اسلاید بعد: در اینجا می شود معایب آن را ذکر کرد: تعیین پروژه های مشارکتی را به تشخیص یک کارگروه نامعینی گذاشته است ولی در پیوست یک قانون باز پروژه های مشارکتی فهرست شده است. نکته دیگر اینکه صدر این بند به صورت اجازه به دولت است که از اعتبارات عمرانی بخشی را برای جلب مشارکت استفاده کند ولی در بندهای زیرین آن به صورت تکلیفی است. بنابراین مشوق های این ماده می تواند استفاده نشود و دولت و دستگاه های اجرایی کم و بیش به همان روال متعارف خود سعی می کنند بر همان پروژه های غیر مشارکتی اعتبارات خود را استفاده بکنند. مدت هایی را در این تبصره برای انتخاب پروژه های مشارکتی و واگذاری آنها قائل شده است، دو ماه مدت انتخاب و یک ماه مدت واگذاری، که اینها مدت های اندک و غیر قابل اجرایی هستند. همین ماده اجازه داده است که سازمان برنامه تعهدات آتی پروژه های عمرانی را بر عهده بگیرد. ولی هیچ معیار یا سقفی را برای پذیرش تعهدات آتی معلوم نکرده است. همینطور استفاده از این قانون را همراه با استفاده قانون مشارکت در پروژه های راه و ترابری تجویز کرده است که معایب زیادی برای آن قانون می توان برشمرد که بنابراین آن معایب به این قانون هم تسری پیدا می کند.

اسلاید بعد: نکته دیگری که من عرض کردم خیلی مهم است غربالگری پروژه های مصوب و نیمه تمام باید قانون بیاید و به دستگاه های اجرایی اجازه داده شود که وزارتخانه هایی که مسئول طرح های عمرانی زیربنایی هستند پروژه ها را از نظر Feasibility Study (مطالعات امکانسنجی) دوباره چک نمایند، به خصوص پروژه هایی که پیشرفت فیزیکی پایینتری دارند باید غربالگری شوند. فعلا ماده قانونی برای حذف پروژه های مصوب نداریم و بنابراین پروژه های مصوب زیادی را داریم که بعضی از آنها غیر مفید هستند. شاید مدیران دستگاه ها آنها را در حاشیه بگذارند و فعلا به آنها توجه نکنند ولی با انتصاب یک مقام عالی مثلا در مجلس یا در وزارتخانه ها می بینیم بعضی از پروژه های غیرموجه اولویت پیدا می کنند و با سرعت ساخته می شوند.

اسلاید بعد: اگر ما فرض کنیم «لایحه مشارکت عمومی و خصوصی» فعلا نداریم، در حوزه پروژه های راه و ترابری یک قانونی از سال ۱۳۶۶ وجود داشته است که یک قانون پیشرو در زمینه «مشارکت عمومی و خصوصی» است و تاکنون برای پنج هزار کیلومتر استفاده شده است ولی شرایط سی سال اخیر را در این قانون و آیین نامه اش در نظر نگرفته است. شرایط اقتصادی کشور کلا عوض شده است، دانش مدیریت پروژه ها عوض شده، دانش های مشارکت عمومی خصوصی ما ارتقا پیدا کرده است. تغییرات محیط قانونی

مثل سیاستهای اصل ۴۴ و اینها در نظر گرفته نشده است. بنابراین یک بازنگری اساسی در این قانون و آیین نامه مربوط به مشارکت در احداث پروژه های راه و ترابری ضروری است.

اسلاید بعد: مهمترین مشکلاتی که در قانون موجود هست این است که: نحوه احراز صلاحیت داوطلبان مشارکت معلوم نیست، نحوه واگذاری مشخص نیست و مذاکره ای صورت می گیرد. دولت سهمی از هزینه های احداث به عهده می گیرد که بدین ترتیب طرف مشارکت به این سمت سوق داده می شود که هزینه ها را بیشتر نشان دهد. همینطور مداخله مستمر دولت در نظام تعرفه ها وجود دارد که در وضعیت موجود باعث اختلال در منافع پیش بینی شده می شود و طرف های مشارکت را فراری می دهد. امکان تمديد دوره بهره برداری برحسب میزان درآمد در مقررات فعلی وجود دارد که این شاید ظاهرش به نفع سرمایه گذار است ولی کاملاً به ضرر دولت است چون طرف مشارکت را به کم نشان دادن درآمدها سوق می دهد. از طرف دیگر وقتی در روش موجود نرخ سود را دولت تعیین می کند و نرخ سود را فیکس می کند، این دیگر انگیزه طرف مشارکت را برای اینکه بهره وری را ارتقا دهد سلب می کند. تا به حال این قانون علیرغم تجربه سی ساله فقط محدود به آزادراهها استفاده شده است. فاقد مشوقها و تضامین لازم هست و طبق قانون مرجع تصویب مدت واگذاری پروژه های مشارکتی راه و ترابری هیئت وزیران است، ولی عملاً در مصوبات هیئت وزیران نکات بسیار زیادی درج می شود که به خاطر سلب مسئولیت وزارت راه آنها را در مصوبات هیئت وزیران درج می کند و بسیاری از مصوبات هیئت وزیران اجرا نمی شوند. یعنی پروژه ها با آن شرایطی که توافق می شوند واگذار نمی شوند و در واقع مصوبات بسیاری ابطال می شوند.

اسلاید بعد: در مورد لایحه مشارکت عمومی و خصوصی هم حرف و بحث های خیلی زیادی شده است. من فرصت نکردم که اهمیت این لایحه و نکات ارزنده اش را مبسوط در اینجا بنویسم. چنین چکیده ای را تهیه نکردم. قصد داشتم. واقعیت این است که ما در سال های طولانی گذشته. باید این لایحه را تهیه می کردیم. متأسفانه فرآیند تصویب و تنظیم این لایحه سال های طولانی طول کشیده است و در دولت و مجلس معطل مانده است. این باید خیلی پیش از این تصویب می شد.

اسلاید بعد: واقعیت این است که مناقشاتی ما در رابطه با لایحه در مصاحبه ها و رسانه ها می بینیم. من جمله جلسه قبلی که وینار اینجا برگزار شده بود و من گزارشش را مطالعه کردم. این لایحه را اگر نگاه کنیم روال تنظیم و تصویب آن همان فرآیندی است که مشابه بقیه لوایح است. بعضی از اعتراضاتی که ما می بینیم یا می شنویم یا می خوانیم مربوط به متن های اولیه این لایحه بوده است. اصلاحات زیادی در کمیسیون عمران انجام شده است. خود من ده ها نکته را برای متن های اولیه این لایحه نوشته بودم که خوشبختانه اکثر اعمال شده است. بعضی از اعتراضاتی که به این لایحه می بینم بر مبنای شبیه سازی معضل خصوصی سازی هاست که من یاد این ضرب المثل می افتم که مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد. به نظر بنده این واقعیت است که این لایحه

خیلی قوام بیشتری دارد تا مقررات خصوصی سازی که به نحو بدی در کشور ما اجرا شد. این لایحه مکانیزم تهیه ضوابط را مشخص کرده است، شرایط واگذاری و مراتب رسیدگی را مشخص کرده است و مسئولیت اصلی واگذاری های پروژه ها کماکان به عهده دستگاه های اجرایی خواهد بود. من تعجب کردم از اینکه که خیلی از اوقات اعتراض می شود که همه کارها به عهده یک تیم چند نفره است. من این را نمی بینم چون سطوح مختلف تصمیم گیری در شوراهای عالی و آیین نامه های مختلف در متن لایحه منظور شده است. بیشتر منتقدین صرفاً جنبه انتقادی نکاتی را می گویند. کمتر پیشنهاد مشخصی برای بهبود لایحه داده اند. در مورد استفاده از قانون مناقصات، بیشترین تاکید یا انتقادات به این موضع بوده است که از قانون مناقصات استفاده شود که خوب این قانون مناقصات یک حسن هایی دارد و یک عیب هایی. در لایحه جدید تاکید شده است که از مناقصه استفاده شود ولی الزاماً از قانون مناقصات استفاده نمی شود. مکانیزم واگذاری پروژه های مشارکتی باید رقابتی باشد ولی لزوماً بر مبنای کمترین قیمت نخواهد بود. در قانون مناقصات بر مبنای کمترین قیمت پیمانکاری است و اینجا موضوع تامین مالی، اجرا و بهره برداری است. صرفاً بحث کمترین قیمت نیست. علی ایحال باید شاخص های خوبی برای مناقصه تعریف شود. بعضی از منتقدین هم فضای بحث کارشناسی و تخصصی را با یک ظاهر بحث علمی به حوزه های ژورنالیستی و نقدهای سیاسی می برند که اصلاً به نظر من کمکی به پیشبرد این موضوع نمی کند. پیشنهاد بنده این است که این لایحه حداقل برای یک دوره محدود آزمایشی تصویب شود و بعداً می تواند در آن تجدید نظر بشود.

اسلاید بعد: بعضی از نکات دیگر که به نظر من می تواند برای توسعه مشارکت موثر باشد این است که انتفاع سرمایه گذاران یا مشوق هایی که دولت به سرمایه گذاران اعطا می کند باید معیار داشته باشد. اگر معیار نداشته باشد این پروژه ها همه به دنبال جلب بیشتر منابع دولتی خواهند گشت. آن چیزی که دولت به عهده دارد این است که به تناسب منافع آن پروژه از سرمایه گذاری حمایت کند، نه اینکه حتماً بخواهد پروژه را برای سرمایه گذاری *feasible* بکند. باید معیارهایی را دولت تعریف بکند مثلاً اگر پروژه صرفه جویی سوخت دارد به تناسب صرفه جویی سوخت یک حمایتی بشود. اگر افزایش ایمنی ایجاد می کند، اگر اشتغال زایی ایجاد می کند به تناسب این منافع دولت از آن پروژه حمایت بکند. اگر این حمایت های دولت نظام مند باشد آن وقت پروژه هایی که منافع بیشتری برای عموم مردم دارند بیشتر حمایت می شوند توسط دولت. آن وقت پروژه هایی با فیزیبیلیتی اقتصادی بالاتری از دیدگاه ملی برای طرف های مشارکت هم جذاب می شود. مثلاً بحثی می شود که الان پروژه های راه آهن برای سرمایه گذاری اقتصادی نیست، برای سرمایه گذاری از دیدگاه بنگاه اقتصادی یا سودآور نیست. ولی اگر دولت به تناسب منافع ملی از پروژه ها حمایت کند اینها هم می توانند وارد چرخه مشارکت عمومی خصوصی شوند. متأسفانه همین نکته ای که عرض کردم در پیوست قانون بودجه رعایت

نشده است. پیوست قانون بودجه فهرستی از تمام طرح‌های مشارکتی دارد ولی تمام طرح‌های توسعه راه‌آهن را از امکان مشارکت سلب کرده است و فقط فهرست پروژه‌های آزادراهی و راهسازی را در پیوست فهرست مشارکت قانون بودجه ذکر کرده است.

اسلاید بعد: بحث غربالگری را که خدمتان عرض کردم، می‌شود یک ماده قانونی برای این منظور اضافه کرد.

اسلاید بعد: مکانیزم‌های که در حال حاضر صندوق توسعه ملی برای پروژه‌های مشارکتی کار می‌کند با نظامنامه‌های صندوق توسعه ملی متناسب نشده است. به نظر من این نظامنامه صندوق توسعه ملی باید اصلاح شود و بتواند برای پروژه‌های مشارکتی از بخش غیردولتی وام و تسهیلات خوبی را اعطا بکند. مطمئناً این پروژه‌های مشارکتی، پروژه‌هایی‌اند که انتفاع عمومی بالایی را دارند و مساعدت صندوق توسعه ملی به بخش غیردولتی با اصول کارکرد این صندوق توسعه ملی کاملاً تطبیق دارد ولی نظامنامه اجرایی‌اش باید اصلاح شود.

اسلاید بعد: جمع‌بندی بنده این است که ما توسعه زیرساخت‌ها را به خاطر توسعه پایدار و اقتصاد مقاومتی یک نیاز مبرم می‌دانیم و نیازمند تحولی جدی در تامین مالی و سرمایه‌گذاری غیردولتی در پروژه‌های عمرانی هستیم وگرنه این وضعیت موجود و معضلاتی که داریم، به گلوگاهی برای توسعه کشور تبدیل شده است. بخشی از مشکلات فراگیر پروژه‌های مشارکت داخل بخش اقتصادی است مثل فقدان طرح‌های جامع یا برنامه‌های راهبردی یا کمبود دانش و تخصص. ولی بخشی نیز از مشکلات فرادستگاهی است. این نظام‌مند کردن فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و داشتن برنامه و فعالیت‌های ترویجی، خیلی از موضوعاتش حتی نیازمند داشتن قوانین و مقررات نیست ولی دستگاه‌ها کوتاهی زیادی را در این زمینه دارند و می‌تواند خیلی تحول‌گرا برای افزایش مشارکت و سرمایه‌گذاری ورود بکنند. با وجود این مشکلات ما وظیفه داریم که سعی خود را بکنیم و یک حرکت تدریجی با گام‌ها بلند را می‌توانیم برداریم و برای توسعه کشور این ضروری است. والسلام. خیلی ممنونم که به من فرصت کافی را برای ارائه این اسلایدها دادید.

خانم امامی: خیلی ممنونم آقای ناصریان. از ارائه خیلی خوبی که داشتید متشکریم. دوستانی که سوال دارند اجازه بدهید که ما دور سخنرانی را به پایان برسانیم بعداً در قسمت سوال و جواب، چه دوستان بخواهند شفاهی سوال و جواب کنند و چه کتبی، در خدمت‌شان خواهیم بود و سوالاتشان را از مهمانان خواهیم پرسید. جناب آقای جوادی، برای آرایه‌ی دوم در خدمت شما هستیم.

آقای جوادی از مشاوران مشارکت عمومی و خصوصی در کشور هستند و در پروژه‌های بزرگی مشارکت داشته‌اند

## سید مهدی جوادی

سلام علیکم و رحمت الله، عرض سلام دارم خدمت همه‌ی حاضرین در این گفتگو شرکت دارند. مشارکت عمومی خصوصی یک روش اجرای پروژه است. مثل قراردادهای سه‌عاملی یا ساخت (Construction)، یا Design-Build یا EPC turnkey، یکی از روش‌های اجرای پروژه «مشارکت عمومی و خصوصی» است. صرفاً تامین مالی در آن نیست، می‌تواند تامین مالی هم نداشته‌باشد. ولی در ایران به دلیل کمبود منابع مالی به‌ناچار به سراغ این روش بهینه و خوب مشارکت عمومی خصوصی رفته‌اند. در روش Construction طراحی را مشاور و کارفرما انجام می‌دهند و ساخت ریسک ساخت به عهده پیمانکار است. در روش Design-Build یا طرح و ساخت، بخش Basic طراحی به عهده کارفرماست ولی طراحی تفصیلی و اجرا به عهده پیمانکار است. در روش EPC turnkey ریسک طراحی و اجرا به عهده پیمانکار است. در روش مشارکت عمومی خصوصی که محصول محور است، ما محصول را از طرف خصوصی می‌خواهیم، یعنی ما کل ریسک را، اکثر ریسک‌های طراحی، اجرای پروژه و بهره‌برداری را به عهده طرف خصوصی یا سرمایه‌گذار یا SPV یا Project Company می‌گذاریم و کارفرما ریسک کمتری را به عهده دارد. شاید یکی از بهینه‌ترین روش‌های اجرای پروژه‌هاست. چرا؟ چون هم مدت پروژه کمتر خواهد بود، هم ریسک‌های پروژه که معمولاً هزینه‌بر و زمانبر است به طرف خصوصی واگذار می‌شود. ممکن است ریسک تامین مالی را هم به عهده سرمایه‌گذار یا طرف خصوصی بگذاریم. پس مشارکت عمومی و خصوصی یک روش اجرای پروژه است نه صرفاً یک روش تامین مالی.

در مشارکت عمومی خصوصی، اگر پروژه‌ای ۴ یا ۵ خصوصیت را داشته باشد نام آن را مشارکت عمومی خصوصی می‌گذاریم. به طور مثال، چه را عرض کنم خدمتتان؟ مثلاً می‌خواهیم یک تصفیه‌خانه بسازیم - من چون در صنعت آب و فاضلاب بوده‌ام مثال‌های آبی می‌زنم - یک سرمایه‌گذار می‌آید و می‌گوید که من تصفیه‌خانه را طراحی می‌کنم، می‌سازم و آب تصفیه شده در اختیار شما قرار می‌دهم. یعنی کاملاً محصول محور است، طرف خصوصی در قبال فروش محصول حاصل از مستحقات، حق‌الزحمه و پاداش و پول خودش را دریافت می‌کند. حالا برخی اوقات این پول را خود طرف دولت پرداخت می‌کند، خیلی وقت‌ها هم مصرف‌کننده آن را پرداخت می‌کند. معمولاً این پروژه‌ها بهره‌برداری طولانی مدت دارند. بهره‌برداری را معمولاً خود سرمایه‌گذار یا طرف خصوصی انجام می‌دهد و کارفرما دیگر در این بین هیچ ریسکی را متقبل نمی‌شود.

یعنی ما ریسک را به طرفی می‌دهیم که بهتر مدیریتش می‌کند و آن هم طرف خصوصی است که ریسک را بهتر مدیریت می‌کند. بهره‌وری بیشتری دارد. به طور مثال الان در شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور نزدیک به بیش از ۲۲۰ قرارداد مشارکت عمومی خصوصی به صورت BOT، BOO، ROT، بیع متقابل و تا حدود بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومان پروژه اجرا شده‌است. اگر می‌خواستیم منتظر بودجه عمومی شویم هیچ وقت این پروژه‌ها اجرا نمی‌شد. بالاخره وظیفه حاکمیت این است که تصفیه‌خانه آب

و فاضلاب را بسازد، زیر ساخت را ایجاد کند. این وظیفه حاکمیت است. بنابراین اگر می‌خواستیم منتظر بودجه عمومی شویم هیچ وقت ما دارای تصفیه‌خانه یا خط انتقالی نبودیم. این روش مشارکت عمومی خصوصی که تقریباً تجربه اکثر کشورهای دنیا است، موفق بوده است، در بخش آب و فاضلاب، در بخش بهداشت، مثل بیمارستان و خدمات بهداشتی، در بخش حمل و نقل، حمل و نقل ریلی، فرودگاه، بندر، قطار شهری، در بخش مخابرات و ارتباطات. در این بخشها اگر در دنیا به سمت مشارکت عمومی خصوصی می‌روند. در انگلیس در زمان خانم تاچر حتی زندان‌هایشان را به صورت BOT می‌رفتند. یعنی زندان‌ها را بخش خصوصی احداث می‌کرد، بهره‌برداری می‌کرد و خدمات می‌داد. لذا تجربه نشان داده است که این روش مشارکت عمومی خصوصی روشی بهینه برای اجرای پروژه‌های زیر ساختی است. این بهره‌برداری طولانی مدت دارد، ریسک را از طرف عمومی می‌گیرد، بحث کلیم‌ها، دعاوی، به کوچک کردن بخش عمومی و دولت کمک می‌کند [[انبروهای شرکتی]]. در هزینه‌های خیلی صرفه جویی می‌کند. به طور متوسط طول عمر اجرای پروژه‌های عمرانی ۱۲ سال است در صورتیکه در پروژه‌های مشارکت عمومی خصوصی چون سرمایه‌گذار می‌خواهد که زودتر به محصول برسد، در عرض ۲ یا ۳ سال پروژه را به بهره‌برداری می‌رساند. یعنی تلاشش بر این است که زودتر پروژه به بهره‌برداری برسد. بحث دیگری که هست اقتصادی بودن این پروژه است. بحث اقتصادی: هر جایی که ما با بودجه عمومی پروژه اجرا کنیم، هر پروژه‌ای را اجرا می‌کنیم چه اقتصادی باشد، چه اقتصادی نباشد. ولی در بحث مشارکت عمومی خصوصی فقط به سمت پروژه‌های اقتصادی می‌رویم، پروژه‌هایی که از لحاظ اقتصادی به صرف و صلاح دولت هست. لذا منفعت و سود بعدی دولت این است که پروژه‌هایی را اجرا می‌کند که بهره‌وری اقتصادی داشته باشد. من کلمه اقتصادی را گفتم و مالی را نگفتم چون فقط مالی نیست. در بحث اقتصادی بحث مسایل اجتماعی است، بحث سیاست‌ها است، همه اینها تبدیل به عدد و رقم می‌شود و توجیه اقتصادی می‌کند نه صرفاً توجیه مالی. اینکه فقط از لحاظ مالی باشد، خیر. توجیه اقتصادی مسایل اجتماعی و سیاسی را در نظر می‌گیرد و کلاً جامع‌تر به مساله نگاه می‌کند. لذا پروژه‌ای اجرا خواهد شد که برای دولت صرف و صلاح دارد و اقتصادی است. [[خطای بزرگ مگر الان صرف و صلاح و توجیهات اجتماعی را علم نمی‌کنند. با همین روش انواع عطایا و امتیازات را می‌دهند به دولت]] دیگر جلوی پروژه‌های غیر اقتصادی که هیچ بهره‌وری ندارند گرفته می‌شود. بخش خصوصی قطعاً برای این که به سود بیشتری برسد به بهره‌وری بهتری می‌رسد. سعی می‌کند از تجهیزات و ماشین‌آلات بهتری استفاده کند که در دوران بهره‌برداری هزینه‌های کمتری را متحمل شود. نخواهد که از لوازم یدکی جایگزین کند و تجهیزات نو بیاورد. معمولاً هم بهره‌برداری بلند مدت ۱۵ ساله یا ۲۰ ساله دارد و این باعث خواهد شد که از جنس خیلی بهتری برای احداث پروژه‌ها استفاده کنند. به طور مثال، من مثال می‌زنم، الآن شرکت چادرملو، گل‌گهر، پتروشیمی‌ها، فولاد آملند به دلیل کمبود منابع آب می‌گویند که ما شبکه فاضلاب و تصفیه‌خانه فاضلاب شهر میبد، اردکان، اصفهان، شاهین شهر را ما انجام می‌دهیم، طراحی و می‌کنیم، می‌سازیم و این پسایی که به

رودخانه‌ها می‌ریخت و محیط زیست را آلوده می‌کرد را برای صنایع خودمان استفاده می‌کنیم که اقتصادی است. پس این شرکت‌های آب و فاضلاب به جای اینکه کلی هزینه کنند، فاضلاب را تصفیه کنند و این پساب را دور بریزند الان یک شرکتی می‌آید این پروژه را برای شما انجام می‌دهد و ۲۰ سال، ۳۰ سال، ۴۰ سال هم بهره‌برداری می‌کند و پساب را برای صنایع خودش می‌برد. این یکی از بهترین‌های روش‌های اجرای پروژه بوده‌است تا حالا و سود زیادی برای دولت داشته‌است.

در مورد لایحه مشارکت عرض کنم که بالاخره ما یک سری **Lesson learned** و درس آموخته در دنیا داریم، نمی‌توانیم تجربه دنیا را بریزیم دور و بیاییم چرخ را از اول اختراع کنیم. ما همینطور که در قوانین خودمان از استانداردهای بین‌المللی استفاده کرده‌ایم، مثلا ما در تدوین قانون مناقصات از **UNCITRAL** زمان خودش استفاده کرده‌ایم. یک ترجمه‌ای از آن کردیم و آن را ایرانی‌زده کردیم. این یکی از بهترین قوانین بود که با استانداردهای بین‌المللی می‌خواند و از آن با توجه به قوانین بالادستی خودمان استفاده کردیم. چه اشکالی دارد که بیاییم از قوانین و تجربه‌های سایر کشورها برای تدوین قانون مشارکت عمومی و خصوصی استفاده کنیم. [خوب شما چرا از این متن بانک جهانی استفاده نمی‌کنید؟] اکثر کشورهای دنیا «قانون مشارکت عمومی و خصوصی» دارند یعنی علاوه بر قانون حاکم بر معاملات دولتی‌شان، قانون مجزایی برای مشارکت عمومی و خصوصی دارند. خوب چه بهتر که ما هم همین کار را بکنیم یا اگر از اول قانون را تصویب کردند مشارکت عمومی خصوصی را در آن دیده‌اند. ولی در زمان تصویب قانون مناقصات، ما توجهی به مشارکت عمومی و خصوصی نداشتیم، صرفا برای کارهای پیمانکاری، خرید، مشاوره و اینها قانون را تصویب کردیم و اول نگاهی به مشارکت عمومی و خصوصی نداشتیم. بنابراین ما نیاز به یک قانون مجزا با توجه به استانداردهای بین‌المللی و تجربیات آنها خواهیم داشت. لایحه مشارکت حالا ضعف‌ها و مزایایی دارد ولی قطعا ما نیاز به قانون مشارکت عمومی و خصوصی مجزا داریم. مشارکت عمومی خصوصی قطعا به جذب سرمایه‌های سرگردان که باعث تورم در اقتصاد می‌شود کمک خواهد کرد. سرمایه‌گذار می‌رود جایی سرمایه‌گذاری می‌کند که منافع اقتصادی دارد، این پروژه‌ها معمولا بهره‌وری بالایی دارند!!! یک سر پروژه‌ها نکاتی که آقای ناصریان گفتند معمولا این مشارکت عمومی خصوصی را با خصوصی سازی اشتباه می‌گیرند. مطالبی هم که من می‌بینم نوشته می‌شود، این اشتباه در نگارششان وجود دارد. این خصوصی سازی نیست. پروژه **BOO**، مثل نیروگاه حرارتی، مثل نیروگاه گازی، مثل آب شیرین‌کن، اینها یک پروژه‌های ۷ ساله یا ۱۰ ساله هستند که مثلا آب را شیرین می‌کند یا برق را تولید می‌کند و بعد از آن این مستحقات از بین خواهد رفت. مثلا پروژه‌های بزرگ مثل تصفیه‌خانه‌های آب و فاضلاب و اینها که مثلا ۵۰ سال عمرشان است، ولی ۲۰ سال در اختیار سرمایه‌گذار است که بیاید این آب را پساب را تصفیه کند و در اختیار دولت قرار دهد. پس بنابراین این روش مشارکت عمومی و خصوصی هم در یک فرآیند رقابتی می‌شود انجام شود، مناقصه یا مزایده و می‌تواند بهره‌وری بالایی داشته‌باشد. انتقادی هم که آقای مهندس ناصریان گفتند که حالا بحث قانون مناقصات است.

تمام، اکثر پروژه‌های مشارکت عمومی خصوصی در حقیقت به بخش خصوصی اگر وارد شده در قالب یک فرآیند رقابتی بوده‌است، یا مزایده یا مناقصه. لذا این نیاز به قانون خاص خودش را دارد و با قانون مناقصات ما یک مقدار همخوانی ندارند. قطعاً ما به کمترین قیمت، ما بعضاً نمی‌توانیم بدهیم. شاید یک قیمتی باشد که روش ارزیابی آن کمترین قیمت باشد ولی با قانون مناقصات بخواند. مثلاً اشکالاتی که در قانون مناقصات است و به ما کمک نمی‌کند یکی این است که مزایده را شامل نمی‌شود، صرفاً برای مناقصه است. این بیع‌های متقابل ما در آب و فاضلاب مزایده‌ای است. ما معمولاً در اینها نیاز به چانه‌زنی با سرمایه‌گذار داریم چون تعداد کمتری هستند. اگر ما چانه‌زنی نکنیم چون تعدادشان محدود است، یک نفر، دو نفر یا سه نفر هستند، قطعاً احتمال تبانی وجود دارد. قطعاً نیازمند چانه‌زنی هستیم. روش ارزیابی مالی اینها با قانون مناقصات ما نمی‌خواند. روش برگزاری مناقصه نمی‌خواند لذا حتماً لازم است که یک قانون مجزایی برای این موضوع داشته باشیم. ما مشارکت عمومی خصوصی را یکی از بهترین و بهینه‌ترین روش‌های اجرای پروژه می‌دانیم، در عمل هم این را ثابت کرده‌است و توانسته‌است جذب سرمایه بخش خصوصی کند مثل صنایع فولاد، صنایع پتروشیمی، صنایع بزرگ، معدنی که نیاز به آب یا پساب داشته‌اند و آمده‌اند در این زمینه حالا در صنعت آب و فاضلاب سرمایه‌گذاری کرده‌اند. [تمام این مثالها این است که یک مشتری بزرگی و قدری هست می‌گوییم خودت برو برداشت کن.]

این تبصره‌ها و قوانین آمده‌است خلا قانون مشارکت عمومی و خصوصی را پر کند و اگر قانونی می‌بود، دیگر نیازی به این تبصره‌ها نداشتیم. پس بنابراین بودن این تبصره‌ها تا زمان ابلاغ لایحه مشارکت و تبدیل شدن به قانون به نظر ضروری می‌رسد با توجه به کمبود منابع مالی دولت. عرض من تمام است و من سعی کردم که مختصر و مفید این توضیحات را خدمت شما ارائه بدهم. خانم امامی: خیلی ممنونم آقای جوادی. متشکرم از توضیحات ملموسی که بیان فرمودید. من از آقای رجایی خواهش می‌کنم که میکروفون را در اختیار بگیرند و ممنون می‌شوم که اگر آقای رجایی بگویند کار تبصره ۴ در قانون بودجه به کجا رسید؟ من فکر می‌کنم که کارش در مجلس تمام شده‌باشد. درست است؟

بسم الله الرحمن الرحيم. عرض سلام و ادب دارم خدمت اساتید خودم: جناب آقای مهندس ناصریان و جناب مهندس جوادی و تقدیر و تشکر از خانم امامی عزیز که تدبیری کردند برای این جلسه و تمام اساتید حاضر در جلسه که عمده اساتید از پیشکسوتان هستند و ما محضرشان شاگردی می‌کنیم. توضیحات مفیدی را آقای مهندس ناصریان و آقای مهندس جوادی ارائه کردند و من هم می‌خواهم بهره ببرم و ادامه‌ی صحبت‌هایی که دوستان داشتند. فرمودید که بحث تبصره ۴ به کجا رسیده است؟ تبصره ۴ پیشنهادی توسط دولت با اصلاحاتی در مجلس و در کمیسیون‌ها از ش عبور کردند و به نوعی تأیید شده‌است و امروز هم خواستیم که یک گذاری داشته‌باشیم بر این تبصره‌ای که در لایحه بودجه آمده‌است. من یک فایلی را خدمتتان ارائه کردم اگر آن فایل را بیاورید، برخی از صفحاتش را با هم یک مروری داشته‌باشیم به مقتضای فرصتی که داریم.

اما مستحضر هستید که تبصره ۴ لایحه بودجه، در سال‌های ۹۶ الی ۹۹، ما تبصره ۱۹ را در بودجه داشتیم. در سال ۱۴۰۱ جایش در تبصره ۴ قرار گرفته‌است تا به این ساعت. اگر صفحه ۱۴ فایل را بیاورید من مواردی که دوستان اشاره نکرده‌اند را اشاره کنم، بد نیست. نکات مفیدی ارائه شد، چون من سال‌ها دارم می‌بینم که بحث پروژه‌ها را دوستان اشاره می‌کنند. تصویری که برخی دارند، فکر می‌کنند که خلاصه مشارکت عمومی خصوصی یک شاه‌کلیدی است که می‌شود تمامی پروژه‌ها را با آن اجرا کرد و خلاصه به هر شکلی ما می‌توانیم آنها را در چارچوب مشارکت اجرایی کنیم. بنابراین هر جا صحبت می‌شود می‌گویند هزاران پروژه یا ده‌ها هزار پروژه قرار است از طریق مشارکت عمومی خصوصی اجرا شود. این تصور غلط هم در اذهان مدیران ما و کارشناسان ما و هم مردم ما جای گرفته‌است که بالاخره این شاه‌کلید چه هست؟ امکان دارد که ما چند هزار پروژه نیمه‌تمام داشته‌باشیم اما عمدتاً این پروژه‌ها و ایجاد این پروژه‌ها، ماهیت اجتماعی و اقتصادی دارند. یعنی دولت برای اینکه بتواند یک زیرساخت‌هایی برای جامعه ایجاد کند، مطالعه‌ای کرده‌است، فرضا: یک راهی باید ایجاد شود، یک بیمارستانی ایجاد شود، یک ورزشگاهی ایجاد شود، اما ماهیت اقتصادی مالی ندارد. حالا من روی مالی دارم تأکید می‌کنم. یعنی چه؟ یعنی با نگاه انتفاعی این پروژه ایجاد نشده‌است. حالا ما انتظار داریم از بخش خصوصی دو دستی این پروژه را تقدیمش کنیم و فکر هم می‌کنیم که سرمایه‌گذاران صف کشیده‌اند این پروژه‌هایی که ماهیت اجتماعی دارند و انتفاعی نیستند را بدهیم اینها اجرا بکنیم. خوب این تصور غلط در ذهن ما شکل گرفته که بله، می‌شود این هزاران پروژه اجرا کرد. پس اول بیایید ذهنیتمان را از این موضوع خارج کنیم. در مشارکت عمومی خصوصی می‌خواهیم تعدادی از این پروژه‌ها را که قابلیت دارد، بخش خصوصی سرمایه‌گذاری کند و یک دورانی آنها را بهره‌برداری کند و در آن دوران بهره‌برداری‌اش منتفع شود را چه کار کنیم؟ بگوییم: بخش خصوصی، بخش تعاونی، بخش غیردولتی بیا آنها را اجرا بکن. پس ما هدفمان بر این است که برخی از این پروژه‌هایی را که قابلیت دارند که غیردولتی‌ها بیایند و آنها را اجرا کنند به آنها بسپاریم.

سوالاتی در این خصوص شده بود که حالا من نمی‌خواهم به سوالات بپردازم اما می‌خواهم موضوع را شفاف کنم. بالاخره چه هدفی را داریم دنبال می‌کنیم؟ آیا تبصره ۴ که در لایحه بودجه آمده است صرفاً مشارکت عمومی خصوصی است؟ چرا عنوان بخش غیردولتی به اینها اطلاق شده است؟ برای اینکه وارد موضوع شویم بند «الف» تبصره ۴ را با هم یک مروری بکنیم:

می‌گوید «به دولت اجازه داده می‌شود از طریق دستگاه اجرایی و به منظور جلب مشارکت بخش غیردولتی جهت اتمام هر چه سریعتر طرح‌ها یا پروژه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه‌تمام، آماده بهره‌برداری و جدید از قبیل پروژه‌های شبکه ملی اطلاعات تا ۱۰ درصد از سرجمع اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مربوط به هر دستگاه را صرف حمایت از طرح‌ها بکند که بخش دولتی در آنها مشارکت می‌کند».

چند تا نکته در اینجا داریم:

بعضی‌ها می‌گویند چرا جلب مشارکت بخش غیر دولتی نوشته شده است، چرا نوشتیم بخش خصوصی؟

یک برگشتی داشته‌باشیم در مقررات، ما در اصل ۴۴ قانون اساسی مان داریم نظام اقتصادی ما بر پایه دولتی، تعاونی و خصوصی است. پس در قانون اساسی ما تعریفی از بخش دولتی و خصوصی نشده است که اینها یعنی چه؟ فقط صرفاً به مصادیقی از بخش دولتی پرداخته شده است. از طرف دیگر در قانون محاسبات مان در ماده پنج، موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی را داریم که حالا از نظر این قانون واحدهای سازمانی مشخصی‌اند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارند تشکیل شده و می‌شوند. اگر توجه بکنید نهادهای عمومی غیردولتی به نظر شما در کدام قسمت از تقسیم‌بندی اصل ۴۴ قرار می‌گیرند؟ علیرغم اینکه ما در آنجا از سه پایه خصوصی، تعاونی و دولتی نام بردیم، نامی از اینها عنوان نشده است. در ادامه اگر بخواهیم در نظام حقوقی مان به این موضوع بپردازیم به این موضوع، تعریف شفاف از بخش عمومی و خصوصی در نظام حقوقی ما دیده نشده است. یا در قانون اصل ۴۴ به تعریف قانون محاسبات رجوع شده است که عملاً تعریفی برای بخش عمومی و خصوصی در تقسیم کار ملی میان بازار و دولت استفاده می‌شود و ناظر به امور مالی و محاسباتی است. با توجه به این موضوع که ما تعریف خاصی نداریم و ما می‌خواهیم از ظرفیت‌های بخش خصوصی، بخش تعاونی و بخشی از غیردولتی‌ها که آمادگی دارند این پروژه‌های غیر انتفاعی را به سمت انتفاعی ببرند، از این ظرفیت ما استفاده کنیم. حالا این عبارت، عبارت بخش غیردولتی، آیا در قوانین دیگر هم مسبقاً به سابقه است؟ باید بگوییم بله. [پرسش این است که گفته‌اند یا نه؟ پرسش این است که درست است یا نه؟]

ما در بسیاری از قوانین گذشته مان به این بخش غیردولتی اشاره شده است. از جمله همان قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در ماده ۱۹، در بند «ح» موضوعاتی را دارد که به بخش غیردولتی اشاره کرده است یعنی می‌گوید واگذاری‌ها به بخش غیردولتی. آنجا منظور از غیردولتی‌ها کی‌ها هستند؟ همان بخش خصوصی، بخش تعاونی و سایر بخش‌هایی است که در آن دولتی

نیستند. بنابراین یک کلمه «غیردولتی» که ذکر شده است در بسیاری از قوانین دیگر می توانم نمونه های مختلفی را ذکر کنم که ذکر شده است و منظورش هم بخش خصوصی، هم بخش تعاونی و هم سایر بخش هایی که دولتی نیستند و در آن تعریف دولتی قرار نمی گیرند. حالا «قانون نحوه تأثیر سوابق خدمت غیردولتی در احتساب حقوق بازنشستگی» را داریم، «قانون تاسیس موسسات بیمه غیردولتی» را داریم، من مصادیقی را یادداشت کردم «قانون اجازه تاسیس بانک های غیردولتی» را داریم، اگر بروید مصادیق همه اینها را ملاحظه بفرمایید می بینید که بخش غیردولتی که در اینجا ذکر کرده، مصادیقش چند عنوان است. پس به صورت کلی تجربه ای که طی سالهای گذشته داریم این پروژه ها توسط بخش خصوصی و حالا بعضا شاید بخش تعاونی و شهرداری ها، یعنی همان چیزی که ما بر اساس شرح خدماتشان بوده است و توانستیم با آنها کار کنیم، شهرداری ها بودند که به عنوان نهادهای عمومی غیردولتی شناخته شده اند.

اما اینکه این پروژه های نیمه تمام را با چه هدفی ما می خواهیم دنبال بکنیم؟ دو تا موضوع را ما دنبال می کنیم، یکی اینکه می خواهیم مدیریت ساخت و تامین مالی و بهره برداری شان را از دولت جدا بکنیم و دیگر اینکه مردم زودتر منتفع شوند. ما اگر هر دو این موضوع و یا یکی از این دو موضوع برای ما اتفاق بیفتد یک پله جلو هستیم. اگر مشارکت بخش خصوصی باشد ما هر دو پله را داریم، یعنی چه؟ یعنی مدیریت ساخت، تامین مالی و بهره برداری را از دولت جدا کردیم و به بخش خصوصی دادیم، پس هر دو هدف را ما دنبال کردیم و به نتیجه رسیدیم و قرار است بخش خصوصی پروژه ها را اجرا بکند و مردم از آن بهره ببرند. اما اگر ما پروژه را فرضا به شهرداری ها دادیم، به عنوان یک نهاد عمومی غیردولتی. دولت نیستند اما به نوعی بخش عمومی هستند. اگر شهرداری ها آمدند و آنها را اجرا کردند ما شاید یک قسمت از هدف را دنبال نکرده ایم. اما اگر موفق شدیم این زیر ساخت را بدهیم که شهرداری ها اجرا بکنند و مردم زودتر بتوانند از این پروژه بهره برداری بکنند پس به یکی از آن اهدافمان رسیدیم و این هم برای ما مفید است. مثلا چه؟ مثلا شهرداری در یک شهری ورزشگاه ندارد، درست شد؟ هدفش ایجاد ورزشگاه است. ما پروژه نیمه تمام ورزشی داریم که وزارت ورزش دارد دنبال می کند اما سالیان است که نتوانسته است از آن بهره برداری کند، نتوانسته است آن را تکمیل کند. خب چه اشکالی دارد شهرداری ها بتوانند در این خصوص ورود پیدا بکنند، از منابع شان استفاده کنند و این پروژه را به اتمام برسانند و برای شهر مورد بهره برداری قرار بدهند؟ پس اگر چه به ظاهر مشارکت عمومی خصوصی اتفاق نیفتاده، اما هدف ما برای اجرای این پروژه برای منافع عمومی اجرا شد. [کیفیت برخی از کالباها در کشور خوب نیست. حالا اگر تسهیگران مشارکت عمومی و خصوصی بتوانند آموزش ببینند و از کالبا سازی بازدید کنند و مردم کشور کالبا خوب بخورند چه اشکالی دارد؟]]

نکته دیگری که در بند «الف» تبصره ۴ داریم و شاید برای برخی دغدغه باشد، بحث این است که این پروژه ای که قرار است جدید ایجاد شود سازوکارش چیست؟ آیا هر سرمایه گذار جدیدی خواست پروژه ای را اجرا کند دولت به آن مجوز می دهد که اجرا

کند؟ حالا قرار است که پول ندهد و قرار است خودش پول بیاورد، آیا منافع دیگری برایش ندارد که بخواهد این پروژه را اجرا کند؟ ما هر پروژه‌ای که در چارچوب پروژه‌های طرح تملک قرار می‌گیرد، چه دولت منابع مالی بدهد، چه اندک بدهد، چه ندهد، در هر صورت نیازمند مجوز قانونی است. مجوز قانونی چیست؟ ماده ۲۳ الحاق ۲ اشاره می‌کند بایستی در چارچوبی که قانون صراحت دارد این پروژه مورد تایید قرار بگیرد، سپس اجرا شود. دستورالعملی دارد در این خصوص، که سازمان برنامه آخرین ورژن دستورالعمل را به روز کرده است که ۱۴۰۰/۰۲/۲۱ ابلاغ کرده است. روال کار چی هست؟ اگر پروژه‌ای از طرف دستگاه اجرایی به سازمان اعلام شود، سازمان چند دفتر دارد که از لحاظ زیست محیطی، از لحاظ آمایشی بررسی می‌کند. یکی از آن موضوعاتی که بررسی می‌شود بحث این است که آیا می‌شود بخش خصوصی در این پروژه‌ها سرمایه‌گذاری بکند؟ ببینید روی صحبت‌های پروژه‌های جدید است. بعضی‌ها دغدغه‌شان این است که چرا پروژه‌های جدید را می‌خواهید به سمت مشارکت عمومی خصوصی ببرید؟ اتفاقاً پروژه‌های جدید راحت‌تر می‌شود به سمت مشارکت عمومی و خصوصی رفت. چرا؟ چون از ابتدای کار متناسب با ظرفیت‌هایی که بخش خصوصی می‌بیند، ایده‌هایی که بخش خصوصی می‌بیند این پروژه اجرا می‌شود. پس قابلیت انتفاعی کردنش بیشتر است. اما یک پروژه‌ای را بخش دولتی قرار داده است با پول نفت تماشش بکند، وسط کار می‌گوید این پروژه را بخش خصوصی بیاورد اجرا کند. خوب برای من این پروژه انتفاعی ندارد. اگر من این پروژه را اجرا کنم برای من انتفاع کافی ندارد که بخواهم آن پروژه را تمام بکنم و از آن بهره‌برداری بکنم. پس یکی از مواردی که مدنظر هست پروژه‌های جدیدی است که از طرف دستگاه اجرایی به سازمان برنامه محول می‌شود و سازمان برنامه آنها را در دستور کار قرار می‌دهد و پس از دریافت مجوزهای لازم، پروژه‌ها را در کارگروهی مطرح می‌کند و این کارگروه بررسی می‌کند که این پروژه چه ظرفیتی دارد؟ آیا ظرفیت این را دارد که بخش خصوصی در این پروژه هم زیرساخت را ایجاد کند و هم بتواند با منابع کمتری نسبت به دولت آن را به اجرا درآورد؟ پس دغدغه‌ای برای پروژه‌های جدید نباید داشته باشیم. به جهت اینکه همان سازوکاری است که دولت برای پروژه‌های دیگر اجرا می‌کند، همان سازوکار برای پروژه‌های مشارکتی جدید بخش خصوصی هم اجرا می‌شود. بایستی حتماً کارگروه‌های مربوط و مجوزهای مربوط اخذ شود تا بتواند پروژه تملک نام بگیرد و در پیوست بودجه قرار بگیرد. پس از این حیث هم ما مشکلی نداریم.

اگر اسلاید بعد را مشاهده کنید در بند یک «الف»، اشاره دارد که کارگروه ملی و استانی که اعضای آن به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه کشور در آیین‌نامه اجرایی این بند تعیین خواهند شد، موظفند حداکثر ظرف ۲ ماه پس از تصویب قانون، طرح‌ها یا پروژه‌های ملی یا استانی را جهت استفاده از ظرفیت این بند تعیین و به دستگاه اجرایی مربوط برای انجام اقدامات لازم برای انتخاب سرمایه‌گذار ابلاغ کنند. دستگاه اجرایی مکلف است پس از دریافت ابلاغیه ظرف یک ماه نسبت به طی مراحل اجرایی و انتخاب سرمایه‌گذار اقدام نماید. تخصیص اعتبارش منوط به طی فرآیندی است. حالا این فرآیند چه هست؟

فرآیند اجرایی که ما داریم گام اولش تهیه گزارش تصمیم و واگذاری است. دستگاه باید بررسی کند آیا این پروژه برای بخش خصوصی قابلیت اجرا دارد؟ یعنی چه؟ برایش منفعت داشته باشد. اگر پروژه‌ای را بخواهد بخش خصوصی اجرا بکند آیا برایش منفعت مالی دارد؟ یعنی پروژه از منظر بخش خصوصی، اقتصادی مالی هست یا نه؟ اگر نباشد قابلیت ادامه کار را ندارد. گام دوم باید تهیه اسناد بکند و انتشار فراخوان بدهد و گام سوم و چهارم ارزیابی صلاحیت سرمایه‌گذار و انتخاب سرمایه‌گذار در یک فرآیند رقابتی است. سوال اینجاست آیا همه این کارها در یک ماهی که به ظاهر در بند یک نوشته شده است قابلیت دارد یا ندارد؟ قطعاً ساتیدی که در جمع حضور دارند می‌دانند که پروسه خرید کالای ما، خیلی زرنگ با شیم یک تا سه ماه طول می‌کشد. حالا یک پروژه مشارکتی که یک پروژه پیچیده‌ای هست و نیاز به گزارش تصمیم دارد، نیاز به تهیه اسناد دارد، فراخوان دارد و رفت و برگشت‌هایی بین سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر دارد که قطعاً در ظرف یک ماه نمی‌شود. اما این چیزی که اینجا نوشته شده: مدت یک ماه. ببینید نکته‌ای که اینجاست، دستگاه اجرایی پس از ابلاغ اینکه این پروژه جزء پروژه‌هایی است که بایستی در برنامه کاری قرار بگیرد، ممکن است مقداری خونسردی بکند. ما نیز چون تبصره ۴، تبصره بودجه سالانه است دیگر، یک ساله است، اگر قرار باشد سه ماه یا چهار ماه هم دستگاه اجرایی ره‌ایش بکند، چیزی به پایان سال نمی‌ماند و تا بخواهد برنده‌ای هم معرفی شود به سال بعد می‌افتد. تاکید می‌کند که در اینجا دارد این هست که در این پروسه یک ماهه شروع کارش را انجام دهد، یعنی ما نمی‌توانیم برداشتی غیر از این داشته باشیم که بخواهد در پروسه یک ماهه گزارش تصمیم آماده کند، اسناد آماده کند، فراخوان بگذارد و سرمایه‌گذار هم انتخاب بکند. ما همچنین چیزی در طول تاریخ نداشتیم، هیچ پروژه‌ای این اتفاق برایش نیفتاده است. اما استنباطی که می‌شود از این بخش داشت این است که در پروسه یک ماهه شروع فرآیندش را داشته باشیم. حالا این فرآیند امکان دارد ۵ ماه، ۶ ماه، ۷ ماه طول بکشد و در نهایت حالا یا منجر به انتخاب سرمایه‌گذار بشود یا نشود؟ پس این تصور غلطی است که ما فکر بکنیم که امکانش هست که در پروسه یک ماهه بتوانیم این کار را انجام دهیم. اصولاً حالا فورسی هم که گذاشته‌اند برای تهیه آیین‌نامه، تجربه‌ای که داریم حتی اگر داشتیم برای قوانینی که بودجه‌های سالانه که ما قبل از سال تصویب می‌شد، خب الان ما اواخر سال هستیم، احتمالاً تا انتهای سال طول بکشد تا در نهایت تصویب را داشته باشیم می‌افتد آخر سال. حتی مواردی داشتیم که لایحه بودجه در یک فرصت مناسب‌تری قبل از پایان سال تصویب شده بود و آیین‌نامه‌های اجرایی آن هم تهیه می‌شد یا در ابتدای فروردین نهایی می‌شد، تصویب آیین‌نامه اجرایی آن می‌رفت به برج ۳ یا ۴ و اینها ادامه پیدا می‌کرد. پس حتی بخواهیم دو ماهه هم آیین‌نامه اجرایی تصویب کنیم شاید آن هم یک فرصت کمی باشد. بالاخره باید تلاش کرد ارائه کرد اما در هر صورت به جهت آیین‌نامه‌های متفاوتی که در دستور کار دولت قرار می‌گیرد و رفت و برگشت‌هایی که دارد تجربه نشان داده است که بیش از ۲ ماه طول می‌کشد. پس این هم بالاخره باید تلاش کرد اما اینکه واقعا در دو ماهه محقق بشود مشخص نیست.

اسلاید بعدی، بند ۲ اشاره می‌کند: بهای محصول پروژه در قرارداد سرمایه‌گذاری و مشارکت از شمول تعرفه‌گذاری‌های مندرج در قوانین و مقررات عام و خاص مستثنی است. مگر اینکه از قبل مابه‌التفاوت آنها تامین شده باشد. نکته چیست؟ یعنی هر قیمتی که می‌خواهیم بگذاریم و مردم هم باید آن را پرداخت بکنند؟ نکته این است که اگر ما بخواهیم سرمایه‌گذاری صورت بگیرد یا بایستی مابه‌التفاوت را جبران کنیم یا به دست مدل مالی بسپاریم. یعنی سرمایه‌گذاری یک مدل مالی ارائه می‌کند و اجازه بدهیم که محصولش را بفروشیم. فرض بکنید در تولید برق یا نیروگاه‌هایمان نمی‌توانیم بگوییم که بخش خصوصی بیا، نیروگاه بساز و با تعرفه‌ای که من می‌گویم به من بفروش. این منطقی نیست. اگر قرار باشد که نیروگاه بسازد و با آن تعرفه‌ای که دولت تعیین می‌کند بخواهد برق را بفروشد امکانپذیر نیست. در جاهایی بایستی شرایط و شبکه را آماده کنیم که اگر ما نخواستیم برقی را با آن شرایط خریداری کنیم، اجازه صادرات را به او بدهیم. پس این برای اینجا نوشته شده است، برای وقتی که ما این اجازه را داریم که می‌شود به طریق دیگری، در بازارهای دیگری این عرضه را داشته باشد اجازه بهش بدهیم که یا محصول را مطابق آن مدل مالی که در فراخوان قرار دادیم ازش خریداری کنیم و یا اگر نمی‌خواهیم بخریم، طبق قانون الزامش نکنیم که طبق تعرفه دولتی ازش خریداری کنیم. اجازه بدهیم که محصولش را به قیمت بازار بفروشد.

نکته بعدی بند ۳ است که می‌گوید: سازمان برنامه و بودجه کشور به نیابت از دولت، تعهدات آتی طرح و پروژه را تضمین می‌کند. اولاً این حرف شاید خیلی بعید باشد که مثلاً در دولت بیاید تعهداتی در دستگاه اجرایی ایجاد بکند و دولت آنها را تأیید بکند، تضمین بکند. دوستانی که در کمیسیون‌های دولت حضور داشته‌اند و با این موضوع آشنا هستند، می‌دانند که اصلاً اینطور نیست که دستگاه اجرایی بیاید تعهد ایجاد بکند و دولت هم بیاید بگوید من این تعهد را می‌پذیرم. این موضوع چی هست؟

موضوع بحث تامین مالی در چارچوب بند «الف» است. یعنی چه؟ یعنی این که یک پروژه‌ای قرار است طی ۳ سال ساخته شود، مثلاً برآورد سرمایه‌گذاری این پروژه ۱۰۰ میلیارد تومان است. دولت می‌خواهد تعهد کند که مثلاً ۳۰ درصد این پروژه را به عنوان آورده دولت بیاورد و ۷۰ درصدش را هم بخش خصوصی بیاورد. سال ۱۴۰۱ است، پروژه را شروع می‌کنند دولت متناسب با پیشرفت پروژه تعهد می‌کند که من ۳۰ درصد یعنی ۳۰ میلیارد را تعهد می‌کنم. سال اول پروژه چقدر آن را پرداخت می‌کند؟ ۱۰ میلیارد را پرداخت می‌کند. چرا؟ چون پیشرفت پروژه در حد یک سوم بوده است. قرار بوده است سه سال اجرا شود. خوب تبصره بودجه ما تبصره سالانه است. یعنی چه؟ یعنی این ۲۰ میلیارد باقیمانده که دولت تعهد کرده است، سال بعد چیست؟ سال بعد باید برود در قانون بودجه دیده می‌شود. پس نکته‌ای این بند اینجا نوشته می‌شود این است که می‌گوید: اگر من تعهد کردم که در سال ۱۴۰۱، ۳۰ میلیارد تومان برای پروژه پرداخت کنم ولی به این جهت که پیشرفت پروژه ۳۰ درصدی بود و من ۱۰ میلیارد پرداخت کردم، من تعهد می‌کنم که در سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ مابقی را پرداخت نمایم. یعنی اینطور نیست که دستگاه اجرایی هر چیز تعهد

ایجاد کند و سازمان برنامه و دولت چه کار بکنند؟ تعهد آن را بپذیرد. بله تعهدی که در سال ۱۴۰۱ ایجاد کرد و دولت گفت من برای این پروژه ۳۰ میلیارد می‌دهم این ثبت می‌شود در پایش تعهدات دولت ثبت می‌شود در سال ۱۴۰۱ مثلاً ۱۰ میلیاردش پرداخت شده‌است در سالهای بعد ۲۰ میلیاردش پرداخت می‌شود. این ردیفی باز می‌کند و جزو تعهدات سال‌های آتی می‌شود. یک بررسی را دوستان انجام داده بودند که کشور انگلستان از سال ۲۰۱۷ پروژه‌های مشارکتی‌اش را متوقف کرده‌است. چرا؟ چون می‌گوید که من تا سال ۲۰۵۰ تعهد دارم. آمده است طی ۳۰ سال تعهداتی به سرمایه‌گذار داده است، الان سقف تعهداتش پر شده‌است. می‌گوید الان باید از سال ۲۰۱۷ به بعد تعهداتم را اجرا کنم. بنابراین ما که در ابتدای کار هستیم در یک جایی از مراحل کار که دنبال می‌کنیم باید به تعهدات پشت سرمان نگاه بکنیم. قبل از آن چه تعهداتی داده‌ایم؟ متناسب با آن بایستی تعهداتمان را کاهش دهیم. مثلاً ۱۰ سال بعد یا ۱۵ سال بعد اگر خرید تضمینی را تعهد داده‌ایم، بایستی در حساب و کتابمان ثبت بکنیم که چقدر تعهد داده‌ایم. بنابراین در یک سالی متوقف کنیم. پس منظور از تضمینی که دولت داده است بابت موضوع پروژه‌ای است که تعهد مالی می‌دهد بابت تبصره ۴ سال ۱۴۰۱.

بند ۴ در اسلاید بعد اشاره شده‌است که اصل و فرع سرمایه‌گذاری صورت گرفته در طرح مذکور مشمول مالیات با نرخ صفر خواهد بود. پیشنهادی که دولت داده‌بود این بود که: معاف از مالیات باشد. ما چون در قوانینمان بحث معافیت از مالیاتی را یک مقداری محدود کرده‌اند، پیشنهاد مجلس بوده است که آن را اصلاح کرده‌اند و گفته‌اند با نرخ مالیات صفر بتوانیم سرمایه‌گذاری را در اینجا رونق بدهیم. برای اینکه هزینه‌های پروژه کاهش پیدا کند، هزینه‌های سرمایه‌گذاری کاهش پیدا کند و طول دوران بهره‌برداری ما متناسب با آن کم بشود اینجا می‌گویند که هزینه مالیات را صفر در نظر بگیریم تا بتوانیم هزینه‌های پروژه را کم بکنیم.

بند ۵ در اسلاید بعدی می‌گوید که: شرکت‌های دولتی می‌توانند از محل منابع داخلی خود و بر اساس سازوکار این بند برای بهره‌برداری از طرح‌های جدید، نیمه‌تمام و آماده بهره‌برداری و در حال بهره‌برداری استفاده کنند. طرح‌های شرکت‌های دولتی در پیوست قانون وجود ندارند. بنابراین آن چیزی که در بند «الف» ذکر شده، یعنی اعتبار تملک را می‌خواهیم به آنها اختصاص بدهیم، اجازه نداریم این اختیار تملک را برای آنها اختصاص دهیم. شرکت دولتی خودش رفته و پروژه‌ای را ایجاد کرده‌است، خودش هم باید تامین مالی کند. حالا در این قانون، در این لایحه، با سازوکاری که در اینجا دیده شده‌است، به آنها اجازه داده شده که از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند و اگر قرار است به آن کمک مالی داشته باشد به وی، بایستی از منابع خود شرکت‌های دولتی انجام شود. در صورتی که چه؟ جزو طرح‌های پیوست یک قانون نباشد. یعنی جزو پروژه‌های طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای

قرار نگرفته باشد و جزو پروژه‌های شرکت‌های دولتی باشد اجازه دارد با ساز و کار این قانون استفاده کند اما اجازه استفاده از منابع مالی را که به کمک دولت است ندارد.

بند ۶، اسلاید بعد: بحث وزارت راه است. می‌گوید وزارت راه مجاز است با اخذ عوارض از کاربران، احداث و نگهداری، بهسازی، بازسازی و بهره‌برداری از پروژه‌های بزرگ راهسازی و اصلی و ریلی را مطابق قانون مربوط از جمله ماده ۲۷ قانون الحاق ۲ در چارچوب شرایطی که دولت تعیین می‌کند مشمول این بند بکند. این بند به نوعی در بند ۶ تبصره ۱۹ قانون بودجه ۱۳۹۹ نیز داشتیم. حالا یک اصلاحاتی در آن صورت گرفته است. یعنی یک پیشنهادی از دولت رفته است و یک پیشنهادی در کمیسیون‌ها شده، پیشنهاد دولت برای پروژه‌های جدید بوده است که اینجا آن جدیدش حذف شده است و در چارچوب قانون آزادراه‌ها بوده است که آنجا در مجلس تغییرش داده‌اند و در چارچوب قوانین از جمله ماده ۲۷ الحاق ۲ به آن اشاره کرده‌اند. آقای ناصریان عزیز اشاره کردند توضیح را اشاره کردند: خب ظرفیتی است که ما در قوانینمان اجازه اخذ عوارض از آزادراه‌ها را داشتیم؛ برای بزرگراه‌ها اجازه نداشتیم. در اینجا گفته است چه؟ اگر بزرگراهی، راه اصلی، راه ریلی قابلیت دارد که به نوعی محصور شود و بتوان از آن عوارض دریافت کرد، می‌توانیم چه کار کنیم؟ از این ظرفیت استفاده کنیم و به صورت مشارکتی آنها را اجرا کنیم. البته مستحضر هستید که به این سادگی نیست که بتوانیم هر راهی یا هر بزرگراهی را به این سمت ببریم. فکر می‌کنم می‌خواستند روی ۵ پروژه اجرا بکنند که در دوتا از آنها به نتیجه رسیدند که بشود یک بزرگراهی را بر اساس قوانین بودجه سال‌های گذشته به سمت عوارض ببریم. بنابراین این نیست که هر راهی را بشود به سمت اخذ عوارض ببریم بدون این که این راه، راه موازی داشته باشد و به این سمت و سو ما بخواهیم برویم. بنابراین یک محدودیت‌هایی را دارد اما شاید بشود چند پروژه‌ای را که این قابلیت را دارد و این چارچوب را دارد به این سمت و سو ببریم.

اسلاید بعد: این بند «الف» یک آیین‌نامه اجرایی دارد که در این آیین‌نامه اجرایی یک مقداری مفصل دیده شده است: چگونگی تهیه و تصویب طرح توجیهی، نحوه احراز صلاحیت، انتخاب سرمایه‌گذار، کشف قیمت، چگونگی اجرای پروژه‌ها، نحوه بهره‌برداری، تعیین میزان پوشش خطرپذیری، تعیین نرخ خدمات بهره‌برداری، وضع جرایم عدم پرداخت، دیرکرد در پرداخت و نحوه وصول و هزینه کرد آن، نظارت بر نحوه بهره‌برداری، تضامین طرفین، داوری و حل اختلاف ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، چه بشود؟ به تصویب برسد. یک نکته بسیار درستی که دوستان اشاره می‌کنند، حالا من گفتم دو ماه. اینجا که نوشته است یک ماه. این است که ظرف یک ماه، چگونه می‌شود همه این موارد را در آیین‌نامه دید؟ اگر در آیین‌نامه این موارد را ذکر کرده است، اما ارجاعات آیین‌نامه در ۴ حوزه صورت می‌گیرد. چهار حوزه چه هست؟

- یک حوزه‌اش ارجاعش به مقررات موجود است. مثلا قانون موجودی داریم، آیین نامه موجودی داریم، مثلا ما آیین نامه تضامین را داریم. ارجاعش بر این است که تضمین‌ها بر اساس آیین‌نامه تضمین مشارکت انجام می‌شود. یا بحث داوری را اصل ۱۳۹ قانون اساسی مطرح کرده است. نمی‌توانیم از آن عدول بکنیم. در آنجا ذکر گردیده است. حالا اینجا بحث حل اختلاف را داریم که بشود برای حل اختلاف سازوکارهایی دید. پس ما یک مقررات موجود داریم که بخشی از مواردی که در این آیین‌نامه ذکر شده است باید چه بشود؟ به مقرر موجودشان ارجاع داده شود.

- برخی از وظایف باید به کارگروه‌های ملی و استانی ارجاع شود. یعنی برخی از این موارد که در اینجا ذکر شد است باید با نظر کارگروه‌های ملی و استانی باشد. یعنی چه؟ یعنی در صلاحیت کارگروه‌های بخشی است.

- برخی از وظایف در صلاحیت دستگاه اجرایی است. هر دستگاه یک چارچوب مشخصی دارد. نمی‌شود به قول معروف با یک کلید همه قفل‌ها را باز کرد. بنابراین بایستی ارجاع شود، یعنی قانون، آیین‌نامه اجازه به دستگاه اجرایی اجازه می‌دهد در این چارچوب در این خصوص دستگاه اجرایی تصمیم بگیرد.

- قسمت آخر که قرار است در این مدت محدود یکی دو ماهه‌ای که اشاره کرده‌ایم کار شود، تدوین ضوابط بر اساس مطالعات و تجربیات است. یک سری مطالعات از قبل انجام شده است. سازمان برنامه قراردادهایی با مشاورانی در این حوزه داشته است که خروجی این قراردادها با مشاوران در حوزه‌ها می‌تواند استفاده شود برای چه؟ برای تدوین همین ضوابط استفاده شود. پس بر اساس مطالعات انجام شده ما می‌توانیم از آن خروجی‌ها استفاده کنیم. فرضا یک قراردادهایی در طول یک سال گذشته منعقد شده است که خروجی این مطالعات می‌تواند به کار تدوین ضوابط بیاید. یک سری تجربیاتی هم در این حوزه است که در این فرصت محدود توانستیم آن چیزی را که جمع شده و آن چیزی را که می‌توانیم از دستگاه اجرایی جمع بکنیم، جمع کنیم و در آیین‌نامه ذکر کنیم. پس اگر چه خود بنده در زمان نگارش آیین‌نامه می‌گفتم که برخی از اینها ضرورت ندارد که در آیین‌نامه ذکر گردد ولی دوستان گفتند برای اینکه شفاف شود در اینجا ذکر کنیم که بعدا دچار چالش نشویم و اضافه شد. ولی عرض کردیم که ۴ حوزه دارد که ۳ حوزه‌اش ارجاع دادن است و یک حوزه‌اش از ظرفیت‌های گذشته و مطالعات گذشته باید استفاده کنیم و آن را راهبری کنیم.

اسلاید بعد: بند ۷ هست که در پیشنهاد سازمان برنامه وجود نداشته است و در پیشنهاد مجلس محترم اضافه شده است. گفته تنفیذ جز ۱-۲ بند «د» تبصره ۱۹ قانون بودجه سال ۹۶. این بند می‌گوید سازمان برنامه موظف است روش‌ها، شرایط قراردادی، کلیه مقررات، تضمینات طرفین و دیگر مقررات مربوط و نیز چارچوب‌های نظارتی متناسب با انواع طرح و پروژه را نیز در همین پایگاه (منظورش بازار الکترونیک طرح‌های عمرانی و سرمایه‌ای زیرساختی است) منتشر بکند. این را در پرائتر نوشتیم چون در خود قانون نبوده است وقتی به تبصره ۱۹ مراجعه بکنی می‌فهمی منظورش این بوده است. هرگونه تغییر و تفسیر مقررات نیز فقط در

صورتی معتبر است که در این پایگاه منتشر شود، هر گونه حذف و تغییر اطلاعات در این پایگاه نیز باید قابل مشاهده و قابل پیگیری باشد. بندی است برای شفاف سازی و بسیار کارآمد هست که بشود از این ظرفیت استفاده کرد. در زمانی که دولت پیشنهاد می داد بحث این بازار مطرح شد، اما گفتند چون در سال های گذشته این بازار و این ظرفیت سامانه بازار ایجاد شده است، بنابراین وقتی ایجاد شده است، دارد از آن بهره برداری می شود و ضرورتی به ذکر مجدد آن نیست. دو استان در مجلس پیشنهاد دادند که علیرغم اینکه پایگاه ایجاد شده است، مجدد ذکر شود و واقعا کمکی است. چون ما برای اینکه بخواهیم یک سامانه ای را راه اندازی بکنیم، در دسرهایی را خواهیم داشت. اگر چه در سال ۹۶ هم واقعا مشکل بود. چون ما یک تبصره بودجه ای داریم، تبصره یک ساله. دو سه ماه طول می کشد آیین نامه اجرایی اش به تصویب برسد و قرار است در یک مدت محدودی مثلا یک ماهه یا دو ماهه، سامانه ای را راه اندازی بکنیم. اگر سامانه واقعا بخواهد خیلی کارا باشد و بتواند ظرفیت های خوبی داشته باشد، دا شبور مدیریتی داشته باشد و بتوانیم از آن بهره ببریم، نیاز به این است که مشاور بر اساس خواسته های کارفرما آن را طراحی بکند و به زبان نرم افزار در بیاورد و در نهایت آن را به نرم افزار تبدیل کند. ما یک پایگاه مشابه را حدود یک سال طول کشید که تازه مشاور چه کار کرد؟ RFP مربوطه را تهیه کرد. حدود یک سال و نیم تا دو سال طول کشید که چه؟ مشاور دیگری که طراح نرم افزار بود آمد آن سامانه را چه کار کرد؟ اجرایی کرد.

حالا ما همه اینها را می خواهیم خلاصه بکنیم، من عرضم در سال ۹۶ است که این بند اضافه شد: در یک فرصت دو تا سه ماهه. تلاش های زیادی شد که بالاخره آن چیزی که در قانون ذکر شده است انجام شود، بالاخره این کار با حداقل ها انجام شود و خوب شبخانه انجام شد اما می خواهیم بگویم نباید در قوانین سنواتی چنین مواردی را به صورت ایجاد آورده (یعنی یک نرم افزاری، یک سامانه ای را دولت را مکلف به ایجادش بکنیم) چون دچار چالش می شویم. حالا این سامانه ایجاد شده و در سال های متوالی ۹۶، ۹۷، ۹۸ و ۹۹ تکمیلتر شده است. از چه جهت خوب است این؟ از این جهت که ما مستمسک قانونی داشته باشیم در سازمان برنامه راحتتر می توانیم از واحد انفورماتیک پیگیری کنیم که این سامانه به روزرسانی شود.

۱. اسلاید بعد. ملاحظه می فرمایید که ما یک بسته تامین مالی نیازمند هستیم که بایستی با تامین مالی، یک قسمتی از آن را تامین بکنیم. یعنی بخش خصوصی بایستی بیاید از منابع خودش، از منابع صندوق توسعه، منابع بانک عامل، بازار سرمایه، هر گونه منابعی که دستش می رسد، بیاید برای این پروژه تامین مالی نماید. انتظار نباید داشته باشیم اگر ۱۰۰ واحد این پروژه نیاز به سرمایه گذاری دارد، مثلا ۳۰ واحد را دولت تامین می کند، این ۷۰ واحد را بخش خصوصی دست در جیبش بکند و پولش را بیاورد. این انتظار غلطی است. در هیچ جای دنیا هم این اتفاق نمی افتد. قسمتی از این آورده را بخش خصوصی می آورد. دولت باید کمک بکند، اگر در صندوق توسعه ملی می تواند ظرفیتی ایجاد بکند، کمکی کند. اگر می تواند بانک های عامل را توصیه ای داشته باشد،

بانک‌های عامل را توصیه کند. اگر می‌شود سازوکاری در بازار سرمایه به وجود بیاید، بازار سرمایه. یعنی هر جایی که می‌شود این بخش خصوصی در تامین مالی کمک بشود، باید کمک بکند تا بشود این پروژه اجرایی شود. من عذرخواهی میکنم، هر چند که تلاش کردم خلاصه خدمت عزیزان عرض کنم اما یک مقداری به درازا کشید. من در خدمتان هستم.

خانم امامی: ممنونم آقای رجایی، فکر می‌کنم تبصره ۴ کاملاً برای دوستان توضیح داده شده‌باشد. به هر حال امیدوارم نکات شما به درک تبصره کمک کرده‌باشد. البته من کامنت‌ها را که می‌خواندم، به خصوص آقای ناصریان در کامنتشان ذکر کردند: اولاً که گفتند این توضیحاتی که شما (آقای رجایی) می‌فرمایید، خیلی با متن آیین‌نامه جور در نمی‌آید. یعنی با متن تبصره ۴ جور در نمی‌آید و می‌شود برداشت‌های دیگری هم داشت و این بیشتر یک نوع استنباط است و راه برای تفسیرهای دیگر هم باز است. نکته دیگری که فرمودند: باز هم این زمانی که در لایحه بودجه برای آیین‌نامه نظر گرفته شده‌است، این هم باز زمان کوتاهی است. به معنی شروع فرآیند نیست. کل فرآیند را در این زمان کوتاه می‌گوید. در واقع زمان کم برای روشن شدن این ضوابطی که قرار است برای مشارکت عمومی خصوصی در نظر گرفته شود کماکان محل سوال است. ضمناً گفته‌اند اگر اشکالی ندارد به ما بگویید که آیا پیش‌نویس این آیین‌نامه تاکنون آماده شده‌است؟ با توجه به این که کارهایی را از قبل در سازمان برنامه برای این لایحه شروع کرده‌اید که مطالعاتی برایش انجام شده‌است، آیا پیش‌نویسی نیز آماده شده‌است؟ پیش‌نویسی که در معرض دید کارشناسان قرار داده شود تا آنها هم بتوانند ببینند که سازمان تا الان چه کرده و به چه صورت آن را تدوین کرده‌است؟

آقای رجایی: تا این لحظه خیر. پیش‌نویسی تهیه نشده‌است و منتظر متن نهایی بودند تا ببینند متن نهایی به چه شکل است و در نهایت نیازمند این هست که بالاخره دستگاه اجرایی دعوت بشود. آن قسمت‌هایی که من اشاره کردم بعضاً ما قسمت‌هایی را که بحث غربالگری پروژه‌ها، بحث گزارش تصمیم به واگذاری، مدل‌هایی که برای مشارکت وجود دارد، مشاورینی را سازمان برنامه داشته است، قراردادهایی داشته، که هنوز هم خروجی‌هایشان نهایی نشده است که می‌توان از همان ظرفیت‌ها استفاده کرد. چون خدمت شما عرض کردم، یک قسمتی از کارهای این لایحه برمی‌گردد به مطالعاتی که در این خصوص صورت گرفته‌است. نه اینکه برای این لایحه باشد صورت گرفته‌باشد. اما مطالعاتی صورت گرفته، سازمان برنامه زیرساخت‌هایی دیده‌است که باید این زیرساخت‌ها ایجاد شود و به مرور از این ظرفیت‌ها استفاده شود. ظرفیت‌هایی که در دنیا وجود داشته است، مطالعاتی که در ایران و جهان صورت گرفته است، بررسی کرده‌اند، مصاحبه‌های مختلفی در دستگاه اجرایی صورت گرفته‌است، اینها جمع‌بندی کرده‌اند و گفته‌اند که نظر دستگاه‌ها اینچنین بوده‌است. پروژه‌هایی که اجرا شده با این مشکلات روبرو بوده‌است. همه‌ی اینها گزارشی آماده شده است که البته باز هم عرض می‌کنم هنوز نهایی نشده‌اند. ولی این که تا این لحظه آیین‌نامه‌ای نوشته شده، خیر، یک خط هم راجع به آیین‌نامه نوشته نشده‌است. با همین صراحت می‌توانم خدمتان بگویم.

خانم امامی: من هم مثل شما در این جلسه به عنوان شخص حقیقی حضور دارم، ولی دوست دارم از تجربه‌ای که در دفتر هیئت دولت دارم در بحث آیین‌نامه استفاده کنم. درست است که شما فرمودید عادت یا رویه‌ای است که خیلی معمولاً طول می‌کشد تا آیین‌نامه‌ای به تصویب هیئت وزیران برسد، ولی به این صورت هم هست که وقتی این مدت‌ها در قانون ذکر می‌شود، کمیسیون‌های هیئت دولت و سایر بخش‌های دولت تحت فشار قرار می‌گیرند که زودتر این متن‌ها را به جلسه هیئت وزیران برسانند. این خودش باعث پایین آمدن کیفیت کار کارشناسی صورت گرفته خواهد شد. چون اخیراً مجلس بر اساس این زمان‌ها گزارش تخلف می‌دهد. مثلاً می‌گوید این را باید شش ماهه تهیه می‌کرده است، این را باید یک ماهه تهیه می‌کرده است. حالا دو ماه گذشته تهیه نکرده است، سه ماه گذشته، تهیه نکرده است. به طور مشخص هم دبیر دولت را مورد سوال قرار می‌دهد مجلس. در واقع این مدت، خودش ایجاد فشار می‌کند و کیفیت کار کارشناسی تقلیل پیدا می‌کند به خاطر زمان محدودی که در نظر گرفته شده است. یعنی گذشت آن زمانی که برای دستگاه‌ها می‌نوشتیم سه ماهه بنویسید و سی و سه ماهه می‌آوردند. الان به خاطر رویه‌ای که معاونت نظارت مجلس چند سالی هست در پیش گرفته است، واقعاً این فشار وجود دارد و من شخصاً خیلی خوشبین نیستم که کار کارشناسی خوبی بتواند در دولت در این مهلت کم انجام شود. چون تا سازمان برنامه آن را آماده نکند، تا به دولت بیاید، تا در واقع بررسی شود، این زمان می‌گذرد و آن موقع هر جلسه تحت فشار باید انجام شود. یا اینکه فوری در دستور کار دولت می‌آید و آن که دیگر خیلی بدتر است و واقعاً هیچ چکش کاری روی متن نمی‌شود و این نگران‌کننده است. شما تمهیدی برای این موضوع در نظر ندارید؟ چون این به دولت برسد، اوضاع خوبی در انتظارمان نخواهد بود.

آقای رجایی: فرمایش شما صحیح است. دو نکته را توجه داشته باشید:

اول اینکه از لحاظ کارشناسی من خودم اعتقاد به این دارم که فرصت بیشتری داشته باشیم. حالا فرصت بیشتر، نه اینکه بخواهیم چهار ماه، پنج ماه یا شش ماهش بکنیم. این را در جایگاهی که خودم هستم، انتقاد داشتم. بالاخره باید یک فرصتی داده شود، فرض کنید می‌گوییم یک ماهه، یک ماهی است که ۱۵ روز اول سال تعطیل هستیم و بعد هم ماه مبارک رمضان را در پیش داریم. خیلی نمی‌شود شاید آنقدر جلساتی گذاشت، مشارکتی کرد، دستگاه‌ها را فراخواند. تازه اگر در این فرصت محدود ما هم آماده بکنیم، می‌رود در نوبت دولت قرار می‌گیرد و این در نوبت قرار گرفتن خودش طول می‌کشد تا بخواهد رفت و برگشت‌هایی داشته باشد.

اما نکته دیگر: چون این بحث در بودجه سنواتی است و قرار است در یک سال اجرا شود. اگر قرار باشد در برج ۴ یا ۵ تصویب شود و تازه بخواهد کارگروه‌هایی شکل بگیرد، تازه بفهمند چی هست، واقعاً به جایی نمی‌رسیم. من خدمت شما توضیح دادم، یک مناقصه را ما حدود ۳ ماه وقت می‌خواهیم. واقعیتش برای انتخاب سرمایه‌گذار ۳ ماه کم است، نیاز به مطالعات بیشتری دارد.

بنابراین اگر قرار باشد ما یک سرمایه‌گذار انتخاب کنیم، فرضاً برج ۵ یا ۶ آیین‌نامه بیاید، دستگاه برج ۶ یا ۷ یادش بیافتد بخواند که همچنین کاری انجام دهد، قطعاً به پایان سال نمی‌رسیم.

حالا باید هر دو سو را نگاه کرد. هم باید یک مقداری فرصت یک ماهه را تعدیل کرد (اگر نظر شخصی و کارشناسی را بخواهید) باید این فرصت را بیشتر کرد، از آن طرف هم چون آیین‌نامه بودجه سنواتی است، نیازمند این است که سریعتر به تصویب برسد، ساده‌تر و روانتر باشد و بتواند اجرایی‌تر باشد.

خانم امامی: ممنونم. با اینکه شما توضیح مبسوطی در این خصوص دادید اما چیزی که برای من همچنان باقی مانده است، یکی این است که:

چه چیزی برای قانون مناقصات و قانون محاسبات عمومی باقی می‌ماند؟ یعنی وقتی که همه پروژه‌ها چه جدید، چه نیمه‌تمام، بتوانند در این بخش باشند خوب عملاً چه کاربردی برای قانون مناقصات می‌ماند؟  
سوال دوم این که:

وقتی تمام این‌ها را بتوان ذیل مشارکت عمومی و خصوصی دنبال کرد و ضوابط این هم همین آیین‌نامه‌ای است که شما فرمودید بخش‌های مختلفش، حالت ارجاعی دارد و بخشی هم از قوانین و مقررات موجود استفاده می‌کند؛ این نگرانی همچنان است که قانون مناقصات که کنار می‌رود، مشارکت که دوستان صحبت کردند و گفتند که برای انجام کار بسیار روش خوبی است، واقعاً با چه سازوکارهایی پیش خواهد رفت؟ این قسمت هنوز بسیار مبهم است.  
سوال دیگرم این است که:

چرا در همین لایحه برخی از قسمت‌هایی که شفاف بود، مانند همین ارجاعات و یا مطالعات قبلی سازمان، آورده می‌شد، آیا بهتر نبود؟ تا این که الان به صورت یک ابهام باقی بماند؟ فضای سازمان برنامه یا فضای کارشناسی حاکم بر دولت چطور بود؟ چرا این موارد را واردش نکردند که شفاف‌تر شود؟ چون الان هنوز این سوال هست که اینها وقتی با قانون مناقصات انجام نمی‌شوند، پس با چه انجام می‌شوند؟ یعنی مشارکت عمومی خصوصی از چه سازوکارهایی می‌خواهد استفاده کند؟ آیا این سازوکارها دقیقاً مطابق چیزی هستند که در کشورهای خارجی است؟ با توجه به تجربه کاری که دارم فکر نمی‌کنم که چیزی را بشود دقیقاً از خارجی‌ها در ایران کپی‌برداری کرد، چون ما با خارجی‌ها خیلی تفاوت ساختاری داریم. برای این قسمت، واقعاً چه تمهیداتی می‌شود اندیشید که این نگرانی‌ها در مورد ابهامی که همچنان وجود دارد کم بشود؟ شما پیشنهادی در این خصوص دارید؟

آقای رجایی: اگر بخواهم از ابتدای فرمایش شما به آن بپردازم، فرمودید که:

چه کاربردی برای قانون مناقصات می بیند؟ با توجه به اینکه می خواهید تمامی پروژه های جدید، نیمه تمام، در حال بهره برداری، آماده بهره برداری را می خواهید از این طریق انجام دهید، پس دیگر چه برای پیمانکاری خواهد ماند؟

من در عرایضم عرض کردم، باید نگاهمان را عوض کنیم. پروژه ی پیمانکاری سر جای خودش هست. هیچ موقع نمی شود ماهیت اقتصادی را که بر اساس ماهیت اجتماعی بنیان شده است کنار بگذاریم. عمده پروژه های ما غیر انتفاعی است، نمی توانیم انتفاعی اش نکنیم. دولت وظیفه دارد زیرساخت ها را به مردم ارائه دهد که خیلی هایشان رایگان است و خیلی ها با حداقل قیمت انجام ب شود. این آب شربی که ما نوش جان می کنیم با این حداقل قیمت، شاید اگر بخواهد با قیمت واقعی باشد شاید ده ها برابر شود و قیمت در برخی جاها صدها برابر شود. مگر می شود این کارها اتفاق بیفتد؟ وظیفه حاکمیت است که آن را انجام دهد. من این را خدمتان عرض می کنم که ما حدود ۶ هزار پروژه نیمه تمام ملی و حدود ۵۰ هزار تا ۶۰ هزار پروژه نیمه تمام استانی داریم. ما در سال ۱۴۰۰، از این پروژه های ملی چندتا را احصا کردیم؟ ۱۹۹ پروژه. آیا ۱۹۹ پروژه را اگر می خواستیم واگذار کنیم، تصمیم می گرفتیم، همش انجام می شد؟ ۱۹۹ پروژه کاندید شد که برود دستگاه اجرایی، گزارش تصمیم آماده بکند، بلکه از این ۱۹۹ پروژه، ۵۰ پروژه را بگوید چه؟ بگوید بله این قابلیت ها را دارد، اگر دولت کمکش بکند، اگر کاربری جانبی به آن بدهد، اگر چه و چه و چه بشود و اگر این ظرفیت های قانونی را داشته باشیم. تازه می شود گفت که این پروژه را می توان مشارکتی انجام داد و فراخوان می گذاریم. حال که برای ۵۰ پروژه فراخوان زدیم، برای چندتا از آنها سرمایه گذار می آید. پس اصلا اینطور نگاه نکنید که قرار است پروژه های پیمانکاری همه خوابیده شود و قرار است همه پروژه ها مشارکتی انجام شود. مثلاً آماری که من در سال ۱۴۰۰ دارم، ۱۲۰ پروژه جدید آمده است که مجوز بگیرد. ما مقاومت می کنیم که پروژه جدیدی آغاز نشود. برخی از پروژه های جدید نیز تکمیل پروژه های قبلی است. مثلاً یک پروژه ای داریم که یک آزادراهی یک دورگردان می خواهد، خب این خودش یک پروژه است که مربوط به پروژه قبل است و چاره ای نداریم باید پروژه جدید را ایجاد کنیم. یک سری پروژه ها نیز داریم که نه می شود متوقفش کرد حالا با فشارهای مختلفی به سمت جلو می رود. اگر ما بتوانیم از این ۱۲۰ پروژه، ۱۰ پروژه را بگوییم که قابلیت دارند که نه همی منابعش را، بخشی از این پروژه ها را بخش خصوصی سرمایه گذاری کند این یک قدم به جلو است. اگر در پروژه های جدید قسمتی از منابعش نیز توسط بخش خصوصی انجام شود باز هم یک قدم جلو هستیم، برای اینکه بخش خصوصی چرتکه می اندازد که این پروژه قرار است سه ساله تمام شود. من دولتی ممکن است بخواهم این پروژه ۱۲ ساله انجام شود، ۱۵ سال طول بکشد، خیلی به این موضوع توجه نکنم. اما بخش خصوصی می گوید از سال سوم تا سال ۱۵م باید بهره برداری کنم چون منافع من در این است.

پس تامین مالی آن، فشار به دستگاه برای اینکه کمک مالی کند، فشار برای اینکه زودتر به بهره‌برداری برسد، باعث زودتر اجرا شدن پروژه می‌شود. پس این که برای قانون مناقصه چه کاربردی می‌ماند باید بگویم که بیش از ۹۹ درصد آن باقی خواهد ماند. این نگرانی وجود دارد که با چه سازوکاری پیش خواهد رفت؟ مگر تا به امروز با چه سازوکاری پیش‌رفته؟ از این به بعد هم همانطور پیش خواهد رفت.

خانم امامی: با چه سازوکاری بوده است آقای رجایی؟

آقای رجایی: آن چیزی که ما طی سال‌های گذشته در تبصره‌های سال ۹۶ تا به امروز داشته‌ایم با استفاده از ظرفیت دستورالعمل ماده ۲۷ الحاق ۲ بوده است. سازوکار دستورالعمل ماده ۲۷ الحاق ۲ چیست؟ فراخوانی دارد، کارگروه‌هایی دارد، بررسی می‌شود، ارزیابی می‌شود، صلاحیت‌شان مورد بررسی قرار می‌گیرد، بهترین پیشنهاد به عنوان برنده یا سرمایه‌گذار منتخب انتخاب می‌شود. آیا پس‌رخاله‌بازی در آن وجود داشته؟ با مقررات دیگر مقایسه‌اش کنید. اشاره‌ای دارد که چرا از قانون مناقصات استفاده نمی‌شود؟ جناب آقای جوادی، جناب آقای ناصریان عزیز توضیحاتی را اشاره کردند. چند روز پیش در وزارت ارتباطات یک سمیناری برگزار می‌شد، که من هم در بخشی از یک پنل بودم. پنلی وجود داشت که ۴ بزرگوار از بخش خصوصی حضور داشتند، همگی اشاره کردند که سرمایه‌گذار را نمی‌توان با نگاه کارفرما-پیمانکاری نگاه کرد. متفاوت است. من ایده‌ام را می‌آورم و آن را به اجرا می‌گذارم. من هم منافع دولت را در نظر می‌گیرم چون که منافع دولت با منافع من گره خورده است. بنابراین نمی‌شود با نگاه کارفرما-پیمانکاری آنها را انتخاب کرد. حالا اشاره کردند با قانون مناقصات فکر می‌کنم دو ست عزیز ما، آقای بهمنی، اشاره کردند که قانون مناقصات، حداقل قیمت متناسب را هم دارد. آقای جوادی اشاره کردند که قانون مناقصات برای مناقصه است. وقتی سرمایه‌گذار انتخاب می‌کنیم در مواقعی بحث مزایده‌ای مطرح می‌شود، در برخی موارد تلفیق مناقصه و مزایده مطرح می‌شود. مثالی که در آن پنل بخش خصوصی گفته شد این بود که در یک پروژه‌ای از یک شرکت خارجی پیشنهادی به مبلغ ۴۰۰ میلیارد داشتیم، یک پیشنهاد داشتیم ۲۰۰۰ میلیارد. ببینید چقدر تفاوت هست. به نظر شما کدام را انتخاب بکنیم؟ به من ارتباطی ندارد، سرمایه‌گذار می‌خواهد ۲۰۰۰ میلیارد بیاورد یا ۴۰۰ میلیارد، من می‌گویم که خروجی کارت چیست. آن چیزی که برای مردم من منفعت دارد، من آن را می‌خواهم. من منفعت مردم من مثل دسترسی‌شان، فرض کنید پهنای باندشان، این برای من ارزش دارد. با چه قیمتی قرار است به مردم خدمات ارائه دهید، آن را ملاک قرار دهید. پس من نمی‌توانم بگویم آن سرمایه‌گذاری که ۴۰۰ می‌آورد بهتر است یا آن که ۲۰۰۰. من این را نقل قول می‌کنم از بخش خصوصی، از پروژه‌های که وجود داشته یا اجرایی شده است. ما که در سازمان برنامه هستیم، پروژه که اجرا نمی‌کنیم، سوادمان را از که می‌گیریم؟ از دستگاه‌های اجرایی، سرمایه‌گذارها، از فرآیندهایی که دارد طی می‌شود می‌گیریم. همه تجمیع تجربیاتی که دوستان حضور دارند به ما منتقل می‌شود، ما در قالب

بخشنامه، آیین‌نامه و لایحه آنها را منتقل می‌کنیم. بنابراین نه ما پروژه‌ای داریم، نه پروژه‌ای خواهیم داشت، نه سرمایه‌گذاری انتخاب می‌کنیم که بخواهیم در آن نقش داشته باشیم. اما بایستی حرف‌ها را شنید. خیلی از حرف‌هایی که دوستان در جلسات مطرح می‌کنند و انتقاد می‌کنند، حرف‌های منطقی است، باور کنیم که در برخی جاها نیز نگرانی‌هایی وجود دارد، دغدغه‌هایی وجود دارد، پس این نگرانی‌ها باید مرتفع شود. اما متوقف کردن کشور برای این که من نگرانی دارم که در آینده کشور چه اتفاقاتی می‌افتد، این درست نیست. باید کمک کنیم که این نگرانی‌ها را کم کنیم و در نهایت کار را هم دنبال کنیم.

آقای رجایی: در رابطه با مطلبی که اشاره کردید بهتر نبود که این مطالعات در همین لایحه آورده شود، من عرض می‌کنم که پیشنهادی که واحد مشارکت سازمان ارائه کرده بود، پیشنهاد مفصل‌تری بود، یعنی برخی از این شبهاتی که الان در اینجا ملاحظه می‌فرمایید، شاید در آنجا نبود. به این جهت که اینها خلاصه و تجمیع شد این شبهات را افزود. یعنی اگر ما بخواهیم مطالعات را در یک تبصره بیاوریم، خوب یک لایحه چند تبصره‌ای اگر بخواهیم به مشارکتش بپردازیم، خودش یک کتاب داستان خواهد شد. قطعاً در چارچوبی که بخواهد مجلس تصویب کند با آن طولانی بودنش دچار مشکل هستیم. چندین بار در جلسات مختلف مجلس در رابطه با لایحه مشارکت اشاره شده که نمی‌شود این لایحه را کم کنید. باز تلاش بر این شده است که اینها کم شود ولی در هر صورت یک چارچوب‌هایی وجود دارد، یک الزاماتی است که مورد نیاز ما هست. بالاخره در مرحله تصویب پس از آنکه از مرحله کارشناسی بگذر، مراحلش را طی بکند، یک تغییراتی رخ می‌دهد. دوستان اطلاع دارند گاهی اوقات در مرحله تصویب اتفاقاتی می‌افتد که خوشایند ما هم نیست. من که آمده‌ام تبصره ۴ لایحه بودجه را خدمت شما توضیح بدهم این نیست که بگوییم ۱۰۰ درصد بلام‌شکل است. بالاخره نظرات مختلفی بود که در این ماده اعمال شده است. اما برآیند بر این است که قرار شد دولت به بخش خصوصی، بخش تعاونی، بخش نهادهای غیردولتی (که عموماً آن چیزی که ما پیدا کردیم شهرداری‌ها بودند، حتی دهیاری‌ها هم که می‌نوشتیم، نتوانستیم بگوییم که پروژه‌ای را دهیاری‌ها انجام بدهند) می‌توانند بخشی از این پروژه‌ها را اجرا نمایند و به این سمت برویم که بتوانیم از این ظرفیت استفاده کنیم.

خانم امامی: ممنون از شما. اجازه بدهید از آقای جوادی که در سخنرانی‌شان اشاره کردند که قانون برگزاری مناقصات، قانون مناسبی برای مشارکت نیست، از ایشان می‌خواهم که توضیحاتی را در این خصوص بدهند و مشکلاتی را که از نظر ایشان در قانون مناقصات وجود دارد توضیح دهند.

آقای جوادی: من خودم به‌طور عملیاتی با قانون مناقصات، مشارکت عمومی خصوصی را مناقصه رفته‌ام و چند پروژه را به سرانجام رساندم یک توضیحاتی بدهم. اولاً که ما سعی کردیم که قانون مناقصات و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن را رعایت کنیم ولی در

عمل چند بار با دستگاه نظارتی به علت این که نعل به نعل قانون مناقصات را اجرا نکردیم منجر به ابطال مناقصه مشارکت شد. این که می‌گویم اشکال دارد عملیاتی عرض می‌کنم، چون تجربه دارم. یعنی تجربه این را داشته‌ام که واقعا ما با قانون مناقصات به چالش خوردیم. نکاتی را هم ذکر کردم، همین که فقط راجع به مناقصه است و نه مزایده، راجع به کمترین قیمت متناسب است، فرمول تعیین برنده ثابت است و مناقصه دو مرحله‌ای متفاوت است معمولا با مشارکت عمومی خصوصی. مشارکت شاید سه مرحله‌ای باشد و یک سری ریزه‌کاری‌هایی دارد که چون نعل به نعل قانون را اجرا نکردم، دو سه تا مناقصه من را دستگاه نظارتی ورود کرده و باطل کرده. به خاطر همین عرض می‌کنم که مثل اینکه پیمانکارها نتوانند بیایند، نه اینطور نیست. ما در مناقصاتمان اتفاقا پیمانکاران آمدند و پیمانکاران، سرمایه‌گذار آوردند، تامین‌کننده مالی با خودشان آوردند. اتفاقا کسانی که در مشارکت عمومی و خصوصی ورود کردند، پیمانکارانی بودند که سرمایه‌گذار با خودشان آوردند، یعنی فایننسر و تامین‌کننده مالی آوردند. اکثر مشارکتهای ما به این صورت بود. ولی ما عملا چالش داشتیم. حالا یا باید قانون اصلاح شود یا قانون مجزایی برای مشارکت نوشته شود. در هر صورت این قانون من را که عملیاتی جلو رفتم، با چالش مواجه کرده‌است. قطعاً با این دید قانون مناقصات نوشته نشده‌است که برای مشارکت نیز باشد. قطعاً حالا یا باید یک قانون جدیدی بیاید یا به این قانون اصلاحاتی بخورد یا قانون مجزایی بیاید، قطعاً ما نیاز به این موضوع داریم حالا هر روشی که هست.

خانم امامی: آقای جوادی، لطفاً چالشی را که با قانون مناقصات داشته‌اید را در عمل، ملموس‌تر و عینی‌تر می‌فرمایید. این چه موردی بوده‌است که شما ناچار شدید عین قانون مناقصات را انجام ندهید تا آن اجرا شود و بعد نهاد نظارتی مناقصه را باطل کرده‌است. جنس این چالش‌ها را می‌خواهیم بدانیم اگر امکانش هست.

آقای جوادی: بله، دقیقاً خدمت شما عرض می‌کنم. یکی همین بحث مزایده است که قانون برای مناقصات است. یکی تعیین برنده است. تعیین برنده در قوانین ما چون مشخص شده‌است، این برای مشارکت کاربرد ندارد. من باید قیمت فنی را با قیمت پیشنهادی تلفیق کنم، در صورتی که برای مشارکت عمومی خصوصی اگر مناقصه باشد کمترین ارزش حال پرداختی را ملاک قرار می‌دهیم که فرمول مجزا می‌خواهد. یا در مزایده، بالاترین ارزش دریافتی را باید ملاک قرار دهیم که از مدل مالی خارج می‌شود. پس این یک چالش است. چالش دیگر این است که ما باید اول پیشنهادهای فنی را بگیریم بعد که این را گرفتیم حالا بگوییم پیشنهادهای مالی بیار که این با قانون خیلی نمی‌خواند. گرچه حالا راهکارهایی وزارت نفت رفته ولی این با قانون همچنان یک جورهایی مغایرت دارد.

بعضا مناقصات ما سه مرحله‌ای است. یعنی چه؟

اگر وارد مذاکره با آنها نشویم، ما بعدا چانه‌زنی نتوانیم بکنیم، قطعاً اینها احتمال تبانی وجود دارد. برعکس قانون مناقصات که اجازه مذاکره و چانه‌زنی را به من نمی‌دهد در جهت صرفه صلاح‌دار اینجا حتماً باید ما امکان چانه‌زنی داشته باشیم. به خاطر همین حتماً باید مناقصه به صورت سه مرحله‌ای انجام بشود. یا همچنین در ارزیابی کیفی، مثلاً ما در ارزیابی کیفی پیمانکاران برای توان مالی مشکل داشتیم، وقتی می‌خواستیم که قانون را رعایت کنیم. اینها مشکلاتی است که ما در مناقصات مشارکت عمومی خصوصی با آنها دست به گریبان بودیم.

خانم امامی: بعد اینها با یک سری آیین‌نامه اجرایی که به قانون مناقصات ملحق بشوند قابل حل شدن نیست؟ تعارض کامل دارند؟

آقای جوادی: بخشی از آنها چرا. ولی بخشی از این موارد مربوط به خود قانون است. این نیاز است که یا قانون اصلاح شود یا یک قانون جدید بیاید. بله، بخشی از آن با آمدن آیین‌نامه برای مشارکت عمومی خصوصی امکان‌پذیر است مانند فرمول تعیین برنده و اینها.. ولی بخشی نه، بخشی با اصلاح قانون میسر است.

خانم امامی: خیلی ممنونم آقای جوادی. آقای شاکری هم به جمع ما اضافه شدند. زحمت کشیدند. جناب شاکری من سلام عرض می‌کنم.

آقای شاکری: بسم‌الرحمن‌الرحیم. خمت شما و همکاران سلام عرض می‌کنم.

خانم امامی: خیلی ممنونم که تشریف آوردید من به دوستان عرض کردم که اگر سوالاتی از جنابعالی دارند، اینجا مطرح بکنند. خود من هم به هر حال یک تعدادی سوال دارم که از خدمت شما می‌پرسم. دوستان هم سوالات را اضافه کنند، آنها را هم از حضورتان خواهم پرسید.

خانم امامی: آقای شاکری به عنوان اولین سوال، یک گله‌ای است در محافل کارشناسی و در مراجعه ما به سایت مرکز پژوهش‌های مجلس که معمولاً برای دیدن طرح‌ها و لوایح، و وضعیت طرح‌ها و لوایح، محل رجوع ما است. آن هم وضعیت در واقع نسخه نهایی تا الان، نسخه‌ای که تا الآن نهایی شده برای «لایحه مشارکت عمومی خصوصی» است. این را از کجا می‌شود تهیه کرد؟ قاعدتاً در سایت مرکز پژوهش‌ها باید باشد ولی نیست. این چگونه است؟ جناب شاکری گفته شده است که یک سری اصلاحات در کمیسیون بر روی متن انجام شده است ولی در دسترس نیست. ما چگونه می‌توانیم از آن استفاده کنیم و آن را مشاهده کنیم؟ جامعه کارشناسی چطور دسترسی پیدا کند؟ شما با سازوکار مجلس بهتر آشنا هستید، شما یک دوره رییس کمیسیون عمران بودید، الان

هم که یک عضو محوری هستید در کمیسیون. مطمئناً شما می‌توانید ما را راهنمایی بفرمایید. این را پاسخ دهید تا من بروم سراغ سوال دوم.

آقای شاکری: خانم امامی خدمت شما مجدد عرض سلام دارم و عزیزانی که در این برنامه شما حضور دارند. انشالله که موفق باشند. ببینید شما از طریق خود کمیسیون عمران، یک دفتر، یک دبیرخانه دارد، از آنها هم می‌توانید سوال بفرمایید. ما در اختیار کمیسیون می‌گذاریم، کمیسیون خودشان می‌دانند با ترتیبات خودشان. مرکز پژوهش‌ها هم اگر ارتباطی با کمیسیون داشته باشند، آنها نیز در جریان قرار خواهند گرفت. آخرین نسخه‌هایی که در جلسات آخر رد و بدل شده است موجود است. هم از مرکز پژوهش‌ها و هم از دفتر کمیسیون عمران می‌توانید پیگیری نمایید.

خانم امامی: پس شما می‌فرمایید که دبیر کمیسیون موظف است که این را به جامعه کارشناسی بدهد؟

آقای شاکری: من نمی‌دانم که ضوابط خودشان چطور است حقیقتاً. حالا من می‌پرسم و در خدمتان هستیم. ولی از آنجا بپرسید. چون مسئول این کارها دبیر و دبیرخانه کمیسیون در حقیقت هستند. اگر آنجا پیگیری کنید انشاءالله خدمتتان می‌دهند. خانم امامی: در لایحه بودجه ۱۴۰۱، لفظ «مشارکت دولتی و غیردولتی» به جای مشارکت عمومی و خصوصی استفاده شد. اینجا سخنرانان ما نظرشان را گفتند و توضیح دادند که چرا اینطور است. اما من مایلیم از جنابعالی این سوال را بکنم که الان وقتی به جای «بخش خصوصی» گفته می‌شود «بخش غیردولتی» و ما می‌دانیم که «بخش غیردولتی» شامل نهادهای عمومی غیردولتی، نظامی‌ها و ... می‌شود. از آنجا که من به طور مشخص روی نهادهای عمومی غیردولتی و قوانین و مقرراتشان کار کرده‌ام، می‌دانم که این نهادها شفافیت قوانین و مقرراتشان بسیار پایین‌تر است. خب اگر اینها وارد میدان شوند، دیگر جایی برای بخش خصوصی می‌ماند که بتوانند در مشارکت عمومی خصوصی وارد شوند؟

آقای شاکری: در لایحه‌ای که در مجلس داریم نهایی می‌کنیم، این بحث در آنجا کاملاً پیش‌بینی شده است که حداقل تا یک مراحل مشخص فقط بخش خصوصی است و هیچ‌گونه سهمی بخش غیردولتی در آنها ندارند، آنها را به عنوان بخش خصوصی معرفی کردیم و آنها می‌توانند فعال باشند. در صورتی که آنها موفق نشوند، برنده نشوند به اصطلاح مناقصات، آن وقت می‌شود در مراحل آخر هر کسی می‌تواند وارد شود. نکته‌ای که گفتید کاملاً درست است و تاکید ما هم در کمیسیون بر همین است.

خانم امامی: آیا با این شرایط این‌گونه پیش نمی‌رود که چون عملاً بخش خصوصی شرایط ضعیف‌تری برای پیشنهاد دادن به دولت دارد تا ...

آقای شاکری: نه اصلاً فقط آنها می‌توانند حضور پیدا کنند، بقیه نمی‌توانند حضور پیدا کنند.

خانم امامی: آیا برای دولت هم معیار مشخص کرده‌اید که به چه دلایلی می‌تواند به بخش خصوصی نه بگوید. شاید دولت بخش خصوصی را نپذیرد که به هر حال یک شریک بهتری پیدا کند.

آقای شاکری: نه این جور نیست. نه. شرایط ارجاع کار داریم. مثل این، حالا اسمش را مناقصه بگذاریم، ارجاع کار قطعا به صورت مناقصه است. فرآیند دارد، سازوکاری و مراحل برای خودش دارد. منتها اصول آن را در این قانون می‌گوییم، ضوابطش را باید ببرند در آیین‌نامه اجرایی بیاورند. ولی اصولش این است که در مراحل اول و دوم صرفا بخش خصوصی ورود پیدا کند. مثلا از پیشنهادات خوب این است که: اگر از بار اول طرف عمومی قادر به دریافت پیشنهاد نشد، باز باید روی شرایطی که اعلام کرده‌است. یک بازنگری کند و باید یک بار دیگر با شرایط جدید آن کار را انجام دهد. اینها آن اصول است که در آنجا گفته شده‌است. شکل کار این طوری تهیه شده‌است. نکته ای هم که شما گفتید یا عزیزان دیگر اگر در نشست گفتند کاملا درست است: ما باید تاکیدمان بر این باشد که بخش خصوصی را وارد کنیم هم از این لحاظ که آنها ارتقا پیدا کنند، بزرگ شوند، بتوانند کارهای بزرگ انجام دهند و همچنین نقدینگی بازاری که دست این بخش است بتواند بیاید به این کار ورود پیدا کند و مدیریتشان به کار گرفته شود. اگر دوستان هم می‌خواهند مستقیم سؤال کنند، می‌تواند بکنند. اگر شما جمع‌بندی کردید که هر طور خودتان صلاح می‌دانید.

خانم امامی: بله. بسیار خوب. من اول این چند سوال را بپرسم و بعد وارد میکروفن دادن به دوستان می‌شویم تا حالا یک نفر اعلام آمادگی کرده‌است. براساس کامنتها سعی می‌کنم یک جمع‌بندی از اینها داشته‌باشم. جناب شاکری می‌پرسند که قانون مناقصه می‌توانست با یک سری آیین‌نامه الحاقی برای ضعفهایی که گفته می‌شود برای مشارکت دارد آن را پوشش دهد و دیگر نیازی به مثلا تبصره ۴ نباشد که الان به این شکل آمده‌است و مشارکت عمومی یا دولتی غیردولتی را در نظر گرفته‌است. از نظر شما این ظرفیت در قانون مناقصات نیست؟

آقای شاکری: من یک توضیحی بدهم، این تبصره در قانون بودجه آمده‌است نه در لایحه.

خانم امامی: دولتی و غیردولتی در لایحه بودجه آمده‌است و عمومی خصوصی در لایحه، بله.

آقای شاکری: حالا آن را هم عرض می‌کنم. اصلا در لایحه مشارکت عمومی و خصوصی، دولتی و غیردولتی نیامده‌است همان عمومی و خصوصی است. ولی این نهادها و دستگاههای خصولتی که شما گفتید بالاخره دولتی حساب نمی‌شوند. مثلا اگر زیر ۴۹ یا ۵۰ درصد باشند می‌شوند غیردولتی.

خانم امامی: آنها هم به شبه دولتی معروف هستند دیگر. یعنی از نظر مردم که همه یکی هستند.

آقای شاکری: بله، درست می‌فرمایید. ولی من می‌خواهم بگویم از لحاظ دسته‌بندی حقوقی آنها دولتی حساب نمی‌شوند و غیردولتی محسوب می‌شوند (خانم امامی: شبه‌دولتی). ولی در لایحه مشارکت عمومی خصوصی اصلا به این عنوان ذکر نشده‌است.



در بودجه به یک دلایل خاصی ذکر شده است و دلایل ارتباطی به جلسه امروز ما نداشت. پس بنابراین اجازه دادند آن مشارکت هم انجام شود یعنی احتمال دارد بخشی از آن خصوصی کامل باشد، خالص باشد و بخشی هم غیردولتی باشند. آن غیردولتی که در بودجه است شامل هر دو تایش می شود. در لایحه مشارکت عمومی خصوصی دقیقاً ذکر شده است «خصوصی». اما آن قانون مناقصه که گفتید قانون بسیار خوبی است که با سابقه بسیار طولانی در کشور دارد انجام می شود ولی دقیقاً این قانون برای ارجاع کار به صورت پیمانکاری تهیه شده است نه به صورت سرمایه گذاری. ولی هیچ مشکلی ندارد. اولاً در لایحه که گفتیم که حتماً به صورت مناقصه برگزار بشود یعنی در لایحه آمده است که هر گونه واگذاری به صورت مناقصه باید باشد. بعد این حالا که باید مناقصه برگزار شود، بروند ببینند که اگر می توانند الحاق کنند به قانون مناقصه، الحاقیه بنویسند برای قانون مناقصه. مثلاً الان قانون مناقصات ۵ آیین نامه اجرایی دارد، اگر می توانند برای آن یک فصل جداگانه یا آیین نامه جدیدی بنویسند که به آن اضافه شود و این بخش، خاص قراردادهای مشارکتی باشد، مانعی سر راهش نخواهد بود. اگر رفتند و دیدند به آن مفصلی قانون مناقصات نمی خواهد، اصلاً این همان آیین نامه را جداگانه می توانند بدهند. آن را آیین نامه اجرایی آن را در بیاورند، هر طور که خودشان صلاح می دانند، آن کسانی که مسئول شده اند که این آیین نامه را در بیاورند بروند در بیاورند. مانعی سر راهش نیست.

خانم امامی: شما اصلاً موادی از قانون مناقصات را در مغایرت با قراردادهای مشارکت می دانید؟ که به طور خاص مواد این قانون مغایرت داشته باشد با قراردادهای مشارکت؟

آقای شاکری: به خاطر این که در آنجا، در ابتدا قانون مناقصات ذکر می کند که اینها شامل چیست؟ محدوده قانون مناقصات ذکر کرده است شامل چه چیزهایی می شود. آن شامل مواردی می شود که از منابع عمومی می خواهند استفاده کنند. با توجه به اینکه در اینجا منابع اولیه را بخش خصوصی می آورد، قطعاً آن شاخصه ای که در آنجا ذکر شده است که سرمایه را بخش دولتی می آورد، پول را دولت می آورد و آنها باید فقط خدمات را انجام دهند و آن کار را انجام دهند، بنابراین این بخش را پوشش نمی دهد. این بخش را باید به یک نحوی ببرند. مثلاً در قانون مناقصات اصلاً وارد فاز بهره برداری نمی شود، می سازد و تحویل می دهد و می رود. به هر شکلی که باشد، می خواهد سه عاملی باشد، دو عاملی باشد، چهار عاملی باشد، کلید در دست باشد، می سازد، تحویل می دهد و می رود. اینجا ما می خواهیم ۲۰ سال بهره برداری را هم به بخش خصوصی بدهیم. می دانید همین کار چقدر مسأله و نکته دارد اینها. بنابراین باید یک فکری برای اینها بکنیم.

خانم امامی: احصا شده است این مواد؟

آقای شاکری: بله.

خانم امامی: احصا شده است این مواد آقای شاکری؟

آقای شاکری: نه. وظیفه ما این نبوده است که آنها را احصا کنیم. وظیفه ما این است که آن قانون را بنویسیم.

خانم امامی: دولت یا نماینده دولت به شما این را نداده است که مثلا قانون مناقصات این اشکالات را دارد؟ چنین مستندی به

مجلس نداده است؟

آقای شاکری: مستند رسمی نداده است، نه. ولی شاید به مرکز پژوهش‌ها داده باشد. ارتباطی که با خودشان دارند.

خانم امامی: ما می‌بینیم که حتی تشکلهای خصوصی فعال در این عرصه نامه زده‌اند و با کنار گذاشتن قانون مناقصات

مخالفت کرده‌اند و کلا یکی از پیکان‌های انتقاداتی که می‌شود همین قانون مناقصات است. می‌گویند که قانون مناقصات کنار

می‌رود. شما نامه تشکلهای را دیده‌اید؟

آقای شاکری: بله. بله.

خانم امامی: استدلال‌هایشان را قبول داشتید؟

آقای شاکری: عرض کردم قانون مناقصات سر جای خودش است اگر می‌تواند برود پیوستی برای خودش ایجاد کند، برود انجام

دهد. مثل این است که ما قوانین دانشگاه‌های دولتی را برای دانشگاه آزاد به کار ببریم. هر دو دانشگاه هستند ولی اصول حاکم بر

آن یک چیز است و اصول حاکم بر آن یک شکل دیگر مدیریت است. بنابراین اصلا قانون مناقصات سر جای خودش است. ما فقط به

دولت می‌گوییم که برود آیین‌نامه اجرایی را تهیه کند. اصلا برود قانون مناقصات را اصلاح کند. برود هر کار دلش می‌خواهد انجام

بدهد. اینطور نیست که بگوییم قانون مناقصات را کنار بگذارید، و کاری به کار آن نداشته باشیم. خیر. از ظرفیت‌های آن استفاده

کند، کمبودهایش را برود بر طرف کند.

خانم امامی: سوال دیگری نیز از شما دارم. نگرانی دیگری نیز وجود دارد. آن هم این است که برای تبصره ۴ قانون بودجه (که

ظاهرا دیگر در مجلس تصویب نیز شده است). قرار است طی مدت یک ماه آیین‌نامه‌هایی آماده شود. کامنت‌هایی که مخاطبین ما

گذاشته‌اند این است که این سرعت و این مدت برای تهیه این آیین‌نامه‌ها روش برگزاری مشارکت عمومی خصوصی را با چالش

مواجه می‌کند و احتمالا اجرا ضعیف می‌شود. شما به عنوان نماینده مجلس در این خصوص نگرانی نداشته‌اید؟

آقای شاکری: کاش آن دوستانی که این صحبت‌ها را داشته‌اند، خودشان می‌آمدند صحبتشان را می‌گفتند. خیلی نکته خوبی را

گفتند.

خانم امامی: چشم حالا من میکروفون می‌دهم که دوستان خودشان هم مطرح کنند.

اقای شاکری: این نکته را حالا من عرض می‌کنم این نکته به چه دلیلی رخ داد. به این دلیل که سال گذشته تبصره ۱۹ حذف شد و به این خاطر که ما از ظرفیت‌هایش استفاده شود این تمهید در قانون بودجه دیده شد که بشود از ظرفیت‌های تبصره ۱۹ استفاده شود. آیین‌نامه اینها هم معلوم و مشخص است، یعنی نمی‌خواهند که لایحه بدهند. یک چارچوبی است که چون قبلا استفاده می‌شده است بنابراین سرعت تهیه آیین‌نامه‌اش مشکلی ایجاد نمی‌کند. چون سال‌های گذشته استفاده می‌کردند در همین قانون بودجه همین را. به نظر من همان‌ها را می‌خواهند با یک ویرایشی برای این ادامه دهند. همان را که برای تبصره ۱۹ استفاده می‌کردند، همان را کمی اصلاح می‌کنند برای این استفاده می‌کنند. قبلش هم با ما در تماس بودند که یک سری جمله بدهید، یک سری پیشنهاد بدهید که ما این کار را انجام دهیم.

خانم امامی: آقای کریمی ممکن است به آقای رضاخانی میکروفون بدهید، ایشان سوال شفاهی دارند می‌خواهند بپرسند. آقای محمد رضاخانی. سوالتان را شفاهی اینجا می‌توانید بپرسید. آقای شاکری هم پاسخگو هستند. معمولا میکروفون دادن این مشکلات را دارد. خوب تا آقای رضاخانی صحبت بکنند، من اینجا در حضار آقای حلاج را می‌بینم. آقای حلاج از مرکز پژوهش‌ها هستند. من سابقه همکاری با ایشان را زمانی که در مرکز پژوهش‌ها بوده‌ام، داشته‌ام. آقای حلاج، آقای شاکری گفتند که از مرکز پژوهش‌ها بپرسید درباره‌ی ویرایش جدید لایحه مشارکت عمومی و خصوصی و این که آن مستندی را که درباره اشکالات قانون مناقصات است حالا شاید به مرکز پژوهش‌ها داده باشند. ممکن است شما در این خصوص توضیح بدهید؟ میکروفون بدهید به آقای حلاج از مرکز پژوهش‌ها.

حلاج: ببخشید من از سوالتان جا ماندم. یک بار دیگر می‌فرمایید سوال را؟

خانم امامی: آیا مستندی داده شده است به مرکز پژوهش‌ها که اشکالات قانون مناقصات را ذکر کرده است و دیگر این که در سایت مرکز پژوهش‌ها نیست این ویرایش جدید لایحه شما باید اطلاع داشته باشد، در واقع چرا نیست؟ پیگیری کرده‌اید از کمیسیون؟

نسخه لایحه باید در سایت مرکز باشد، چرا نیست؟ شما از کمیسیون پیگیری کرده‌اید؟

اتفاقا حدود ۸ یا ۹ روز پیش، مرکز به من این وظیفه را داد که از کمیسیون، آخرین نسخه را بگیرم. من تماس گرفتم با تلفن دبیر محترم آقای نوروزی و گفتند که استفاده می‌کردند ندارند و نسخه نهایی پیش خود آقای شاکری است چون مسئولیت تدوین لایحه با خود ایشان است. پرسش دوم چه بود؟

خانم امامی: دوم این که مستندی سازمان برنامه به شما داده است برای لایحه‌ی مشارکت عمومی و خصوصی که مثلا اشکالات قانون مناقصات گفته شده باشد؟ یا هر مطلب دیگر؟ کلا گزارش مکتوب چیزی دارید؟ به مرکز داده باشند؟

آقای حلاج: ما خودمان یک گزارش مکتوب البته تهیه کرده‌ایم. چون در اولین جلسه‌ای که در کمیسیون عمران تشکیل شد، به فرمایش خود آقای شاکری که در آن جلسه فرمودند «ما باید توجه داشته باشیم که نباید قانون مادری مثل قانون مناقصات را کنار بگذاریم»، دوستان سازمان برنامه گفتند «سازگاری ندارد» و ایشان به عنوان مسئول پروژه، هم به ما و هم به سازمان برنامه تکلیف کردند که در این خصوص گزارشی تهیه کنیم. ما در مرکز پژوهش‌ها برای این امر ایشان، گزارش ۱۷۳۰۵ مرکز پژوهش‌ها را تهیه کردیم که الان روی سایت هست. دوستان در سازمان برنامه به ما نسخه‌ای ارائه ندادند تا آن جلسه‌ای که این روزها در رسانه‌ها هم بحث آن شد که چرا سازمان کار مکتوبی و گزارش مستندی برای هم‌چنین امر خطیری نمی‌دهد. مطرح شد در رسانه‌ها که بله ... نه به ما ندادند. ما همانطور که گفته شد ما نامه کتبی هم زدیم، از سازمان برنامه ... یعنی مرکز پژوهش‌ها از سازمان برنامه درخواست جلسه کرد که این نقاط را با هم بررسی کنیم یا یکدیگر. فرمودند که به جلسه تشریف نمی‌آورند. بعد طبق دستور رییس مرکز نامه‌ای ارسال شد که: پس این موارد مغایرت را لطف کنند. که الان یک سالی است که این موارد را نفرستادند و لطف نکردند. نه. این هم جواب دوستان.

خانم امامی: میکروفون آقای ناصریان را ممکن است فعال کنید. آقای ناصریان در کامنت‌هایشان درباره برنامه و سازوکار اجرایی مشارکت عمومی خصوصی چند کامنت گذاشته‌اند. آقای ناصریان اگر خودتان مسئله را با آقای شاکری مطرح کنید بهتر است. فکر کنم آقای شاکری هم اینطور ترجیح می‌دهند که از خود دوستان بشنوند.

آقای ناصریان: من در سوالم درباره برنامه اجرایی مشارکت، مخاطبش سازمان برنامه است. شاید آقای رجایی بهتر بتوانند پاسخ دهند که آیا یک برنامه جامعی سازمان برنامه برای ترویج مشارکت عمومی خصوصی دارد؟ چه نهادهایی باید تشکیل شود؟ مثل نهادهای تسهیل‌گری، نهادهای اعتبارسنجی؟ آیا در این زمینه اقدامی برای تشکیل سازمانهای جدید در دستور کارش دارد؟ آیا نظام آموزشی خاصی را برای ترویج مبانی مشارکت برای جامعه مهندسين مشاور و موسسات مالی لازم نمی‌داند؟ آیا برنامه درازمدتی برای ترویج مشارکت عمومی و خصوصی دارد یا ندارد؟ ما چنین چیزهایی ندیدیم که بتواند کار سازمان برنامه را در ترویج مبانی مشارکت صورت دهد.

یک ایرادهایی هم که نسبت به متن تبصره ۴ بود که عرض کردم، زمان‌بندی‌هایش، غیر از نوشتن آیین‌نامه که جناب آقای شاکری گفتند معمولاً از متن‌های قبلی اقتباس می‌شود. مثلاً نوشته شده است ظرف دو ماه کارگروه‌ها باید پروژه‌های مشارکتی را انتخاب کنند. وقتی بخواهند دو ماهه انتخاب کنند باید از قبل آیین‌نامه‌ای وجود داشته‌باشد، بعد دستگاه‌های اجرایی گزارش راهنمای تصمیم را تهیه کرده‌باشند. گزارش‌ها را به کارگروه‌ها بدهند و کارگروه‌ها ظرف دو ماه چگونه می‌توانند پروژه‌ها را انتخاب

نمایند. فرض کنیم کارگروه‌ها پروژه‌ها را انتخاب کردند، دستگاه اجرایی طبق ماده تبصره ۴ موظف است ظرف یک ماه واگذاری را به انجام برساند. چطور چنین چیزی امکان ندارد که بخواهیم یک پروژه‌ای را ظرف یک ماه فرآیند واگذاری‌اش را طی کنیم؟! خانم امامی: الان چون وقت ضیق هست برای آقای شاکری.

آقای شاکری: من یک توضیحی بدهم، آقای عزیزی که صحبت کردند. از افراد صاحب فکر و صاحب نظر هستند. نکات خیلی خوبی را فرمودند. حالا آن اطلاعاتی که من دارم، سازمان برنامه بر اساس جمع‌بندی‌ای که از دستگاه‌های اجرایی مختلف دارد، لیست این پروژه‌های را دارد اصلا و اینها را به عنوان یک جدول به دفتر بودجه ارائه می‌دهد. من اینجور تصور می‌کنم که این لیست‌های مشخص است، اولویت‌بندی هم اینها شده‌است، چون چندین سال است که در نوبت هستند اصلا و دستگاه‌های اجرایی اولویت‌هایشان کاملا معلوم است. از لحاظ آن دستورالعمل هم چون آن دستورالعمل به آن ریزی که ما اصلا داریم در لایحه قانون مشارکت عمومی خصوصی می‌نویسیم و بحث و گفتگویی راجع به آن می‌کنیم اینطوری نیست. آن اقدامات کنترلی را که باید انجام دهند می‌خواهند در آیین‌نامه بیاورند. دوستانی که الان در اینجا هستند، کاملا با این آشنا هستند، از این جهت من فکر می‌کنم همان اقداماتی را که سالیان قبل در مورد تبصره ۱۹ انجام می‌دادند همانها را با به‌روز کردن آنها ارائه می‌دهند. یک مقداری خود آنها سرعت لازم را دارند ولی این نکته‌ای که آقای ناصریان عزیز فرمودند بسیار خوبی است. من امیدوارم لایحه مشارکت عمومی خصوصی را با دو تا سه موضوع تا یک جایی جلو رفته‌ام، باید با کمیسیون عمران آخرین جلسات را بگذاریم و انشاءالله کمیسیون در این مورد تصمیم بگیرد. اقدام آتی کمیسیون همین است اتفاقا. در آنجا از نظر عزیزی که از مرکز پژوهش‌ها و از جاهای مختلف می‌آیند استفاده می‌کنیم. حالا اگر آن لایحه می‌آید و تکلیف را برای همیشه روشن خواهد شد، یعنی آن مبنا می‌شود. ولی تا آن موقع که آن نیامده‌است، اینها که نمی‌توانند پروژه مشارکتی را کنار بگذارند، یک ظرفیت بسیار بالایی را از لحاظ کارهای عمرانی در کشور شکل می‌دهد. بنابراین مجبورند حداقل برای یک سال هم که می‌شود، شروع پروژه‌ها را از این نظر اجرایی کنند. بنابراین به این دلیل این مسایل و زمان‌بندی را گذاشته‌اند و این به نظر من انشاءالله که لایحه مشارکت عمومی خصوصی بیرون آمد خود بنده حتما کمک می‌کنم و همین نکات و سوالاتی که فرمودند کاملا درست است. نسبت به توجیه و ترویج و ایجاد انگیزه در بخش خصوصی برای رجوع به این ظرفیت جدیدی که در کشور ایجاد می‌شود باید اقدام بکنیم. یعنی بنده مطالبه‌گری بکنم از آقای سازمان و آقای وزارتخانه‌های زیربنایی، اقداماتتان برای این موضوع چیست؟ آیا آمادگی لازم را حداقل در سازمان خودتان ایجاد کرده‌اید؟ این یکی از مشکلات است که آمادگی سازمانهای مختلف هستند که خود را بتوانند در قالب چارچوب‌های حقوقی تعریف کنند. تکلیف مراجعه‌کننده از اول برای همه موضوعات روشن باشد. اینها چیزهایی است که ما باید بخواهیم که انشاءالله همه باید کمک کنیم. به نظر من یک اتفاق خوبی است در کشور که این ظرفیت را ایجاد می‌کند.

خانم امامی: فقط آقای شاکری، آقای نوروزی گفتند که این نسخه پیش خود آقای شاکری است و به مرکز پژوهش‌ها ندادند، شما این را حل می‌کنید؟

آقای شاکری: نه منظورشان این بوده‌است که هنوز نیامده‌است در دستور کار قرار بگیرد. یک چیزی که هنوز نهایی نشده‌است معمولا این جور است که در اختیار قرار نمی‌گیرد. این است که بعد از این که کیسیون راجع به آن نظر داد در اختیار قرار می‌گیرد. به این دلیل بوده‌است.

خانم امامی: یعنی کارشناسان و جامعه کارشناسی نمی‌توانند این اصلاحاتی را که تا الان شده‌است ببینند؟

آقای شاکری: چرا. می‌توانند. ما به آقای نوروزی می‌گوییم اگر از نظر آنها اشکالی ندارد در اختیارشان قرار می‌گیرد.

خانم امامی: اگر شما این را به آقای نوروزی بفرمایید قطعاً ایشان این کار را انجام خواهند داد و به هر حال ظرفیت کارشناسی خیلی خوبی در این زمینه وجود دارد. آن موقع دوستان فرصت خواهند داشت اصلاحاتی را که تا الان شده‌است را مطالعه کنند.

آقای شاکری: آقای مهندس حلاج علی‌الخصوص، بیشتر از همه عزیزانی که هستند به علت مسئولیتشان که در مرکز پژوهش‌ها هستند در خدمتشان بوده‌ایم و مطلع هستند. من فکر می‌کنم آخرین ورژنی که انجام شده شاید با آخرین چیزی که در جلسه مطرح شده‌است (نه پیش‌نویس اولیه) خیلی تفاوتی نکرده باشد. جز این بند ارجاع کار، همین که من عرض کردم می‌تواند به صورت هر گونه (سونی قیقه ۳۱:۵۰:۲) یا اصلاح قانون مناقصه یا به خود همان افرادی که یا آن گروهی که واگذار شده‌است این را تهیه کنند، به آنها ارتباط پیدا می‌کند. بنابراین اصلاح مستقلاً این که قانون مناقصه به درد می‌خورد نمی‌خورد استفاده بشود یا نه، اشاره‌ای نشده‌است در آنجا. البته گفته شده‌است حتماً به صورت مناقصه باید واگذار شود و در آیین‌نامه‌ای که دارند می‌نویسند به شکلی باشد که بخش خصوصی ورودکننده باشد به این قضیه. این اصول برایش گفته شده‌است، بقیه را خودشان بروند تهیه کنند. مثلاً موضوعاتی مانند تعریف شرکت پروژه و موضوعاتی که باید در آنجا بیاید و اینها را اگر همه را در قانون بیاوریم، در صحن هم بیاید، به نظر می‌رسد ماه‌ها طول می‌کشد.

خانم امامی: چون صحبت آن شد، این را خدمتتان می‌گویم، الان مطالعات قانونگذاری نوین و پارادایم جدید قانونگذاری به این سمت دارد حرکت می‌کند که قانون هر چه مبسوط‌تر و شفافتر نوشته شود، بهتر است. یعنی برخلاف آن چیزی که سنت قانونگذاری در ایران است و می‌پسندند که متن‌ها اجمالی باشد و بقیه‌اش به آیین‌نامه‌های دولتی ارجاع شود، آن تجربه‌ها و آموخته‌های جهانی، همه به این سمت است که اتفاقاً قوانین را کاملاً شفاف و ملموس بنویسید و تکلیف همه چیز را در قانون مشخص کنید. صرفاً یک سری کارهای خیلی کاملاً اجرایی بماند برای آیین‌نامه‌های دولت. اتفاقاً قوانینی را که می‌نویسند مواد

بسیار دارند(من بالاتر از ۱۰۰ تا ماده دیدم) و زمان قابل توجهی را صرف آن می‌کنند. یعنی مثلا اگر بخواهند پیش‌نویسی را تهیه کنند، فقط تهیه این پیش‌نویس حداقل ۲ سال طول می‌کشد. بعد در پارلمان هم کلی طول می‌کشد. در واقع این بهتر است اتفاقا. آقای شاکری: شما این را به عنوان یک رسانه ترویج کنید، ما هم استقبال می‌کنیم. فرصت و وقت و حوصله را بگذارید. اتفاقا شاید از سرعت قانونگذاری کم بشود. سرعت زیادش هم باعث می‌شود که. یک نکته دیگر را هم به این نکته خوبی که شما فرمودید من اضافه کنم، یک دیدگاه دیگر هم است، البته این دیدگاه حداکثری نیست. چون اگر ما همه را در قانون بیاوریم، اصلاحش دوباره باید بیاید فرایند قانونگذاری را در مجلس طی کند. ما هر چقدر بتوانیم البته آن نکات که شما گفتید درست است، نقاط روشن‌کننده حتی آن آیین‌نامه‌ها را در قانون بیاوریم، شورای نگهبان هم همین نظر را دارد و می‌گوید نمی‌توانی در اختیار بگذاری و بگویی شما بروید آیین‌نامه تهیه کنید. یک اصولش را باید بگویید. نکات کلیدی که باید رعایت شود باید بگویید که در تدوین آیین‌نامه‌ها از آنها عدول نشود. اینها مطرح است و ما موافقیم.

خانم امامی: ان شاءالله که در مجلس شاهد این باشیم که شما جزو کسانی باشید که از قانون‌های مفصل و شفاف حمایت می‌کنید.

آقای شاکری: خواهش می‌کنم. ان شاءالله که بتوانیم این کار را به خوبی انجام بدهیم و از ظرفیت همه دانشمندان، متخصصین، کارورزان و پروژه‌کاران علی‌الخصوص مشارکتی انشاءالله در این رابطه استفاده کنیم. از شما هم جالب است که از روز اول گفتید یک کارگروه سیاسی هستیید و به این موضوع پرداختید خیلی من خوشحال شدم.

خانم امامی: بله، ما درباره سیاست کار می‌کنیم و سیاست هم همه‌چیز را در بر می‌گیرد، از جمله پروژه‌های دولتی را.

آقای شاکری: دست شما درد نکند. متشکرم.

خانم امامی: میکروفن می‌دهید به آقای حلاج ایشان دست بالا کردند. آقای حلاج در خدمتتان هستیم.

آقای حلاج: سلام. صدایم را دارید؟ من درگیر قطع و وصل میکروفون بودم دفعه‌ی قبل تا سوال شما را بگیرم. الان یک نکته‌ای را خواستم خدمتتان عرض کنم، آقای ناصریان عزیز نکته‌ای را فرمودند که درست بود. ما باید از ابتدا برنامه‌مان معلوم باشد بعد در قوانین بودجه‌ای بگوییم ما الان می‌خواهیم گام سال دوم را اجرا کنیم، بعد گام سال سوم را. ما به آن می‌گوییم استفاده از ظرفیت قانون بودجه‌ای. ظرفیت قانون بودجه هر سال بخواهد کل کار را انجام دهد، این چقدر درست است؟ قانون بودجه یعنی قانون سالانه. ما وقتی برنامه نداریم هر کاری بکنیم آخر سال می‌گوییم می‌خواستیم به همین نقطه برسیم، «هر چه آن خسرو کند شیرین بود». اول باید یک برنامه‌ای داشته باشیم برای تغییر این پارادایم از این شرایط موجود به وضع موعود، بعد بگوییم این مثلا ۶ سال زمان می‌برد، سال اول این کار، سال دوم این، سال سوم مثلا LCها درست شود، سال چهارم آیین‌نامه تضمین‌اش آماده‌شود

و ... آن وقت در زیر سایه آن می‌توانیم بگوییم مثلا در بودجه ۱۴۰۰ برای برنامه تغییر به پارادایم PPP اینقدر بودجه می‌گذاریم تا آنان این را انجام دهند. ما کل داستان را غلفتی هر سال در قانون بودجه می‌آوریم و باز در نقطه اول هستیم. ببینید آقای ناصریان خیلی حرف درستی زدند، یک نکته دیگر گفتند که بعضی از سیاسیون و اقتصاديون یک نگاه دیگری دارند، ما از خود شما کسانی که کارتان سیاست است یاد گرفته‌ایم. ما در مهندسی خواهیم تحلیل کنیم که نمی‌توانیم بگوییم این ساختمان یک جاهایی از آن یک اشکالهایی دارد، الزاما شاید بشود یک جاهایی از آن را با یک روش‌هایی یک تغییراتی بدهیم تا بعدا بتوانیم آن را بهتر کنیم. خب چه کسی چه می‌فهمد از این طرح مساله! شما به ما می‌گویید: وقتی به تحلیل موضوعات اجتماعی، اقتصادی و اقتصاد سیاسی می‌رسید بگویید چه کسی دارد چه چیزی را در کجا درست انجام می‌دهد و در کجا نادرست. خب سیاسیون روی این موارد دست می‌گذارند و این موارد را شفاف مطرح می‌کنند، ولی ما مهندسان که به این مسایل عادت نداریم و موضوع کارمان متربال است، فکر می‌کنیم بد است که این حرف‌ها را بزنیم. ولی بازیگران این عرصه سیاست‌گذاری همین ماها هستیم. یک نظریه‌ای این روزها مطرح می‌شود در مورد لایحه مشارکت با روند ۶ یا ۷ سال گذشته که دیده‌ایم. من شواهدی دارم در دفاع از این نظریه دارم، دوستان باید شواهدی بیاورند و این را رد کنند. ما با شاهد صحبت می‌کنیم، این نیست که بگوییم چون من با جناب‌عالی یا آقای رجایی یا آقای شاکری همکار بوده‌ام - البته آقای شاکری همکار که نه رییس ما هستند - به این ملاحظه نباید این کار را بکنیم. این که نمی‌شود. لذا من شواهدی می‌خواهم. شواهدی که دارند می‌گویند و آقای توکلی صراحتا چند وقت پیش در این باره نوشتند. حالا من در چارچوب نظریه این شاهد را می‌گویم:

در یک جوامعی «نهادهای فراگیر» ایجاد می‌شوند در یک جوامعی «نهادهای خاص، بسته و بهره‌کش». در کتاب «چرا ملت‌ها» با این ادبیات این را مطرح می‌کند. دغدغه‌شان این است که مشارکت باید یک نهاد فراگیر باشد همه دسترسی مساوی به فرصت‌ها داشته‌باشند، از این وضعیت خارج شده‌است. ما اگر از اینها بگوییم که: مشارکت خوب است ... ، پارادایم جدیدی است ... ، بهره‌برداری را می‌دهیم به این ... ، خانم تاجر این کار را کرد ... ، برزیل این کار را کرد ...؛ خب سلمنا! بعدش که چه؟ الان ما داریم چه می‌کنیم با مشارکت؟ آیا داریم «نهاد فراگیر» ایجاد می‌کنیم یا «نهاد بسته» ایجاد می‌کنیم؟ این را باید در ایران ۱۴۰۰ پا سخ دهیم. این دغدغه‌ها که هست، من خواستم آقای شاکری که هستند استفاده کنیم. همین چیزی که به بودجه ۱۴۰۰ اضافه شده‌است، همین بندی که به تبصره ۴ بودجه ۱۴۰۰ الحاق شد و آقای رجایی گفتند بند خوبی است، آقای ناصریان هم گفتند بند خوبی است. به همین خاطر من خواستم که از محضر آقای شاکری یک کمک بگیرم: در جلسه‌ای که در آبان پارسال در مورد لایحه مشارکت برگزار شد، عین این پیشنهاد را مرکز پژوهش‌ها پیشنهاد کرد (که قوانین و مقررات و تفسیرها در اختیار عموم مردم باشد). چون در اختیار کمیسیون رسمی کشور است، حالا من خواستم از شهادت آقای شاکری کمک بگیرم. این پیشنهاد بد بود یا

خوب بود؟ آقای رجایی گفتند: خوب بود، آقای ناصریان گفتند: خوب بود، نمایندگان هم رای دادند، ولی وقتی ما گفتیم که به لایحه الحاق شود چرا اینقدر جلسه پرتنش شد که آقای شاکری آخر جلسه به من و آن عزیزانی که بر ما خروش کردند، گفتند که بیا بیدار بوسی کنید و رفاقت کنید، یعنی این پیشنهاد اینقدر بد بود که باید آن رفتار را می کردند؟! عرض من این است که: ما داریم به سمت یک «نهاد فراگیر» می رویم یا یک روش و رویه دیگری؟

از این شواهد هست که به ما می گوید که: گویا یک مقاومتی در برابر شفاف سازی دارد شکل می گیرد که ما را نگران می کند. شواهد آن را ما داریم نگاه می کنیم.

یا چرا برویم سراغ آن جلسه؟ ببینید همین نوع تفسیری که آقای رجایی گفتند. می گویند: این یک ماه که یک ماه نیست، چند ماه است! آن هم که معنایش واگذاری نیست یعنی در واقع ...!

اتفاقا وقتی که آقای رجایی و دو ستان شان در سازمان برنامه قرار است که دستورالعمل ماده ۲۷ را اجرا کنند و آنجا قوانین و مقررات را تبیین کنند. اینجوری می خواهند قوانین و مقررات را تبیین کنند؟

خب مگر اینجوری است قوانین؟ چرا وقتی ما به قانون برگزاری مناقصات می رسیم، آنقدر سختگیرانه می گوئیم نگفته است «با کمترین ارزش»، گفته است «با کمترین قیمت»؟ خب آنجا هم می گوئیم قیمت را می توانیم با فاکتوری، چیزی، بشود ارزش. چرا آن سر بام آن سرما را و این سر بام این گرما را؟! یعنی ما هر جایی که خواسته ایم «نهاد فراگیر» باشد، دسترسی باز شود، نهادهای کشور، قوانین کشور حفظ بشود، سفت مقاومت می کنیم با انواع تلاش ها اینها را می زنیم؟ این را شواهد به ما می گوید دیگه.

ما چه کار داریم که «برزیل چه کار کرده است»؟

ما داریم چه کاری می کنیم! من گفتم آقای شاکری باشند، اما همین جلسه ای که امروز برگزار شد و الحاق به بند تبصره ۴ بود و خواستم کمک بگیرم از ایشان که بودند در آن جلسه. بعد یادم آمد همین شواهد جلسه امروز هم نشان می دهد. ما باید یک ثبات رویه ای داشته باشیم.

در سیاست گذاری که تخصص است، مثل علم ورزشی است، ما باید بتوانیم جزییات را از کلیات تفکیک کنیم. اگر قرار باشد بگوئیم این شماره پایش ۳۸ است، آن ۳۹ است، پس اصلا یک کارخانه نمی تواند کفش هر دو را تولید کند، این جزیی نگری است. کلیت ش این است که هر کفشی یک کفه دارد و یک رویه دارد، بعد باید اینها به هم بچسبند. نمی شود در سیاست گذاری که قانون می نویسیم ... کجای قانون مناقصات گفته است که این فقط برای پیمانکاری است؟ بعد یکی می آید می گوید اگر برای پیمانکاری است EPC را که نگفته است! دوباره کسی بگوید EPCF را که نگفته است. گزارش ۱۷۳۰۵ مرکز پژوهشها نشان می دهد که اصول سازگار است. اتفاقا گیر در همان جا است که شما در سوالی اول پرسیدید. اگر مشخص شود که ما در ۴ ماده مغایرت داریم، آن ۴

ماده را به قانون مشارکت الحاق کنیم. دوستان می گویند که: «ما می گوئیم نمی شود، یک کاری بکنیم». خب یک کاری بکنیم را که آقای رجایی در همین جلسه گفتند این آیین نامه ها هیچ چیز شان نوشته نشده اند. اتفاقا به نظر من این بدترین جواب است. مگر می شود ما بعد از ۷ سال هیچ چیزی ننوشته باشیم؟! اگر واقعا بعد از ۷ سال که می گوئیم این مقررات را کنار بگذاریم و مقررات دیگری می خواهیم بیاوریم در کشور که بعد ۷ سال هیچ چیز آن را ننوشته ایم، پس وای به حال ما! پس ما داریم به چه امیدی این قوانین را کنار می گذاریم؟ به امید آنچه که نمی دانیم؟ آنچه که فقط مطالعه شده؟ خب ما هم یک چیزهایی در کشورهایمان هست. من از شما متشکرم که به ما کمک کردید که پس از ماهها و بلکه سالها کمی گفت و گو شکل بگیرد. امیدوارم ادامه داشته باشد. امیدوارم آن دعوتی که سال قبل مرکز پژوهشها از سازمان برنامه کرده بود، این جلسه سبب خیر شود مانند آن رابوسی که آقای شاکری ایجاد کرد و بلکه بتوانیم جلساتی داشته باشیم با وساطت انجامن شما یا طریق دیگر. مشارکت را از طریق مشارکت دقیق در امور و ایجاد یک نهاد فراگیر در کشورمان می توانیم جلو ببریم. به خاطر قطع و وصل و ترس قطع مجدد درست سلام علیک نکردم و باید به همه عزیزان سلام عرض می کردم اما درگیر قطع و وصل میکروفون هستیم.

خانم امامی: ممنون آقای حلاج. جناب شاکری توضیح شما ...

آقای شاکری: خیلی ممنون، استفاده کردیم. انشاءالله رابوسیها ادامه پیدا کند. حالا آن را دیگر با صحبت هایی که با سازمان برنامه داشتند انشاءالله با هم بنشینند و با هم حل و فصل کنند. خب من یک جمع بندی را عرض کنم، نکاتی که گفته می شود، نکات خیلی خوبی است و ما باید از تمام ظرفیت های دانشی و فکری کشور برای هر موضوعی که می خواهیم قانون گذاری کنیم استفاده کنیم، حتی اگر این افراد به صورت رسمی در مراکزی که ما می شناسیم نباشند ولی بدانیم فردی است که روی این قضیه نظر دارند. هر چقدر ما بتوانیم این کار را انجام دهیم، مناسبتر است. یک بخشی از آن را مجلس انجام می دهد، یک بخش عمده ای از آن را مرکز پژوهشها انجام می دهد. طبق ساختار و وظیفه های است که برایشان در نظر گرفته اند. بنابر این اگر مرکز پژوهشها اگر نکاتی را فکر می کند، باید پیش بینی کند که برای لایحه مشارکت باید آماده کنند، نظرات بقیه را هم بگیرند که وقتی که ما جلسه کمیسیون را گذاشتیم از نظراتشان مطلع شویم. از این جهت می توان بلوغ و کامل بودن مطالب از این طریقها حاصل شود. در جلسه ای هم که در کمیسیون می گذاریم تقریبا از سازمانها و مرکز مرتبط معمولا حدود ۵ یا ۶ سازمانها و مراکز مرتبط دعوت می شوند. ولی مرکز پژوهشها چون وسعتی و جایگاهی دارد و مانند کمیسیون محدود نیست می توانند قبل از تشکیل جلسه کمیسیون این ارتباطات را با بقیه اعضا داشته باشند. من نکته جدیدی نمی بینم، جلسات متعددی با جناب آقای رجایی، آقای حلاج، آقای ناصریان گذاشته ایم. به نظرم می رسد الان این به جایی رسیده است که بتوانیم در جلسه ای آن را ببندیم. امیدوارم در

جلسه که کمیسیون می‌گذارد ما بتوانیم جمع‌بندی نهایی را انجام دهیم. به نظر من موضوع قانون مناقصه موضوع خیلی خاصی نیست. عرض کردم که آیین‌نامه اجرایی می‌تواند با دو رویکرد تهیه شود. یکی اینکه یک فصلی، یک بخشی، یک اصلاحی به قانون مناقصه بخورد. یکی دیگر اینکه نه، یک یا دو صفحه‌ای جدا نوشته شود، همان افراد که قانون مناقصه را نوشته‌اند، همان افراد چون مسلط به موضوع هستند. این را دیگر ما ورود نمی‌کنیم، ولی نظارت عالی انجام می‌دهیم که خوب تهیه شود و از ظرفیت‌های نظام فنی و اجرایی کشور به نحو مطلوبی استفاده شود. از این جهت مشکلی ما در کمیسیون با این مطلب نداریم.

خانم امامی: خیلی ممنونم آقای شاکری. ممنن که وقت که گذاشتید.

آقای شاکری: ممنونم از جلسه‌ای که گذاشتید. از سرکار عالی و همه همکاران تشکر می‌کنم که زحمت کشیدید سپاسگزارم. انشالله خداوند کمک کند برای سال ۱۴۰۱ بتوانیم اقدامات خوبی برای رفاه و آسایش و پیشرفت کشور فراهم کنیم. که دو سه تا اتفاق بسیار خوب در بودجه ۱۴۰۱ رخ داده است که به نظر من یکی مربوط به ارزش ترجیحی بود، یکی مربوط به استفاده از ظرفیت تهاثر نفت بود، یکی دیگر هم استفاده از ظرفیت نحوه تسویه بدهی به پیمانکاران بود. اینها همه چون بحث عمرانی مطرح بود، خواستم بگویم که این اتفاقات خوب شکل گرفت. ولی نکته‌ای که آقای حلاج گفتند به نظر من یک نکته زیربنایی است. یک مقدار از سال گذشته یک مقداری در اصلاح ساختار بودجه وارد شده‌ایم با همراهی سازمان برنامه، امیدواریم که این به جایی برسد که یک بودجه‌بندی متناسب با شأن کشور ما، مدت مدیریت ما، نیازها و مطالبات بدنه کارشناسی و دانشی کشور داشته باشیم. اگر اجازه بدهید. آقای رجایی می‌خواهند صحبت کنند؟ من خدمت شما هستم.

خانم امامی: میکروفون را می‌دهید به آقای رضاخانی؟ ایشان ظاهراً الآن تشریف دارند در جلسه. آقای رضاخانی. میکروفون الان برای شما فعال است سوالتان را بپرسید آقای رضاخانی.

خانم امامی: تا آقای رضاخانی آماده شوند صحبت کنند، من یک توضیحی بدهم درباره انجمن توسعه مشارکت عمومی خصوصی. جلسه قبل که در این مورد ما در خدمت دوستان بودیم، مخاطبین ما تقاضا کردند که جلسه یک قسمت دومی هم داشته باشد و ما هم به این دلیل جلسه را گذاشتیم و با چهار نفر هم برگزار کردیم. چون دیگر آخر سال است و خوب دیگر نمی‌شد برنامه جدید در سال ۱۴۰۰ برگزار کرد. من با دوستانی که از انجمن توسعه مشارکت عمومی خصوصی اسامی‌شان در نت قابل دسترسی بود سایت رسمیو با آنان صحبت کردم، به طور مشخص با آقای روحانی‌نژاد که ایشان فرمودند که چون آقای رجایی در جلسه حضور دارند هر آن چیزی که ایشان می‌دانند و قبول دارند آقای رجایی هم می‌دانند و قبول دارند و هیچ نیازی نیست که هر دوی این عزیزان در جلسه باشند بنابراین حالا درست است که آقای رجایی ظاهراً دیگر با این انجمن همکاری ندارند ولی چون قبلاً

همکاری داشتند، فکر می‌کنم بتوانند در این زمینه توضیح دهند که این انجمن چرا شکل گرفته است؟ هدفش چیست؟ به نقدهایی که درباره عضویت کارکنان سازمان برنامه در این انجمن مطرح است، بتوانند پاسخ دهند. چون من قبلاً با ایشان صحبت کردم و آقای روحانی‌نژاد هم همین را گفتند. همچنین من با آقای عبدالعلی‌زاده، وزیر سابق، صحبت کردم، ایشان گفتند که در مورد لایحه آمادگی لازم را ندارند، آقای روحانی‌نژاد بهتر می‌توانند در این خصوص صحبت کنند و عذرخواهی کردند از شرکت در جلسه. آقای روحانی‌نژاد هم که ما را به آقای رجایی ارجاع دادند. همچنین در مورد آقای علی‌ملکی من پرسیدم از آقای روحانی‌نژاد و ایشان گفتند که من از این دوستان دعوت کردم. به همراه آقای رجایی (البته ایشان خودشان توضیح می‌دهند که بله یا خیر) تصمیم گرفتیم که در خارج از سازمان ظرفیت‌سازی برای این موضوع را دنبال نکنیم و من خودم این افراد را می‌شناختم، با ایشان ارتباط داشتم و از ایشان دعوت کردم که به این انجمن بپیوندند تا بتوان ظرفیت‌سازی کرد و البته این دیگر خارج از سازمان است و الان ما این را داریم انجام می‌دهیم. در رابطه با آقای ملکی نیز فرمودند ایشان نیز ممکن است آمادگی لازم را برای صحبت درباره لایحه نداشته باشند و گفتند که آقای شاکری به واسطه اینکه رییس کمیسیون عمران بودند کاملاً بر این موضوع مسلط هستند.

اینها افرادی بودند که من از فهرست اعضای انجمن توسعه مشارکت عمومی و خصوصی استخراج کردم و با ایشان تماس بگیرم. یک نفر دیگر هم بود که من نمی‌شناختم و نتوانستم با ایشان تماس بگیرم، احتمالاً ایشان هم از بخش خصوصی بوده‌اند. حالا من از آقای رجایی خواهش می‌کنم هم در مورد انجمن توسعه مشارکت عمومی خصوصی یک توضیحی را بفرمایید. البته درست است که الان دیگر عضویت ندارید اما چندین بار دوستان کامنت گذاشته‌اند، لطفاً در رابطه با این انجمن، کارکردش و شبهاتی که بهش وارد هست توضیح بدهید. سپس لطفاً در مورد دستورالعمل ماده ۲۷ توضیح دهید چون فرمودید تا بخواهد اینها انجام شود، اوضاع بر اساس دستورالعمل ماده ۲۷ انجام می‌شود. دستورالعمل ماده ۲۷ نیز یکی از این گلوگاه‌های انتقاد بوده است که آنجاست که می‌گویند در این دستورالعمل کارکنان سازمان برنامه هم در واگذاری شرکت دارند، هم در نظارت، هم در راهبری و هم در اجرا. خلاصه یک چنین چارچوبی را برایش در نظر گرفته‌اند که گفته می‌شود تعارض منافع دارد. یک نکاتی هم آقای حلاج و آقای ناصریان در صحبت‌هایشان اشاره کردند که ظاهراً مخاطب اصلی سازمان برنامه بوده است شما در حدی که می‌توانید بین خودتان و سازمان برنامه یک جمع‌بندی داشته باشید (بر اساس نظر خودتان یا نظر سازمان برنامه، هر جور که مایلید) به نکات دوستان هم پاسخ دهید.

آقای رجایی: تشکر از آقای دکتر شاکری که بهره بردیم از ایشان. چند نکته اینجا مطرح شد، اگر اجازه بفرمایید من اول درباره انجمن توسعه مشارکت عمومی خصوصی توضیح بدهم چون وقت به درازا کشیده شده است. انجمن توسعه مشارکت در سال ۱۳۹۷ تا سپس شد. البته خوب است که جلسه‌ای در رابطه با انجمن بگذارید چون می‌تواند توضیحات بقیه بهتر و کاملتر باشد. این که

گفتید دیگر عضو نیستیم، اول من یک توضیحی راجع به آن بدهم. بعد از اینکه انجمن در سال ۹۷ شکل گرفته، بالاخره هیات مدیره‌ای انتخاب شده تا کار را دنبال کند، بنده هم توفیق خدمت در هیات مدیره را داشتم. اگرچه دوران قانونی ۲ ساله برای هیات مدیره گذشته است، اما چون انتخابات جدیدی به دلیل شرایط کرونا رخ نداده است، من می‌توانم همچنان راجع به این موضوع صحبت بکنم و از دوستان اجازه گرفتم. اما نکته‌ای که من قبلاً خانم امامی هم صحبت کردم و گفتم که به عنوان تربیون انجمن به دوستان گفتم که در رابطه با هیات مدیره برای دوره بعد، عزیزان دیگری هم هستند که تمایل دارند حضور داشته باشند و خیلی خوب است که از حضور این دوستان بهره ببریم و در دوره بعد من به عنوان عضو هیات مدیره در خدمتتان نیستم. چون این مبحث را با آن دوستان داشتم گفتم حالا این عنوان نشود که با دست می‌زند و با پا پیش می‌کشند و گفتم با عنوان انجمن ورود پیدا نکنم. گفتم با عنوان سازمان برنامه هم ورود نکنم. البته چون دوستانی که تشریف دارند خب چندین سال با هم در خدمتشان در سازمان بوده‌ایم نمی‌توانند این ماهیت سازمانی را جدا بکنم و ما هم عرایضمان اگرچه بحث کارشناسی بود، مباحثی را از نظر سازمان برنامه نیز عنوان کردم.

این انجمن سمنی است در ذیل وزارت کشور یعنی با مجوز وزارت کشور ایجاد شده است. انجمن‌های زیادی هستند از جمله همین انجمن علوم سیاسی که سرکار خانم امامی در آن زحمت هماهنگی این جلسه را کشیده‌اند، با اهداف مشخصی کار را دنبال می‌کنند. باید دید که هدف از انجمن توسعه مشارکت چه بوده است. هدف به نظر می‌رسد که در آسایش نهفته است. برای اینکه بیشتر آشنا شویم من چند مورد را خدمت شما عرض می‌کنم:

- بحث اعتمادسازی بین بخش خصوصی و عمومی برای گسترش فرهنگ توسعه مشارکت.
- بسترسازی برای تبدیل دولت از تولیدکننده خدمات که در شرح وظایف بخش دولتی وجود دارد به سیاستگذار و ناظر بر ارائه خدمات به بخش دولتی.

- ترویج عمومی و معرفی مزایای گسترش فرهنگ مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی،

- مطالبه‌گری از بخش دولتی برای واگذاری طرح به بخش خصوصی،

حالا بحث‌های مختلف دیگری هم هست که من فقط خواستم عناوینی از آنها را داشته باشیم، خدمتتان عرض کردم. اما چه شد که دوستان به این فکر افتادند که از ظرفیت‌های انجمن استفاده شود؟ در خصوص بحث مشارکت هنوز هم بالاخره چند سالی که گذشته است ما هنوز هم نیاز به ظرفیت‌سازی داریم. یکی از عمده‌ترین مشکلاتمان در بحث مشارکت عمومی خصوصی، بحث ظرفیت‌سازی است که به نظر من در نوک پیکان قرار دارد. نیروی انسانی (نه در بخش خصوصی، نه در بخش دولتی) که بتواند در بحث مشارکت عمومی و خصوصی کارآمد باشد، به اندازه جامع و کافی نداریم. همین موضوع باعث شده است که ما در این خصوص،

وقتی بحث واگذاری پروژه‌ها را در بحث مشارکت عمومی خصوصی پیش می‌آید. من امروز با یکی از مدیران ارشد سازمانی صحبت می‌کردم، ایشان موضوع خصوصی سازی و مشکلات مربوط به خصوصی سازی را مطرح می‌کردند، من خدمتشان عرض کردم که بله مشکلاتی در با خصوصی سازی وجود داشته است. ولی می‌دانیم در خصوصی سازی‌ها که واگذاری‌ها انجام می‌شود، انتقال مالکیت صورت می‌گرفت، اما در بحث مشارکت عمومی خصوصی قرار نیست انتقال مالکیت پیش بیاید. اگر هم بخواهد مالکیتی واگذار شود عموماً مالکیت عرصه نیست. فرضاً ما آب شیرین کن‌ها را در سواحل دریا داریم. زمین را دولت در اختیار قرار می‌دهد، یک تاسیساتی ایجاد می‌شود، بعد از ۱۰ سال، ۲۰ سال، ۳۰ سال این آهن پاره‌ها را جمع می‌کنند و می‌روند. مالکیت بخش خصوصی چه می‌شود؟ همان آهن پاره‌هایی است که جمع می‌کند و می‌رود. عموماً در مشارکت عمومی خصوصی بحث واگذاری مالکیت را نداریم. یک پروژه راه را که نمی‌توانیم به بخش خصوصی واگذار کنیم. حالا بعضی استثنائات هم وجود دارد که فرض کنید نیروگاهی را داریم که آن هم نمی‌خواهیم که نیروگاه و زمینش را واگذار کنیم. پس آن مخاطراتی را که در بخش خصوصی سازی داشتیم در اینجا نداریم. حالا این نکته را اشاره کردم به خاطر آن که بگویم ما در این حوزه نیازمند ظرفیت سازی هستیم، بنابراین چه در بخش مدیرانمان، چه در بخش کارشناسی و چه در بخش خصوصی. ما وقتی در بخش خصوصی وارد می‌شویم، همه به ما می‌گویند: چقدر دولت پول می‌دهد که ما پروژه را اجرا کنیم؟ شما فقط دنبا پول نباشید. بخش خصوصی! شما بروید ایده بیاورید، ایده بیاورید که با چه روشی می‌شود هم پروژه و این زیر ساخت را اجرا کرد، هم اینکه با هزینه کمتر و هم با مشارکت بخش خصوصی آن را اجرا کرد. درست شد؟ پس این مشکلات را هنوز چه در بخش خصوصی و چه در بخش عمومی داریم. پایه و اساس انجمن بر این شکل گرفت که افرادی دولتی، افرادی خصوصی در کنار هم جمع شوند و هم‌افزایی داشته باشند. بدانند که بخش خصوصی چه مشکلاتی دارد، بخش دولتی چه سازوکارهایی دارد. اینها در کنار هم جمع شوند و بتوانند ترویج و توسعه داشته باشند.

حال نکته‌هایی اشاره شد که آیا حضور بخش دولتی در انجمن‌ها، مانعی دارد و یا مانعی ندارد؟ من چون خودم قبل از این در انجمنی عضویت نداشته‌ام، برای خودم هم سوال پیش آمد که باید دید که مغایرت قانونی در این خصوص وجود نداشته باشد. چون در روزهای اول خیلی علاقه‌مند نبودم که عضو بشوم، به همین خاطر هنگام صدور مجوز از وزارت کشور استعلام کتبی شد. اگر بخواهند افرادی از بخش دولتی در این انجمن حضور داشته باشند آیا مغایرت قانونی وجود دارد یا ندارد؟ در پاسخ اشاره شد که این افراد به عنوان اشخاص حقیقی می‌توانند در این انجمن عضویت داشته باشند و هیچ مغایرتی ندارد. پس در چارچوب ضوابط و آیین‌نامه دولت دارد این کار شکل می‌گیرد. پس من خودم به عنوان یک آدم دغدغه‌مند این را سوال کردم.

سوال دیگر این است که آیا تضاد منافع در اینجا داریم؟ چه تضاد منافی می‌خواهیم داشته باشیم؟ ما قرار است در دولت ترویج مشارکت عمومی خصوصی انجام دهیم و در انجمن هم ترویج مشارکت عمومی خصوصی کنیم. آیا طرف دولت هستیم یا طرف

بخش خصوصی؟ حالا برخی از عزیزان، آقای حلاج هم در جلسه حضور دارند، فکر می‌کنم حدود یک ماه پیش در وزارتخانه‌ای در جلسه‌ای حضور داشتیم، بنده هم به عنوان مهمان در آن جلسه دعوت شده بودم. جالب اینجا بود که در آن کارگروه واگذاری، تمامی اشخاصی که از طرف دستگاه دولتی در جلسه حضور داشتند، (حالا یک نماینده بخش خصوصی بود از اتاق بازرگانی) همه می‌گفتند این سرمایه‌گذاری که این پیشنهاد را ارائه داده‌است، سود کمی برایش دیده‌است و دچار چالش می‌شود. یعنی بخش دولتی می‌دانست که اگر بخش خصوصی در پروژه دچار چالش شود هم خودش را گرفتار کرده‌است و هم دولت را گرفتار کرده‌است. یعنی این نیست که ما اگر در مقام دولت نشستیم یا یک کارشناسی یا نماینده‌ای از دولت هستیم، یا نمایندگان محترم مجلس دارند مصوباتی را تصویب می‌کنند فقط می‌گویند منافع دولت را ببینند. نه اینطور نیست. منافع ملت و دولت به هم گره خورده‌است. حتی بخش خصوصی هم همینطور است. بخش خصوصی که در جلسه حاضر می‌شود می‌گوید اینجا اگر بخش خصوصی این کار را کرد و نتوانست تعهداتش را انجام دهد چه باید کرد؟ یعنی واقعا در جلسات یک هم‌افزایی رخ می‌دهد و انجمن توسعه مشارکت عمومی خصوصی نه می‌تواند همه افرادش از دولتی‌ها باشند نه تماما از خصوصی‌ها. بنابراین دولتی‌ها و خصوصی‌ها در کنار هم می‌توانند در توسعه این موضوع نقش داشته باشند.

آیا فعالیتی انجمن داشته است یا خیر؟ من نمی‌خواهم وارد جزئیات کار شوم. چون در دو سال گذشته به دلیل وجود کرونا، جلسات رسمی نتوانست داشته باشد، همایش‌های رسمی نتوانست داشته باشد و خیلی نتوانست وارد کار شود. ولی در ابتدای این کاریم و این شکل از کار صورت گرفته است و امیدواریم عزیزی که کارشناسان خبره‌ای در این حوزه هستند برای عضویت هیات مدیره انجمن اعلام آمادگی کرده‌اند و این جای خوشحالی است. ما چه در دوره‌های بعد حضور داشته باشیم چه حضور نداشته باشیم، قطعاً حامی هستیم. چه در دولت باشیم، چه در دولت نباشیم، در ترویج آن سعی می‌کنیم که انجام شود.

من این توضیحات را گفتم به خاطر این که دیدم بخشی از دوستان این سوالان را مطرح کردند که راجع به انجمن توضیح داده شد. به خانم امامی هم در رابطه با دعوت از آقای روحانی نژاد گفتم که اشکالی ندارد که دعوت بشوند ولی اگر بنده حضور داشته باشم هم کفایت می‌کند یا آقای روحانی نژاد حضور داشته باشند و کافی است. در رابطه با آقای عبدالعلی زاده هم همینطور است. بنابراین من از سرکار خانم امامی خواهش کردم اگر می‌خواهند دعوت کنند از افراد مختلف دعوت شود. این بود که منجر شد به انتخاب آقای ناصرین عزیز، که از کارشناسان زبده وزارت راه در بحث مشارکت بودند و همینطور منجر به انتخاب آقای مهندس جوادی عزیز شد که سابقه بسیاری در بحث مشارکت، قراردادهای مشارکت و فرآیندهای آن در طی سالیان گذشته دارند. گفتیم از جاهای مختلفی حضور داشته باشند که بتوانیم جلسه خوبی داشته باشیم. اگرچه به نظر می‌رسد که هنوز مباحث کامل نشده‌است و

نیاز است که جلسات دیگری نیز داشته باشیم. قرار بود جلسه تا نه و نیم تمام شود و الان هم به قول معروف از یازده هم گذشته است.

اگر خانم امامی اجازه دارم من این نکات دیگر که فرمودید اشاره داشته باشم. در رابطه با مسایل دیگر، یک نکته‌ای اشاره شد که ما ضوابط را داشته باشیم و بعدا کار را شروع کنیم. این خیلی خوب است که ما همه چیز را آماده داشته باشیم. اما آیا در دهه پنجاه این ضوابطی را که امروز داشتیم، این ۵۰ سالی که ضوابط، آیین‌نامه، قوانینی که نوشتیم، نظام فنی اجرایی ما در سازمان برنامه هنوز سالیانه چندین ضابطه را در آن گنجانده می‌شود، آیا ما در دهه ۵۰ برای توسعه کشور متوقف شدیم؟ متوقف نشدیم. ولی با حداقل‌ها شروع کردیم. در یک زمانی سازمان برنامه خودش شد چه؟ خودش شد کارفرما، یعنی خودش برای اینکه پروژه راه اجرا شود، خود سازمان کارفرما می‌شد، وزارت راه کارفرمایش نبود. این سیر را طی کردیم تا به امروز رسیدیم. من نمی‌خواهم بگویم که بدون هیچ سندی، بدون هیچ ضابطه‌ای کار را انجام دهیم. ما از سال ۹۰ تا سال ۹۷ درگیر بحث لایحه بودیم که در دولت تدوین شود. آیا ۷ سال کم نبود؟ از سال ۹۷ تا امروز که سال ۱۴۰۰ است، منتظر هستیم که لایحه در مجلس محترم به تصویب برسد. آیا ۱۰ سال برای یک لایحه کافی نیست؟ آیا به نظر شما لایحه مشارکت، مورد نظر ۱۰۰ درصد من رجایی است؟ قطعاً اینطور نیست. من هم آن قلت‌هایی رویش دارم. عزیزانی در سازمان سرمایه‌گذاری هستند که می‌گویند خسته شدیم از بس که این جلسات طولانی شده است. ما هر سال به کشورهای مختلف می‌رویم و می‌بینیم که قانون شان را اجرا کرده‌اند. هر موقع که برای ما پیش می‌آید می‌گوییم که ما هم در حال تدوین لایحه هستیم. درست است که دوستان اشاره کردند، آقای ناصرین اشاره کردند. بگذارید لایحه تصویب شود، اگر خطاهایی همه داریم برود تصویب بشود. اجرا شود و در نهایت اگر در دوران آزمایشی دچار مخاطراتی بود، اصلاحاتی صورت بگیرد بتوانیم پیشرفت کنیم. شاید آن چیزی که در سال ۱۴۰۰ داریم، بهتر از آن چیزی باشد که در سال ۱۳۹۰ بود. یک جاهایی شاید بهتر باشد، یک جاهایی کمتر. اما ۱۰ سال این فرصت را از دست داده‌ایم، ما نمی‌توانیم متوقف شویم برای اینکه که آیین‌نامه‌ها، قانون‌ها و ... همه را داشته باشیم، بعد بگوییم که الان آمادگی داریم. این اتفاق نخواهد افتاد. سازمان برنامه با نظارت جمعی از نیروی انسانی که دارد، در چارت سازمانی‌اش دارد، تلاش کرده‌است تلاش کرده‌است چارچوب‌ها و ضوابطی را آماده کند، نه اینکه خودش تهیه کند. با همکاری امور نظام فنی، مشاورانی گرفته است، مشاور طراحی کند، بررسی بکند و ارائه کند و به دست ما برسد. نه در این ضوابط، در تمامی ضوابط روال کار بر این است که از مشاوران بیرونی استفاده کند، پخته شود و بیاید و به اسم ضوابط منتشر شود. الان هم شروع کرده‌است. اشاره کردم برای آیین‌نامه‌ای که در دست داریم، عرض کردم که از سال گذشته شروع شده است و خروجی اینها محل استفاده ما هست. اما آنجا که اشاره کردم که برای آیین‌نامه یک خط هم نوشتیم که واقعیت هم همین است، ما یک خط درباره آیین‌نامه تبصره ۴ لاسحه سال ۱۴۰۱ نوشتیم اما اندوخته‌هایی را داریم. جناب آقای شاکری



اشاره کردند طی ۳ یا ۴ سال گذشته که آیین‌نامه‌ها را داشتیم اندوخته‌های ما هستند. اجراهایی را داشتیم، شاید برخی از آنها بایستی اصلاح شود، برویم به سمتی که برخی از آنها اصلاح شود. من عرض بر این است که نباید متوقف بشویم، بایستی حرکت کنیم، به پیش برویم و در حین حرکت بتوانیم به مرور اصلاح اسناد، بخشنامه‌ها و دستورها و قوانین را داشته باشیم. حالا سوالاتی من را اشاره کردند من یادداشت کردم.

خانم امامی: در رابطه با دستورالعمل ماده ۲۷ الحاق ۲، به تعارض منافع این ماده ایراد گرفته می‌شود. در واقع اجرا، راهبری، حل اختلافات و همه اینها بر عهده نفراتی است که اعضای سازمان برنامه و کارکنان دفتر مشارکت سازمان برنامه در همه آنها حضور دارند. این را شما می‌پذیرید؟

آقای رجایی: به نظر من دوستانی که این حرف را می‌زنند باید یک دفعه بروند آیین‌نامه را خوب بخوانند. یک دفعه بروند دستورالعمل را خوب بخوانند و ببینند که کجا دفتر مشارکت سازمان برنامه در اجرا نقش دارد؟ ما یک قانونی که الان داریم قانون مناقصات است، بیایم آن را با قانون مناقصات مقایسه کنیم. قانون مناقصات یک کمیسیونی دارد که شامل رییس دستگاه، ذی‌حساب دستگاه و یک کارشناس آن می‌شود. این سه نفر اعضای کمیسیون چه هستند؟ کمیسیون مناقصات هستند. یعنی اینها درباره ارزیابی صلاحیت، تشخیص صلاحیت، انتخاب مناقصه‌گر و معرفی برنده البته با مجموعه و تیم ذیل آنها تصمیم‌گیری می‌کنند. حالا اگر اختلافی به وجود بیاید چه کسی باید رفعش کند؟ دستگاه باید رفع کند. اگر شکایتی شود چه کسی باید رفعش کند؟ دستگاه باید این کار را بکند. از دستگاه شکایت می‌شود. قانون اساسنامه رسیدگی به شکایات می‌گوید، ابتدا باید به دستگاه شکایت شود، دستگاه ظرف ۱۵ روز باید پاسخگو باشد. اگر پاسخگو نبود هیئت رسیدگی به شکایات آن را انجام می‌دهد.

در دستورالعمل ماده ۲۷ چگونه است؟ در این دستورالعمل برای اینکه شفافیت بیشتری باشد، آمده است ارکان بیشتری به آن اضافه کرده است. گفته است که وزارتخانه باشد، دستگاه اجرایی مربوطه باشد، معاون وزارتخانه باشد، از دادگستری یک نماینده بیاید، از سازمان برنامه یک نماینده بیاید، از وزارت اقتصاد بیاید و از اتاق تعاون هم بیاید. به نظر شما ۶ یا ۷ نفر بهتر است یا ۳ نفر؟ آن هم از دستگاه‌های دیگری که نظارتی هستند دارند این کار را انجام می‌دهند. حالا اینکه از سازمان برنامه کی می‌رود. سازمان برنامه نماینده امور بخشی مربوطه است. موضوع اگر ورزشی است سازمان برنامه در این مورد نماینده دارد. اگر میراث فرهنگی است نماینده اش می‌رود، اگر آموزش عالی است، نماینده اش می‌رود. اصلاً دفتر مشارکت که بنده کارشناس آنجا هستم، خدمتگذاران هستیم، به عنوان عضو رسمی جلسات نیستیم. چون فرآیندها را ما تدوین می‌کنیم، دستورالعمل‌ها را ما تدوین می‌کنیم، دوستان ما را در جلسات مربوطه دعوت می‌کنند تا ببینیم آیا فرم‌های مربوطه درست پر شده‌اند، مشکلی در این رابطه نداریم، آیا فرآیندها را

انجام داده‌ایم و به هر حال با تجربه‌ای که شما در این حوزه دارید، به هر حال راهی که داریم می‌رویم درست است؟ اشتباه داریم یا نداریم؟ تصمیم‌گیر نماینده امور بخشی سازمان برنامه، نماینده وزارت اقتصاد، نماینده دادگستری، نماینده اتاق و دو یا سه نفری که از چه هستند؟ از دستگاه اجرایی هستند. عمده آن هم از دستگاه اجرایی است. پس ارزیابی صلاحیت پروژه را نمایندگان دستگاه‌ها انجام می‌دهند، در نهایت قیمت را بررسی می‌کنند و شسته و رفته به جلسه کارگروه واگذاری می‌آیند. اصل کار را دستگاه انجام می‌دهد. اسناد را کجا تهیه می‌کند؟ دستگاه. گزارش تصمیم را چه کسی می‌دهد؟ دستگاه. فراخوان؟ دستگاه. تا به معرفی برنده می‌رسد، ۳ تا ۴ نماینده از سازمان‌های دیگر را هم دعوت می‌کنند که ما این پروسه را طی کردیم، به اینجا رسیدیم، اگر نکته یا ابهامی در آن وجود دارد اینجا اعلام نمایید. در این مسیر ما به این برنده رسیدیم، می‌پذیرید که بسم‌الله، نمی‌پذیرید، متوقف شود و بر گردد. به نظر شما این در کجا تضاد منافع دارد که ما اسمش را بگذاریم تضاد منافع و سینه چاک بکنیم و بگوییم که اینجا تضاد منافع رخ داده است. شاید نیاز بود که این اتفاق چند سالی پیش بیاید، البته در لایحه مشارکت بعد از اصلاحاتی که صورت گرفت گفتند که همان دستگاه باشد. آقای شاکری هم که در جلسه حضور دارند، گفتند بگذارید که فرآیند را خود دستگاه طی بکند. این اصلاحات صورت گرفت. شاید نکته‌ای هم که در آیین‌نامه سال جاری به آن اذعان شد که وابسته نشود به دستورالعمل ماده ۲۷، در این نکته بود که دوستان گفتند الان بعد از گذشت چند سال، یک ظرفیت‌هایی در دستگاه‌ها ایجاد شده است و می‌توانیم این واگذاری به دستگاه صورت بگیرد. ما بیاییم در کارگروه‌ها با حداقل افراد بخش‌های دیگر، آن را بیشتر به دستگاه بسپاریم و راهبری را انجام دهیم. با این نگاه از دستورالعمل ماده ۲۷ تفکیک شد تا آیین‌نامه اجرایی‌اش به دولت سپرده شود تا در این خصوص کار بکند.

خانم امامی: خیلی ممنون آقای رجایی، من باز می‌بینم آقای حلاج دستشان را بالا آورده‌اند. حالا نمی‌دانم دوستان هستند دیگر، دورهمی صحبت می‌کنیم.

آقای شاکری: من با اجازه شما از محضر همه عزیزان مرخص می‌شوم، ان شاء الله که همه عزیزان موفق و موید باشند. مجدداً در محضر همه عزیزان هستیم. خیلی ممنون از همه زحماتی که حضرت عالی و همه همکاران کشیدید.

خانم امامی: به نظرم توضیحاتی که آقای رجایی در این مورد دادند کاملاً دیدگاه ایشان را در این موارد کاملاً روشن می‌کند. هم در مورد انجمن توسعه مشارکت عمومی خصوصی صحبت کردند و هم در مورد دستورالعمل ماده ۲۷. فقط آقای جوادی فرمودند که در مورد مشکلات قانون مناقصات پاسخگو هستند. جناب جوادی ما این سوال را یک بار از خدمت شما پرسیدیم و شما پاسخ دادید. اگر نکته جدیدی را می‌خواهید اضافه کنید در خدمتتان هستیم، اگر هم جمع‌بندی دارید، من خوشحال می‌شوم که

جمع‌بندی شما را بشنوم. آقای جوادی نکته‌ی جدیدی می‌خواهید اضافه کنید؟ که برویم به سمت پایان برنامه. جناب جوادی؟ آقای مهندس جوادی؟

آقای جوادی: سلام علیکم. از این که این جلسه را تشکیل دادید تشکر می‌کنم. من نکته جدیدی در رابطه با مشارکت عمومی خصوصی ندارم. فقط کاش در این جلسات از کسانی که تجربه عملیاتی دارند، به طور عملیاتی کار کرده‌اند دعوت شود. یک وقتی است که ما می‌نشینیم با یکدیگر کتاب می‌خوانیم، مطالعه می‌کنیم، خیلی هم خوب است. خیلی عالی. ولی کسانی که تجربه عملیاتی دارند، از سرمایه‌گذارها، از دستگاه‌های دولتی که کار را عملیاتی کرده‌اند، در حوزه آب، فاضلاب، راه و برق و کسانی که در مشاور، نظارت داشته‌اند، تنظیم کرده‌اند دعوت شوند که بگویند به طور عملیاتی خروجی پروژه مشارکتی چه بوده‌است.

خانم امامی: ما شما را دقیقاً به همین دلیل تجربه عملیاتی که دارید دعوت کرده‌ایم، بفرمایید.

آقای جوادی: حالا من که کوچکتر آنها هستم، تجربه عملیاتی من محدود است. کسانی که بیشتر و بهتر از من کار کرده‌اند مثل آقای مهندس کشفی. در بخش نیروی خورشیدی وزارت نیرو (ساتبا)، نیروگاه‌های حرارتی که به صورت BOO و BOT کار کرده‌اند، یا بیمارستان‌ها مثل بیمارستان محب که به صورت BOT بوده‌است. خوب این‌ها که کار کرده‌اند می‌توانند بیشتر و عملیاتی‌تر برای شما توضیح دهند. آن‌هایی که تجربه خارجی داشتند. مثلاً کسانی که در دانشگاه‌های خارجی کار کرده‌اند مثل دکتر نورزاد. بالاخره مدل‌های مالی خارجی نوشته‌اند، با خارجی‌ها کار کرده‌اند. من هم ۵ یا ۶، ۷ یا ۱۰ مناقصه در BOT کار کرده‌ام و محدود بوده‌است به همین چند تا. البته تعداد پروژه‌ها زیاد نیست ولی خوب کسانی که عمده کار کرده‌اند آنها هم می‌توانند فواید مشارکت عمومی خصوصی را به طور عملیاتی توضیح دهند، بگویند با چه موانع و مشکلاتی مواجه شدند، در تجربه محدود خودم که ما از سال ۸۶ شروع کردیم که نیروگاه‌های BOT، کار کردیم و تصفیه‌خانه‌ها. من یک تجربه محدودی داشتم که عرض کردم. کسانی هستند که بیشتر کار کرده‌اند و مشکلات را شاید بتوانند بهتر توضیح دهند. حالا می‌توانید دعوت کنید شاید مفید باشد.

خانم امامی: خیلی ممنونم. به هر حال دعوت از این دوستان نیازمند این است که ما آنها را بشناسیم. به هر حال من ممنون می‌شوم که دوستان این کامنت‌ها را در آدرس کانال ما <https://t.me/ipsaregulation> بگذارند وقتی که کارهای مشارکتی گذاشته می‌شود، از افراد نام ببرند، آن موقع ما می‌توانیم از افراد دعوت بکنیم، شرکت بکنند آن وقت نشست‌ها پربارتر خواهد شد. من برای مدعوین این جلسه هم با مشورت آقای رجایی این ترکیب را طراحی کردم که به هر حال از هر قسمت قانونگذار، مجری، آن‌هایی که کار عملیاتی کرده‌اند، آنها که کارشناس هستند، از همه اینها حضور داشته‌باشند تا یک هم‌افزایی از بخش‌های مختلف داشته‌باشیم.

آقای رجایی، یکی دو نکته است که من عرض می‌کنم، اگر مایل بودید پاسخ بدهید. اگر آمادگی دارید به این نقدها هم پاسخ دهید. البته من در واقع توانایی ادامه جلسه را دارم اما باید مهمانان ما هم بپذیرند که تا این اندازه بخواهند زمان را در اختیار بگذارند. من برای جلسه امروز ۲ ساعت و نیم تا ۳ ساعت را پیش بینی می‌کردم ولی الان از این مقدار هم گذشته‌است. جناب رجایی گفته‌اند که این بحث در رابطه با ۶ نفر و ۳ نفر، این یک منبع عملی و مستند می‌خواهد. آیا چنین چیزی سراغ دارید؟ در مورد ظرفیتی که در مورد مشارکت عمومی و خصوصی مطرح کردید گفته‌اند که آیا بررسی در این خصوص انجام شده است که وضعیت ظرفیت موجود در این خصوص چقدر است؟

من مجدداً به آقای حلاج میکروفون نادم، اگر آمادگی دارید که با آقای حلاج هم گفتگو بکنید که من به ایشان هم میکروفون بدهم اگر نه که بعد از توضیحات شما ما جلسه را به پایان می‌بریم. در خدمت شما هستیم.

آقای رجایی: من از همه دوستانی که در مباحث مشارکت کردند ممنونم. نگاه‌ها بر این است که به قول معروف یک دلسوزی در این خصوص دارند و همه علاقه‌مند این هستند که کار به خوبی دنبال شود. لذا از این جلسات هم شاید بتوان آن ظرفیت‌سازی که برای توسعه مشارکت خیلی هم مفید است انجام شود. خیلی خوب است که اگر بشود جلسات دیگری را در خدمت عزیزان باشیم. پیشنهاد خیلی خوبی که آقای جوادی مطرح کردند که ظرفیت خوبی است. اشاره شد که آیا ۶ نفر بهتر از ۳ نفر است؟ من اشاره کردم بحث شفافیت است. بحث این مطرح شد که شفافیت این بهتر است یا آن؟ من خدمتتان عرض کردم که یک مقایسه‌ای بکنید. همه از یک دستگاه باشند و تصمیم‌گیری بکنند بهتر می‌شود یا اگر در چند دستگاه باشند؟ چون اگر چند دستگاه باشند احتمال این هست که ارتباطات کمتر باشد و مستقل نظر بدهند. به نظر می‌رسد که از چند دستگاه باشد بهتر باشد. البته که آن کسانی که در کمیسیون‌ها، امور کارگروه‌ها انتخاب می‌شوند باید اعتماد بکنیم که آنها افرادی هستند ذی صلاح هستند که در این حوزه دارند کار می‌کنند. اگر کمیسیون که مناقصات سه نفر انتخاب شدند باید اعتماد بکنیم که آنها افرادی هستند که می‌خواهند پروژه را به کسی بدهند که محقق باشد و منافع شخصی را در آن در نظر نمی‌گیرند. باید نگاه بدبینانه نداشته باشیم. می‌خواهم بگویم اگر خرده‌ای هم نگاه بدبینانه داشته باشیم، با حضور حداکثری افرادی که از چند دستگاه هستند می‌تواند این کاهش پیدا بکند. حالا این روش خوب است یا بد؟ شاید کندی کار را داشته باشد و قرار باشد جلسه‌ای که می‌گذاریم و ۴ یا ۵ نفر از دستگاه‌های مختلف را دعوت بکنیم یک کندی دارد. ممکن است یک سری مسافرت باشند و نباشند بالاخره مشکلاتی پیش می‌آید که همه نمی‌توانند حضور پیدا کنند و دچار چالش‌هایی می‌شود ولی اگر از یک دستگاه باشند این اتفاق کمتر می‌افتد و راحت‌تر پیش می‌رود. پس می‌توانیم از لحاظ شفاف‌سازی بگوییم که چه؟ بله تعداد بیشتری باشند شفافیت بیشتری داریم و از منظر سرعت کار اگر از دورن دستگاه این اتفاق بیفتد سرعت کمتری دارد! تجربه‌ای که در این مورد خواسته بودند که از قانون مناقصات آیا شاهدی داریم، بله

داریم. بالاخره ما از بدو خلقت قانون مناقصات درگیر آن بوده‌ایم، در تهیه آیین‌نامه‌های آن، در اصلاح آیین‌نامه‌هایش و در پاسخگویی به سوالات آن درگیر بوده‌ایم. بنابراین به عنوان یک مبنا در موقع خرید کالا و پیمانکار به آن نگاه می‌کنیم که قانون خوبی است.

اینکه اشاره می‌کنند که مثلاً اگر اصلاح بشود بهتر می‌شود، می‌توانیم در قانون مشارکت و سرمایه‌گذاری از آن استفاده کنیم، عرض این است که نه اینکه بگوییم قانون مناقصات قانون بدی است، در جای خودش برای خرید کالا و خدمت قانون مترقی‌ایست. ببینید من یک مثال ساده‌ی عامیانه بزنم. یک خودروی سواری دارم از آن برای سواری استفاده می‌کنم، حالا یک بار ۱۰۰ کیلویی هم دارم که آن را هم با این خودرو منتقل می‌کنم. یک موقع بار من ۳۰۰ کیلو هم می‌شود باز هم منتقل می‌کنم، اما وقتی بار من یک تن شد منتقل کردن آن با خودروی سواری امکان‌پذیر نیست. ماهیت کار می‌شود چه؟ فرض کنید یک نی‌سان، وانت یا یک خاور می‌شود. حالا اگر من قانون مناقصات را برای سرمایه‌گذاری اصلاح کنم مثل چی می‌شود؟ مثل این است که لاستیک‌های این خودروی سواری را عوض کنم یا باربند برایش بگذارم تا بشود برای حمل بار استفاده کنم. وقتی حمل بار شد ظرفیت انتقال خودروی سواری را برای من نخواهد داشت. آیا می‌شود پیوستی به آن زد؟ به نظر من می‌شود. همچنان که ما برای آیین‌نامه خرید خدمات مشاوره پیوستی زدیم. ما در بند «ه» ماده ۲۹ قانون مناقصات یک پیوندی زدیم که خرید خدمات مشاور را از این قانون منفک می‌کنیم و در چارچوب آیین‌نامه‌ای داریم که چه؟ به تصویب دولت می‌رسد. آمدیم آیین‌نامه‌ای نوشتیم که از قانون مناقصات مفصل‌تر است. بند رقابتی در آن ندارد؟ چرا دارد. اما نگاهمان نگاه حداقل یا پایین‌ترین قیمت متناسب نیست. در یک جاهایی بالاترین کیفیت است. می‌توان بندی را اشاره کنیم که می‌شود فرآیند اجرایی آن در قالب آیین‌نامه‌ای باشد. فقط اگر بخواهیم که آیین‌نامه‌ای برای آن بنویسیم، ایراد آن این است که قانون مناقصات فقط برای مناقصات است در حالی که مشارکت، هم مناقصه دارد و هم مزایده. آن وقت باید برای آن یک چارچوبی تبیین کنیم. عرض من این است اگر بخواهد اصلاحاتی صورت بگیرد خود قانون مناقصات را به هم می‌ریزد اما اگر بخواهد پیوستی داشته باشد می‌تواند آن پیوست در کنار قانون مناقصات باشد، می‌تواند در لایحه مشارکت باشد، می‌تواند در لایحه مشارکت به آیین‌نامه مربوطه‌اش اشاره شود. تفاوتی نمی‌کند و می‌تواند پیوستی داشته باشد یا در لایحه مشارکت می‌تواند پیوستی داشته باشد در هر دو صورت قابل استفاده باشد. من خودم از محضر عزیزان بهره‌بردم، از اطاله کلامم عذرخواهی می‌کنم، باز هم آمادگی دارم به عنوان اینکه خدمتگزار عزیزان باشم اگر جلسه‌ای لازم باشد که راجع به مواردی بحث کنیم و از نظرات دیگران استفاده کنیم. کسان دیگری که در اجرا بودند و اجرا کردند و با چالش‌های دیگری روبرو بودند، من خودم لذت می‌برم که استفاده کنم از عزیزان. برای خود من همین جلسه امروز به جهت اینکه از عزیزان استفاده کردیم خیلی لذت‌بخش بود.

خانم امامی: خیلی ممنونم آقای رجایی. توضیحات خیلی خوبی ارائه دادید. من فکر می‌کنم نکاتی که در قسمت قبلی نشست انجمن در رابطه با مشارکت عمومی خصوصی مطرح شد، در این نشست هم به آنها پرداخته شد و حالا دیگر این مخاطبان هستند که می‌توانند نظرات افراد مختلف را که طی این دو نشست شنیدند، کنار هم بگذارند و جمع‌بندی خودشان را داشته باشند. تلاش ما در انجمن علوم سیاسی این است که فضایی را ایجاد کنیم تا دوستان بیایند و نقطه نظراتشان را بیان کنند و این به افزایش آگاهی کمک کند. من دوست داشتم که دوباره میکروفون را به آقای حلاج بدهم و این گفتگو ادامه پیدا کند ولی خب ساعت یازده و نیم است و ما از هفت و نیم در خدمت دوستان هستیم. واقعا آقای جوادی و آقای رجایی خیلی به ما لطف داشتند که تا الان در جلسه ماندند و وقتشان را در اختیار ما گذاشتند. من امیدوارم اگر گفتگوها و نکات دیگری از طرف دوستان هست که مطمئنا می‌تواند جنبه‌های اغنایی هم داشته باشد و توافقی را به دنبال داشته باشد، این دیگر در نشست‌های کمیسیون‌های مجلس، مرکز پژوهش‌ها و سازمان برنامه و در این مجمع‌های اینچنینی دنبال شود. ما رسالت خودممان که شنیدن موافقین، مخالفین و افرادی که در بینین قرار می‌گیرند هست آن را انجام دادیم. امیدوارم که مجموع این دو جلسه به ارتقای آگاهی عمومی در مورد پروژه‌های دولتی و چگونگی به سرانجام رسیدن آنها کمک بکند. از همگی دوستان که حوصله کردند و تا الان با ما بودند تشکر می‌کنم. سپس ویژه از سخنرانان عزیز که صبوری کردند و در جلسه ما را همراهی کردند. امیدوارم که آخرین برنامه ما در سال ۱۴۰۰ که طولانی‌ترین آن هم بود توانسته باشد رضایت مخاطبین ما را جلب کند. فایل صوتی و تصویری این نشست در کانال کمیته سیاست و تنظیم گری منتشر خواهد شد. پاورپوینت‌های ارائه دوستان هم اگر دوستان اجازه بدهند در کانال منتشر خواهد شد و دوستان می‌توانند استفاده بکنند. اعیاد شعبانیه را خدمت همه دوستان تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم در پناه ایزد منان شب بسیار خوبی را داشته باشند.